



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

علی اصغر رضوانی

فاطمه زهرا
در نگاه دیگران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فاطمه زهرا عليها السلام در نگاه دیگران

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	فاطمه زهرا علیها السلام در نگاه دیگران
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۲۳	پیشگفتار
۲۹	عنايات خداوند به فاطمه زهرا علیها السلام
۲۹	اشاره
۲۹	۱ - ازدواج فاطمه زهرا علیها السلام امر خداوند متعال
۳۰	۲ - رضای خدا و رسول در رضای فاطمه علیها السلام
۳۱	۳ - فاطمه زهرا علیها السلام در قرآن
۳۳	۴ - نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از حضرت زهرا علیها السلام
۳۵	عظمت مقام فاطمه زهرا علیها السلام
۳۵	اشاره
۳۵	۱ - فاطمه زهرا علیها السلام در یکتا
۳۶	۲ - عدم معرفت به حقیقت مقام فاطمه زهرا علیها السلام
۳۷	۳ - قصور از درک مقام فاطمه زهرا علیها السلام
۳۹	۴ - عدم امکان درک حقیقت فاطمه زهرا علیها السلام
۴۲	۵ - عدم امکان شناخت حقیقت فاطمه زهرا علیها السلام
۴۵	عنايات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دخترش فاطمه زهرا علیها السلام
۴۵	اشاره
۴۵	۱ - فاطمه زهرا علیها السلام تربیت یافته پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۴۹	۲ - محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت زهرا علیها السلام
۵۱	۳ - فاطمه زهرا علیها السلام محبوب ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و سلم

- ۴ - فاطمه علیها السلام شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۵۱
- ۵ - فاطمه زهرا علیها السلام و جلب رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۵۵
- ۶ - فاطمه زهرا علیها السلام پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۵۶
- ۷ - تحمل زحمت بسیار در راه دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۵۸
- ارتباط فاطمه زهرا علیها السلام با امیرمؤمنان علیه السلام ۶۳
- اشاره ۶۳
- ۱ - خلافت امام علی علیه السلام از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام ۶۳
- ۲ - پیوند فاطمه زهرا با علی مرتضی علیهما السلام ۶۵
- ۳ - دفاع فاطمه زهرا علیها السلام از ولایت ۶۶
- ۴ - فاطمه زهرا علیها السلام واسطه بین قطب نبوت و امامت ۶۸
- ۵ - زندگی فاطمه علیها السلام در خانه نبوت و امامت ۷۰
- ۶ - فاطمه زهرا علیها السلام و قیام به وظایف شوهرداری ۷۱
- لقاب حضرت زهرا علیها السلام ۷۳
- علم فاطمه زهرا علیها السلام ۷۷
- اشاره ۷۷
- ۱ - گستره علم فاطمه زهرا علیها السلام ۷۷
- ۲ - اخذ حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۷۸
- ۳ - فاطمه زهرا علیها السلام و نقل حدیث ۷۹
- ۴ - تأثیر گسترده خطبه فاطمه علیها السلام ۷۹
- ۵ - وجود سخنان فاطمه زهرا علیها السلام در حافظه تاریخ ۸۲
- ۶ - فقه فاطمه زهرا علیها السلام ۸۴
- ۷ - فصاحت و بلاغت حضرت زهرا علیها السلام ۸۵
- اخلاق فاطمه زهرا علیها السلام ۸۷
- اشاره ۸۷
- ۱ - زهد حضرت زهرا علیها السلام ۸۷
- ۲ - فاطمه زهرا علیها السلام در اوج عزت و بزرگی ۸۹

- ۳ - فاطمه زهرا عليها السلام، مظهر عفاف و عصمت ۹۰
- ۴ - صبر و تحمل حضرت زهرا عليها السلام ۹۱
- ۵ - عفاف حضرت زهرا عليها السلام ۹۱
- ۶ - قناعت فاطمه زهرا عليها السلام ۹۴
- ۸ - جلالت فاطمه زهرا عليها السلام ۹۶
- شجاعت و شهامت حضرت زهرا عليها السلام ۹۹
- اشاره ۹۹
- ۱ - دفاع فاطمه عليها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۹۹
- ۲ - شرکت فاطمه عليها السلام در امور مهم ۱۰۰
- ۳ - شجاعت و شهامت حضرت زهرا عليها السلام ۱۰۱
- محبت حضرت زهرا عليها السلام ۱۰۵
- اشاره ۱۰۵
- ۱ - لزوم محبت فاطمه زهرا عليها السلام ۱۰۵
- ۳ - محبت فاطمه زهرا عليها السلام، به جهت الگوپذیری ۱۰۹
- ۴ - محبت فاطمه زهرا عليها السلام همراه با اطاعت ۱۱۰
- فاطمه زهرا عليها السلام برتر زنان ۱۱۱
- اشاره ۱۱۱
- ۱ - برتری فاطمه زهرا عليها السلام بر حضرت مریم عليها السلام ۱۱۱
- ۲ - فاطمه زهرا عليها السلام برتر از عایشه ۱۱۳
- فاطمه زهرا عليها السلام الگوی برتر ۱۱۷
- اشاره ۱۱۷
- ۱ - لزوم بررسی سیره حضرت زهرا عليها السلام ۱۱۷
- ۲ - برتری فاطمه زهرا عليها السلام ۱۲۲
- ۳ - فاطمه زهرا عليها السلام بهترین الگو ۱۲۴
- ۴ - فاطمه زهرا عليها السلام، الگوی منتخب ۱۳۳
- ۵ - فاطمه زهرا عليها السلام ام المؤمنین و خیر النساء ۱۳۴

- ۶ - فاطمه زهرا عليها السلام، برتر زنان ۱۳۶
- ۷ - فاطمه زهرا عليها السلام الكوى زنان ۱۳۹
- فاطمه زهرا عليها السلام، ام ابیها ۱۴۱
- اشاره ۱۴۱
- ۱ - دکتر محمد عبده یمانى ۱۴۱
- ۲- استاد توفیق ابوعلم ۱۴۲
- ۳ - محمود شبلی ۱۴۵
- ۴ - عبد الفتاح عبد المقصود ۱۴۷
- ۵ - محمود مهدى استانبولى و مصطفى ابوالنصر شبلى ۱۴۸
- ۶- حافظ ابن حجر ۱۴۹
- ۷- احمد خليل جمعه ۱۴۹
- ۸ - وداد سكاكىنى ۱۵۰
- نمونه هایی از مادری فاطمه زهرا نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۱۵۱
- الف) مادری برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مکه ۱۵۱
- ب) مادری برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه ۱۵۲
- خدیده کبری عليها السلام ۱۵۵
- حضرت خدیجه عليها السلام، مادر حضرت فاطمه عليها السلام ۱۵۷
- اشاره ۱۵۷
- ۱ - حضرت خدیجه عليها السلام، مجمع مکارم اخلاق ۱۵۷
- ۲ - حضرت خدیجه عليها السلام، یار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۱۵۸
- ۳ - دفاع حضرت خدیجه عليها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۱۵۹
- ۴ - ایمان خدیجه عليها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۱۶۰
- ۵- عظمت حضرت خدیجه عليها السلام ۱۶۳
- ۶ - کمک خدیجه عليها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل از بعثت ۱۶۵
- ۷ - خدیجه عليها السلام، سرور زنان قریش ۱۶۵
- ۸ - خدیجه عليها السلام، اول زن مسلمان ۱۶۶

- ۹ - بلندی عظمت و مقام حضرت خدیجه علیها السلام ----- ۱۶۷
- ۱۰ - حضرت خدیجه علیها السلام، یار غمخوار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ----- ۱۶۸
- ۱۱ - خدیجه علیها السلام در شعب ابو طالب علیه السلام ----- ۱۶۹
- ۱۲ - پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تکریم خدیجه علیها السلام ----- ۱۷۱
- ۱۳ - همراهی حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ----- ۱۷۲
- ۱۴ - حضرت خدیجه علیها السلام از زنان بهشتی ----- ۱۷۵
- ۱۵ - زنده بودن خدیجه علیها السلام در طول تاریخ ----- ۱۷۶
- ۱۶ - برکت زندگی حضرت خدیجه علیها السلام ----- ۱۷۷
- ۱۷ - خدیجه علیها السلام، نعمت الهی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ----- ۱۷۹
- ۱۸ - برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر عایشه ----- ۱۸۰
- فهرست منابع ----- ۱۸۳
- درباره مرکز ----- ۱۸۵

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: فاطمه زهرا علیها السلام در نگاه دیگران / تألیف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر: قم: دلیل ما، 1389.

مشخصات ظاهری: 172 ص.

شابک: 25000 ریال 978-964-397-600-2 ؛ 60000 ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ دوم: بهار 1392.

یادداشت: کتابنامه: ص. [171] - 172؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق. -- نظر اهل سنت

موضوع: فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق. -- فضایل

رده بندی کنگره: 1389 2ف64ر/BP27/28

رده بندی دیویی: 297/973

شماره کتابشناسی ملی: 0888991

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نرگس ذکری

ص: 1

اشاره

فاطمه زهرا عليها السلام در نگاه دیگران

تألیف:

علی اصغر رضوانی

ص: 2

رضوانی، علی اصغر، 1341 -

عنوان و نام پدیدآور: فاطمه زهرا علیها السلام در نگاه دیگران / تالیف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر: قم: دلیل ما، 1389.

مشخصات ظاهری: 172 ص.

شابک: 25000 ریال 978-964-397-600-2 ؛ 60000 ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: چاپ دوم: بهار 1392.

یادداشت: کتابنامه: ص. [171] - 172؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق. -- نظر اهل سنت

موضوع: فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق. -- فضایل

رده بندی کنگره: 28/27BP/64ر 1389 2

رده بندی دیویی: 297/973

شماره کتابشناسی ملی: 0 8 8 8 9 9 1

ص: 3

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 4

پیشگفتار... 11

فاطمه زهرا علیها السلام/15

عنايات خداوند به فاطمه زهرا علیها السلام... 17

1 - ازدواج فاطمه زهرا علیها السلام به امر خداوند متعال... 17

2 - رضای خدا و رسول در رضای فاطمه علیها السلام... 18

3 - فاطمه زهرا علیها السلام در قرآن... 19

4 - نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از حضرت زهرا علیها السلام... 21

عظمت مقام فاطمه زهرا علیها السلام... 23

1 - فاطمه زهرا علیها السلام در یکتا... 23

2 - عدم معرفت به حقیقت مقام فاطمه زهرا علیها السلام... 24

3 - قصور از درک مقام فاطمه زهرا علیها السلام... 25

4 - عدم امکان درک حقیقت فاطمه زهرا علیها السلام... 27

5 - عدم امکان شناخت حقیقت فاطمه زهرا علیها السلام... 30

عنايات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دخترش فاطمه زهرا علیها السلام ... 33

ص: 5

- 1 - فاطمه زهرا عليها السلام تربيت یافته پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم... 33
- 2 - محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت زهرا عليها السلام... 37
- 3 - فاطمه زهرا عليها السلام محبوب ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم... 39
- 4 - فاطمه عليها السلام شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم... 39
- 5 - فاطمه زهرا عليها السلام جلب رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم... 43
- 6 - فاطمه زهرا عليها السلام پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم... 44
- 7 - تحمل زحمت بسیار در راه دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم... 46
- ارتباط فاطمه زهرا عليها السلام با امیر مؤمنان علیهما السلام... 51
- 1 - خلافت امام علی علیهما السلام از دیدگاه حضرت زهرا عليها السلام... 51
- 2 - پیوند فاطمه زهرا با علی مرتضی علیهما السلام... 53
- 3 - دفاع فاطمه زهرا عليها السلام از ولایت... 54
- 4 - فاطمه زهرا عليها السلام واسطه بین قطب نبوت و امامت... 56
- 5 - زندگی فاطمه عليها السلام در خانه نبوت و امامت... 58
- 6 - فاطمه زهرا عليها السلام و قیام به وظایف شوهرداری... 59
- القاب حضرت زهرا عليها السلام... 61
- علم فاطمه زهرا عليها السلام... 65
- 1 - گستره علم فاطمه زهرا عليها السلام... 65
- 2 - اخذ حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم... 66
- 3 - فاطمه زهرا عليها السلام و نقل حدیث... 67
- 4 - تأثیر گسترده خطبه فاطمه عليها السلام... 67
- 5 - وجود سخنان فاطمه زهرا عليها السلام در حافظه تاریخ... 70

6 - فقه فاطمه زهرا عليها السلام ...72

7 - فصاحت و بلاغت حضرت زهرا عليها السلام ...73

اخلاق فاطمه زهرا عليها السلام ...75

ص: 6

- 1 - زهد حضرت زهرا عليها السلام... 75
- 2 - فاطمه زهرا عليها السلام در اوج عزت و بزرگی... 77
- 3 - فاطمه زهرا عليها السلام، مظهر عفاف و عصمت... 78
- 4 - صبر و تحمل حضرت زهرا عليها السلام... 79
- 5 - عفاف حضرت زهرا عليها السلام... 79
- 6 - قناعت فاطمه زهرا عليها السلام... 82
- 7 - فاطمه زهرا عليها السلام، مجمع فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم... 84
- 8 - جلالت فاطمه زهرا عليها السلام... 84
- شجاعت و شهامت حضرت زهرا عليها السلام... 87
- 1 - دفاع فاطمه عليها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم... 87
- 2 - شرکت فاطمه عليها السلام در امور مهم... 88
- 3 - شجاعت و شهامت حضرت زهرا عليها السلام... 89
- محبت حضرت زهرا عليها السلام... 93
- 1 - لزوم محبت فاطمه زهرا عليها السلام... 93
- 2 - ایمان در گرو محبت فاطمه زهرا عليها السلام... 95
- 3 - محبت فاطمه زهرا عليها السلام، به جهت الگوپذیری... 97
- 4 - محبت فاطمه زهرا عليها السلام همراه با اطاعت... 98
- فاطمه زهرا عليها السلام برتر زنان... 99
- 1 - برتری فاطمه زهرا عليها السلام بر حضرت مریم عليها السلام... 99
- 2 - فاطمه زهرا عليها السلام برتر از عایشه... 101
- فاطمه زهرا عليها السلام الگوی برتر... 105

1 - لزوم بررسی سیره حضرت زهرا علیها السلام... 105

2 - برتری فاطمه زهرا علیها السلام... 110

3 - فاطمه زهرا علیها السلام بهترین الگو... 112

ص: 7

4- فاطمه زهرا عليها السلام، الكوى منتخب... 121

5- فاطمه زهرا عليها السلام ام المؤمنين و خير النساء... 122

6- فاطمه زهرا عليها السلام ، برتر زنان ... 124

7- فاطمه زهرا عليها السلام الكوى زنان... 127

فاطمه زهرا عليها السلام، ام ايها... 129

1- دكتور محمد عبده يمانى... 129

2- استاد توفيق ابو علم... 130

3- محمود شبلى... 133

4- عبد الفتاح عبدالمقصود... 135

5- محمود مهدي استانبولى و مصطفى ابوالنصر شبلى... 136

6- حافظ ابن حجر... 137

7- احمد خليل جمعه... 137

8- و داد سكاكينى... 138

نمونه هاى از مادري فاطمه زهرا نسبت به پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم... 139

(الف) مادري براى پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم در مكه... 139

(ب) مادري براى پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم در مدينه... 140

خديجه كبرى عليها السلام/ 143

حضرت خديجه عليها السلام، مادر حضرت فاطمه عليها السلام... 145

1- حضرت خديجه عليها السلام، مجمع مكارم اخلاق... 145

2- حضرت خديجه عليها السلام، يار پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم ... 146

3- دفاع حضرت خديجه عليها السلام از پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم... 147

4 - ايمان خديجه عليها السلام به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم ... 148

5 - عظمت حضرت خديجه عليها السلام ... 151

ص: 8

- 6 - کمک خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل از بعثت... 153
- 7 - خدیجه علیها السلام، سرور زنان قریش... 153
- 8 - خدیجه علیها السلام، اول زن مسلمان... 154
- 9 - بلندی عظمت و مقام حضرت خدیجه علیها السلام... 155
- 10 - حضرت خدیجه علیها السلام، یار غمخوار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم... 156
- 11 - خدیجه علیها السلام در شعب ابو طالب الله علیه السلام... 157
- 12 - پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تکریم خدیجه علیها السلام... 159
- 13 - همراهی حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم... 160
- 14 - حضرت خدیجه علیها السلام از زنان بهشتی... 163
- 15 - زنده بودن خدیجه علیها السلام در طول تاریخ... 164
- 16 - برکت زندگی حضرت خدیجه علیها السلام... 165
- 17 - خدیجه علیها السلام، نعمت الهی بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم... 167
- 18 - برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر عایشه... 168
- فهرست منابع... 171

فاطمه زهرا علیها السلام در یکتا و یگانه الگوی زنی است که در اسلام مورد توجه خاص عموم مردم و علی الخصوص افراد محقق و پژوهشگر و تاریخ نویس از هر دین و آیین و مذهبی قرار گرفته است فاطمه زهرا علیها السلام شخصیتی است که حد و مرز را شکسته و گستره افق او همه جا را فرا گرفته است و لذا حتی مسیحیان و اهل سنت نیز در شأن و منزلت و مقام و زوایای مختلف زندگی پر بار و برکت او سخن گفته اند :

احمد خلیل جمعه از علمای اهل سنت درباره توصیف حضرت زهرا علیها السلام از سوی علمای اهل سنت مینویسد:

«في رحلتی المیمونة المبارکة مع سیدتنا فاطمة الزهرا رضی الله عنها، لاحظت عظیم الأثر الذی ترکته بصماتها المعطار في سطور علماء الأدباء و ادباء العلماء، كالشافعي وأبي نعيم الأصبهاني، وابن جابر الاندلسي، و الذهبي وغيرهم كثير ممن لا يُحصون.

و عند ما وضعت نصب عینی الحدیث عن فاطمة الزهراء، وجدت امامی ثروة عظيمة من تراث الكفر، و من نفخات و رشحات الأفلام التي جادت بها قرائح اعلیاء العلماء و اکابر السادات و سادات الأكابر، في كل فن من فنون المعرفة. ولو جمعت تلکم الآثار الحسان لتحصل عندنا مجلدات

كبيرة، قد لانستطيع حصرها ضمن مئات الصفحات. سنعيش لحظات في ضلال تلك النفخات الندية التي سمحت بها القرائح في مختلف العصور من علماء من و ادباء و شعراء، استلهموا فنّ معارفهم من فاطمة الزهراء و من اهل البيت النبوي الكريم، فجاؤا بسحر حلال، يهمس بأعماق القلوب، فيأخذ بجامعها، ويروي ظمأ النفوس التي تود الاستزادة من شرب رحيق سيّر هؤلاء الأطهار، ومن منا لا يرتوي من معين سيرتهم...» (1)

«در حرکت با میمنت و مبارکی که با سرور ما فاطمه زهرا رضی الله عنها داشتم اثر عظیمی را ملاحظه کردم که آن حضرت با سیره و اخلاق معطرش در سطرهای علمای ادیب و ادیبان علما، همچون شافعی و ابونعیم اصبهانی، و ابن جابر اندلسی و ذهبی و افراد بسیار دیگری که قابل شمارش نیست، به جای گذاشته شده است.

و چون در مقابل چشمانم نوشته هایی درباره فاطمه زهرا را گذاشتم در برابرم ثروت عظیمی از میراث فکری و گفته ها و نوشته جاتی را مشاهده کردم که قریحه های علمای بلند مرتبه و بزرگ مردان و مردان بزرگ در هر فن از فنون معرفت به نهایت زیبایی از خود به جای گذاشته اند. و اگر بخوایم آن آثار زیبا و نیکو را جمع کنم به چند جلد کتاب بزرگ خواهد رسید که نمی توانم در ضمن صدها صفحه محصور نمایم. زود است که لحظاتی را در سایه های آن کلمات ارزشمندی که قریحه های علما و ادیبان و شعرا در عصرهای مختلف از خود به جای گذاشته زندگی کنیم تا فن معارف آنان را از فاطمه زهرا و از اهل بیت نبوی کرام الهام گیریم؛ زیرا که آنان از خود [در این باره] سحر حلال آورده اند که با اعماق قلبهای انسان سخن میگوید و همه اطراف آن را در بر میگیرد و تشنگی نفسهایی را که احتیاج مبرمی به آشامیدن از شربت سیره آن پاکان دارد را سیراب می کند و چه کسی است از ما که از آب گواری سیره آنان سیراب نگردد.

ص: 12

اینک ما به زوایای مختلف شخصیتی حضرت زهرا علیها السلام که در کلام مسیحیان و اهل سنت آمده با دسته بندی مطالب اشاره میکنیم و در آخر کتاب با شخصیت مادرش حضرت خدیجه علیها السلام از دیدگاه دیگران میپردازیم ولی این نکته قابل توجه است که ما در این کتاب به زوایای گوناگون آن حضرت علیها السلام آن گونه که دیگران فهمیده اند می پردازیم گرچه برداشت و عقیده ما درباره حضرت زهرا علیها السلام در زوایای مختلف با مسیحیان و اهل سنت فرق اساسی دارد؛ ما شیعیان معتقد به عصمت آن حضرت و ارتباط او با غیب و حجیت سنت او هستیم که فقیهان میتوانند به قول و فعل و تقریر او فتوا دهند ولی دیگران چنین اعتقاداتی را درباره آن حضرت ندارند ما در دیگر کتاب ها به اثبات این موضوعات پرداخته ایم و هدفمان در این کتاب اثبات این مطلب بر عموم اهل سنت است که بدانند افراد منصفی از علمای آنان وجود دارند ، که تا حدودی به عظمت و جلالت آن حضرت پی برده و به آن اعتراف کرده اند.

علی اصغر رضوانی

ص: 13

فاطمه زهرا عليها السلام

ص: 15

خداوند متعال به فاطمه زهرا عليها السلام عنايات و الطاف خاص و ویژه ای داشته که او را از ديگران ممتاز ساخته است. اينک به نمونه هايی از آن ها که در کلمات علمای اهل سنت آمده اشاره ميکنيم؛

1 - ازدواج فاطمه زهرا عليها السلام امر خداوند متعال

علامه عبدالرؤف مناوی مینويسد:

«وكان تزويج المصطفى فاطمة لعلی بأمر الله تعالى. فعن ابن مسعود انه صلى الله عليه وآله وسلم قال: (ان الله تعالى امرني ان ازوج فاطمة من علی). ورواه الطبرانی، ورجاله ثقات»؛ [\(1\)](#)

ازدواج مصطفی فاطمه زهرا را به علی به دستور خداوند متعال بود. از ابن مسعود رسیده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (همانا خداوند متعال مرا دستور داده که فاطمه را به علی تزویج نمایم) این خبر را طبرانی روایت کرده و رجال آن همگی از افراد ثقه اند».

ص: 17

1- اتحاف السائل، ص 34؛ جمع الجوامع، سیوطی، ج 1، ص 162.

«... و اما وقوع التزویج بالأمر الالهی لعلی و خطبة الشيخین لها قبل ذلك جعل الدرع، صداقاً، فلاشک فيه؛ لوروده من طرق بأسانید صحیحة»؛ (1)

«... و اما اینکه وقوع ازدواج به امر الهی برای علی بوده و قبل از آن ابوبکر

و عمر از او خواستگاری کرده بودند [و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنان جواب رد داده بود] فاطمه از سوی علی زره او بود همگی از قضایایی است که

و مهر در آنها شکی وجود ندارد؛ زیرا که از طرق مختلف با سندهای صحیح وارد

شده است.»

2- رضای خدا و رسول در رضای فاطمه علیها السلام

سید احمد سایح در مقدمه کتاب خود درباره حضرت زهرا علیها السلام می نویسد:

«فأتی قد استخرت الله تبارک وتعالی فی ان اجمع بعض المناقب فی فضل الطاهرة السیدة فاطمة الزهراء - رضی الله تعالی عنها وارضاه - سائلاً المولی جل و علا ان یمدنی بمدده وان یعیننی علی ذلك بمنه وکرهه؛ لانّ رضا الزهراء هو رضاه الله تعالی و لرسوله صلی الله علیه و آله و سلم. قال تعالی: « وَاللّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضُوهُ ». قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم للسیدة فاطمة الزهراء - رضی الله عنها - : (انّ الله یرضی لرضاک و یغضب لغضیبک)»؛ (2)

«من با خدای تبارک و تعالی مشورت کردم در این که برخی از مناقب را در

فضیلت طاهره سیده فاطمه زهرا - رضی الله تعالی عنها وارضاه جمع کنم و از مولی جل و علا میخواهم تا مرا به مددش کمک کند و مرا بر این کار به منت و کرمش یاری نماید؛ زیرا رضایت زهرا همان رضایت خدای متعال و رسولش میباشد خداوند متعال فرمود (و خدا و رسولش سزاوارترند که

ص: 18

1- همان، ص 49.

2- الاضواء فی مناقب الزهراء، سید احمد سایح، ص 17.

رضایتشان جلب شود رسول خدا الله صلى الله عليه وآله وسلم به خانم فاطمه زهرا رضی الله عنها فرمود: (همانا خداوند به رضایت تو راضی و در غضب تو غضبناک می شود)».

3 - فاطمه زهرا عليها السلام در قرآن

احمد خلیل جمعه از علمای اهل سنت در این باره می نویسد:

«في القرآن الكريم مواضع تشير الى مكانه فاطمة الزهرا رضی الله عنها و مكانة اولادها في البيت النبوی الذي اذهب الله عنه الرجس و طهره تطهيراً.»

و في سورة آل عمران لمحات لطيفة الى فاطمة الزهرا و اولادها رضوان عليهم، في وفد نجران وقصة المباحلة و...

هذا وقد ورد ذكر فاطمة الزهرا رضی الله عنها في موضع آخر من القرآن الكريم، حيث ورد في سورة الاحزاب ما يشير الى ذلك اشارة بينة واضحة.

فقد ورد في التفسير و الصحاح و السنن ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كان يمر بباب فاطمة ستة اشهر اذا خرج الى صلاة الفجر و يقول: (الصلاة) يا اهل البيت «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (1). وورد ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و وضع على الحسن و الحسين و علي و فاطمة كساء، ثم قال: (اللهم هؤلاء اهل بيتي و خاصتي، اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً)...

و في سورة الشورى اشارة الى الزهراء و بنيتها في قوله تعالى: « قُلْ أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ » (2).

ص: 19

1- سورة احزاب، آیه 33

2- سورة شوری، آیه 23

ذکر اهل التفسیر انّ الحسن و الحسین قد ، مرضا فنذر علی و فاطمة و جاریة لها اسمها فضة ان عوفیا صیام ثلاثة ایام فبرء فصاموا اول یوم، ووضعا العشاء اقرصاً من شعیر، فوقف سائل ، فآثروه و طووا وقف علیهم فی اللیلة الثانية یتیم، فآثروه و طووا، و فی اللیلة الثالثة وقف علیهم، اسیر، فآثروه و طووا، فنزل قول الله عزوجل : (یُؤْفُونَ بِالتَّنْذِرِ وَ یَخَافُونَ یَوْمًا کَانَ شَرُّهُ مُسَدِّطِیرًا * وَ یُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَی حُبِّهِ مَسْکِینًا وَ یتیمًا وَ اسیرًا * اِنَّمَا نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللّٰهِ لَا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزَاءً وَ لَا شُکْرًا) (1)؛

«در قرآن مواضعی است که اشاره به منزلت فاطمه رضی الله عنها و منزلت اولاد او در خاندان نبوی دارد خاندانی که خداوند از آنها پلیدی را برده و به طور کلی پاکشان نموده است.

و در سوره آل عمران اشاراتی لطیف به فاطمه زهرا و اولاد او رضوان الله علیهم در قصه نجران و قصه مباحله دارد...

و نیز یاد فاطمه زهرا رضی الله عنها در مواضع دیگری از قرآن کریم شده که از جمله آنها در سوره احزاب آیه ای وارد شده که اشاره روشن و واضیحی بر آن دارد.

در تفسیر و صحاح و سنن وارد شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خانه فاطمه تا شش ماه هنگام رفتن برای نماز صبح عبور می کرد و می فرمود: (نماز ای اهل بیت ، نماز همانا خداوند اراده کرده تا مطلق پلیدی را از شما دور کرده و شما را به مطلق طهارت برساند).

در حدیث آمده که رسول خدا بر روی حسن و حسین و علی و فاطمه پارچه ای انداخت و سپس فرمود بار خدایا اینان اهل بیت من و از خواص من ، هستند هر گونه پلیدی را از آنان دور کرده و به طور مطلق پاکشان گردان

و در سوره شوری اشاره به زهرا و اولاد او شده در قول خداوند متعال بگوهر

ص: 20

رسالتهم مزدی نمیخواهم جز دوستی خویشاوندانم).

اهل تفسیر ذکر کرده اند که حسن و حسین مریض شدند. علی و فاطمه و کنیز آن دو به نام فضا نذر کردند که اگر آن دو خوب شوند سه روز روزه بگیرند، آن دو عافیت یافتند لذا روز اول را روزه گرفتند و غذا را که چند قرص نان جو بود سر سفره آوردند تا بخورند که سائلی آمد و همگی نان خود را به او ایثار کرده و شکم خالی به سر بردند. در شب دوم یتیمی آمد و آنها قرص نان خود را به او ایثار کردند و شکم خالی به سر بردند و در شب سوم اسیری آمد و همگی ایثار کرده و گرسنه به سر بردند. این جا بود که قول خداوند نازل شد آنها به نذر خود وفا میکنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است می ترسند و غذای [خود] را با اینکه به آن علاقه و نیاز دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند و می گویند ما شما را به خاطر خدا اطعام میکنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم!».»

4 - نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از حضرت زهرا علیها السلام

توفیق ابو علم میگوید:

«کریمه الرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، و اصغر بناته واحبهنّ الیه. وقد انقطع نسل الرسول الا من فاطمة، وبذلك يكون الله قد آثرها بالنعمة الكبرى، فحصر فی ولدها ذریة الرسول و حفظ بها اشرف سلالة عرفتها العرب منذ كانت فهی وحدها الوعاء الطاهر للسلالة الطاهرة و المنبت الطیب لدوحة الأشرف من آل البيت، بل هی اطهر امّ عرفتها الأجيال...»؛ (1)

«کریمه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کوچکتین دخترانش و محبوب ترین آنها به سوی او. نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جز از فاطمه منقطع شد و به این عنایت خداوند او را به نعمت بزرگی ایثار نمود و در اولاد او ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را منحصر و اشرف

ص: 21

سلاله ای را که عرب از ابتدا شناخته بود را به واسطه او حفظ نمود. فاطمه به تنهایی آن ظرف پاک برای سلاله پاک و محل رویش بوی خوش برای رشد اشراف از آل بیت بود بلکه آن حضرت پاکترین مادری بود که دورانها آن را شناخته است...».

ص: 22

فاطمه زهرا عليها السلام آن قدر دارای عظمت و جلالت است که همه بر آن اتفاق نظر دارند اینک به نمونه های از اعترافات اهل سنت و مسیحیان اشاره می کنیم؛

1 - فاطمه زهرا عليها السلام در یکتا

احمد خلیل جمعه از نویسندگان اهل سنت سوریه درباره حضرت زهرا عليها السلام می نویسد:

« لو قَدَّرَ في يوم من الأيام ان تصاغ الكلمات من عبير الزهر و رحيق الورد و تكتب بها سير النبلاء و حياة الفضلاء ، لكانت سيدتنا الزهراء احق الناس في هذا ، كيما تكون سيرتها ندية شديّة عطرة؛ كتابة و قراءه و سماعاً و حفظاً. فالزهراء رضوان الله عليها جوهرة فريدة بين النساء ، اختصت بمكارم حسانٍ لم ترق اليها امرأة قطّ في عصر من العصور، فهي البضعة النبوية الطاهرة، و أم الفضائل الكريمة الباهرة، ابنة الرسول الكريم، وابنة احبّ ازواجه اليه ، و هي زوج اقرب اصحابه صلى الله عليه و آله و سلم منه قد اختصت بالذرية الطاهرة من اولاده صلى الله عليه و آله و سلم ... » ، (1)

ص: 23

1- نساء اهل البيت في ضوء القرآن والحديث، احمد خلیل جمعه، ص 531 اليمامة للطباعة والنشر والتوزيع دمشق، بيروت

«اگر در روزی از روزها مقدر شود که کلماتی از بوی خوش و عطر گل ریخته شود و با آن سیره انسانهای با ارزش و زندگی افراد فاضل نوشته گردد سرور ما زهرا سزاوارترین افراد به این کار است تا این که سیره او تازه و نو و معطر، باشد از حیث نوشتن و قرائت و شنیدن و حفظ کردن.

پس زهرا رضوان الله علیها گوهر یکتایی است بین زنان که به مکارم نیک اختصاص یافته است، مکارمی که هیچ زنی در هیچ عصری به آن دست نیافته، چرا که او پاره پاک وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مادر فضایل کریم روشن است، او دختر رسول کریم صلی الله علیه و آله و سلم، دختر محبوبترین همسران نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و او همسر نزدیک ترین اصحاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که از بین اولادش به ذریه طاهره اختصاص پیدا کرده است.....

2 - عدم معرفت به حقیقت مقام فاطمه زهرا علیها السلام

سلیمان کتانی نویسنده مسیحی درباره حقیقت مقام حضرت زهرا علیها السلام و عجز انسان از درک آن می نویسد:

«... فالریشه التي في انملى ليس عليها ان تكون مختبراً يحلل نسبة الحديد و الكبريت في ساق زهرة، اكثر ممّا لها ان ترسم اللون فيها، و تهتز من فوح العبير.

انّ فاطمة الزهرا هي اجل من أن تشير اليها الأسانيد، واکرم من ان تدلّ عليها السرود، يكفينا أطاراً كونها ابنة محمّد، و زوجة على و ام الحسن و الحسين، و سيّدة نساء العالمين»؛ (1)

«... پس قلمی که در دست من است بیش از آن که در پی تحلیل نسبت به آهن و گوگرد موجود در ساقه گل باشد میباید در مقام آن باشد که از رنگ زیبا و بوی دلایز آن گل نقشی بیافریند. بی تردید فاطمه زهرا مقامی والاتر از آن دارد که

ص: 24

سندهای تاریخی به سوی او اشاره کنند و گرامی تر از آن است که شرح حال گونه ها به جانب وی راهنما باشند فاطمه را همین چارچوب کافی است که وی دخت محمد و همسر علی و مادر حسن و حسین و بزرگ بانوی همه جهان ها است».

3- قصور از درک مقام فاطمه زهرا علیها السلام

زینب حکیم شحاده از نویسندگان سنی سوری در مقدمه کتابش به نام «فاطمة

الزهراء نبراس الرسالة الالامية» درباره حضرت زهرا علیها السلام می نویسد:

«أنتی اتهیب الدخول فی حیاتک یا سیدتی ، و انت التي قال فیها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الذي لا ينطق عن الهوى ولا يتأثر بنسب او سبب : (فاطمة بضعة منی من آذاها فقد آذانی و من احبها فقد احبني، فاطمة سيدة

نساء العالمين).

أنتی لقلمی ان یصوّر حیاتک التي عشتها في مكة تشهدين الحرب المقدسة بين بين الشرك والایمان ، و تصلین نارها منذ طفولتك الباكرة ، وترين بعینیک موت امّك الحنون ، ثم هجرة ابيک الی یثرب. و أنتی لی ان اجتاز عقبة دارک فی المدينة لأصور حیاتک مع زوجک واطفالك.

ليس لی شفیع علی جرأتی فی ان اکتب عنک سوی حتی لکم آل بیت الرسول الکرام الذي ملأت قلبی به آیات الله البينات التي تشهد لکم بالطهارة وعلو المقام. ففیکم نزلت آية التطهير، والمباهلة، والمسودة و سورة الدهر، وكثير من غيرها من آیات الذكر الحکیم، خص رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم معانيها فيکم. وما كان هذا المأثور عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الا ترديداً لصدى الوحي وصياغة لمضمون القرآن. قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : (ترکت فيکم ما ان تمسکتتم به لن تضلوا ابداً ؛ کتاب الله و عترتی

اهل بیتی).

ص: 25

و رحم الله الامام الشافعی اذ قال :

يا آل بيت رسول الله حبّکم *** فرض من الله في القرآن انزله

كفاكم من عظیم الفضل انکم *** من لا یصلی علیکم لا صلاة له

وها انا اليوم كلّما هممت السير في دنياك الرحبة اشعر بسمو الرفعة امام هذا التراث المجيد الموجه. لقد آثرک الله يا سيّدتى بالنعمة الكبرى، فحصر فيک ذرية ابيک المصطفى ، و حفظ بها اشرف سلالة عرفها البشر. و التاريخ الاسلامي يذكر ذلك الحبّ الكبير الذي غمرک به و بنبيک ...»، (1)

«همانا من از وارد شدن در زندگی تو ای سرور من خوف دارم؛ زیرا تو کسی هستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که از روی هوای نفس سخن نمیگوید و به سبب یا نسب متأثر نمیگردد درباره ات فرمود: فاطمه پاره ای از من است ، هر کس او را آزار دهد به طور حتم مرا آزرده و هر کس او را دوست دارد به طور حتم مرا دوست داشته است فاطمه سرور زنان عالمیان است چگونه قلمم می تواند زندگی تو را به تصویر کشد زندگی تو در مکه که شاهد جنگ مقدس بین شرک و ایمان بود و وارد آتش آن از هنگام طفولیت و نوجوانیت شدی و به چشمت مرگ مادر مهربانت را مشاهده کردی ، و سپس هجرت پدرت به یثرب را درک کردی و چگونه میتوانم از کنار درب خانه ات در مدینه بگذرم تا زندگانی تو با همسر و اطفال را به تصویر کشم برایم شفیعی نیست بر جرأت در اینکه درباره تو بنویسم جز محبتم نسبت به شما اهل بیت رسول کرام که قلم از آن پر شده است آیات روشن خداوند که بر شما به طهارت و بلندی مقام گواهی می دهد. پس در شأن شما نازل شده آیه تطهیر و مباحله و دهر و بسیاری از دیگر آیات ذکر حکیم، که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معنای آن ها را بر شما اختصاص داده است و نیست آنچه که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیده جز ادای وحی و ریختن قالب برای مضمون آیات قرآن. رسول خدا الله صلی الله علیه و آله و سلم

ص: 26

1- فاطمة الزهراء ، نبراس الرسالة الاسلامیة زینب حکیم شحاده ، ص 9 و 10، چاپ دمشق.

فرمود: (در بین شما چیزی را گذارم که اگر به آن تمسک کنید هرگز گمراه

نخواهید شد کتاب خدا و عترت اهل بیتم).

و خدا رحمت کند امام شافعی را آنجا که گفت

ای آل بیت رسول خدا محبت شما از جانب خداوند فرض شده و آن را نازل

کرده است.

بس است شما را از فضیلت بزرگ این که هر کس بر شما درود نفرستد نمازش

باطل است

و هان من امروز هر زمان که قصد کردم تا در دنیای واسع تو سیر کنم پی به

بلندی مرتبه ات در برابر این میراث با عظمت در برابر خود میبرم ای سرور من هر آینه خداوند تو را به نعمتی بزرگ اختصاص داده و ذریه

پدرت مصطفی را در تو محصور نموده و به آن، ذریه شریفترین سلاله ای که بشر شناخته را حفظ کرده است و تاریخ اسلامی آن محبت

عظیمی که تو و فرزندان را در آن فرو برده را یاد می کند».

4 - عدم امکان درک حقیقت فاطمه زهرا علیها السلام

عباس محمود عقاد می نویسد:

«فی کل دین صورة الأنوثة الكاملة المقدسة يتخشع بتقدیسها المؤمنون كأنما هي آية الله فيما خلق من ذكر واثني؛ فاذا تقدست في

المسيحية صورة مريم العذراء ففي الاسلام لا جرم تتقدّس صورة فاطمة البتول»؛ (1)

«در هر دینی نمونه زن کامل و مقدسی وجود دارد که با تقدیس او مؤمنان خاشع می شوند، گویا او نشانه خدا در میان مرد و زن از

مخلوقات است و اگر

در مسیحیت صورت مريم عذراء تقدیس میشود لاجرم در اسلام صورت فاطمه بتول تقدیس می گردد».

ص: 27

« اللهم امنن على في هذا الكتاب باحب ما تحب ان يكتب عنها عليه السلام ، واحب ما يحب رسولك صلى الله عليه وآله وسلم ان يكتب عن ابنته احب الناس اليه واحب ما يحب على عليه السلام ان يكتب عن الزهراء ، واحب ما يحب الريحانان ان يكتب عن امهما عليهم السلام ، واحب ما تحب الزهراء ان يكتب عنها عليها السلام . اللهم انى استأذنك فأذن لي ظلمت نفسي فاغفر لي و سددي .

اقول لو رُكبت عقول الخلق اجمعين في عقل واحد فكانت عقلى ما استطعت ان اكتب عن الزهراء ، ولكن احاول اشارة لا عبارة لماذا ؟ الجواب : أنها اشبه الناس بابيها مشيتها حديثها ، بلاغتها التفاتتها . هيبتها . فما معنى هذا ؟ ! معناه قضية كبرى ، ان موجتها هي موجة ابيها . من ابوها ؟ ! هل تعرفه ؟ هل سمعت عنه ؟ ! و من في الارض ، أو في السماء ، لا يعرفه ؟ ! انه محمد ؟ ! من محمد ؟ ! يا دمع تكلم !! خاتم ، سيد المرسلين افضل الخلق اجمعين ارقى كائن كان او يكون ذلكم ابوها و من موجة كانت ، فكيف كانت ؟ ! اجاب ابوها فاطمة بضعة منى ، فهل فهمت الإشارة ؟ ! فاطمة موجة منى ، فلما تخلقت و خرجت الى الدنيا جاءت صورتها على صورة ابيها ، و أشبهته في كل شيء ، هل فهمت ؟ ! ما لك لا تفهم ؟ ! و من هنا كانت احب الناس اليه ؛ لأن موجها من وجه نورها من نوره و من هنا كذلك كان (من آذاها فقد آذاني) ؛ لأن فاطمة مرآة أبيها ، لان موجها من وجه (ان الله ليرضى لرضاك ويغضب لغضبك) ؛ لأنها بضعة منه ، موجة من موجة...»؛

(1)

«بارالها ابر من در اين كتاب منت گذار تا بهترين چیزی را كه دوست دارى

ص: 28

درباره فاطمه علیها السلام بنویسم و بهترین چیزی که رسالت صلی الله علیه و آله و سلم دوست دارد درباره دختر محبوبترین افراد نزد او نوشته شود و نیز بهترین چیزی را که علی علیه السلام دوست دارد درباره زهرا نوشته شود و بهترین چیزی که دو دسته گل آنها [حسن و حسین] دوست دارند درباره مادرشان علیهم السلام نوشته شود و بهترین چیزی را که زهرا علیها السلام دوست دارد درباره او بنویسم را به رشته تحریر درآورم. بارالها! از تو اذن می خواهم پس به من اذن بده من به خود ظلم کرده ام، پس مرا بیامرزد و تأییدم کن.

میگویم اگر عقول خلائق همه در یک عقل جمع شوند و عقل من گردد نمی توانم درباره زهرا بنویسم ولی میخواهم اشاره ای کنم نه آن که عبارت، بیاورم، چرا؟ جواب این است که او شبیه ترین مردم به پدرش در راه رفتن حدیث، کردن بلاغت التفات نمودن و هیئت و شکل بود معنای این مطلب چیست؟! معنایش قضیه بزرگی است این که موج او همان موج پدرش بود. پدرش چه کسی بود؟! آری پدرش؟ آیا تو او را می شناسی؟! آیا از او چیزی شنیده ای؟! هر آن کس که در زمین و آسمان است او را نمی شناسد، آری او محمد است محمد کیست؟ ای اشک سخن بگو او خاتم پیامبران سرور فرستاده شدگان برتر تمام خلائق و بلندترین کسی که بوده یا خواهد بود او پدر فاطمه است و از او موجی که بود چگونه بود؟ پدرش پاسخ داد: (فاطمه پاره ای از من است). آیا این اشاره را فهمیده ای؟ فاطمه موجی از من است و چون فاطمه خلق شد و به دنیا آمد صورتش همانند صورت پدرش و در هر چیزی شبیه او بود آیا فهمیدی؟ چرا نمی خواهی بفهمی. آری از این جاست که او محبوب ترین مردم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود؛ زیرا موجش از موج او، نورش از نور او بود و از این جاست که چنین بود که (اگر کسی او را آزار می داد رسول خدا را آزرده بود)؛ زیرا فاطمه آئینه پدرش به حساب می آمد چون موجش از موج بود (همانا خداوند به رضای تو راضی و در غضب تو غضبناک می شود) به خاطر این که پاره ای از او و موجی از موج او به حساب می آمد...».

استاد دکتر محمد سلیمان فرج از علمای اهل سنت درباره فاطمه زهرا علیها السلام می نویسد:

«... ان فضل السيدة فاطمة الزهراء - رضی الله تعالی عنها سيدة نساء العالمین، لا يستطيع احد ان يحيط به، لما لها من مكانة عظمی و مقام کریم فهي بضعة من رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم ، لما رواه البخاری انه صلى الله عليه و آله و سلم قال : (فاطمة) بضعة منی يغضبني من اغضبها. وفي رواية: (فمن اغضبها اغضبني). و لذلك فهي افضل نساء العالمین على الإطلاق من بدء الدنيا الى قيام الساعة ؛ لأنها جزء من رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم ، افضل الخلق طراً باجماع الأمة. وقد اخبر - صلوات الله وسلامه عليه - انها سيدة نساء اهل الجنة ، لما جاء في صحيح البخاری ان النبي صلى الله عليه و آله و سلم قال : (فاطمة سيدة نساء أهل الجنة) ... » ؛ (1)

«... همانا به فضیلت فاطمه زهرا - رضی الله تعالی عنها - سرور زنان عالمیان کسی نمیتواند احاطه پیدا کند چرا که او دارای منزلت عظیم و مقام کریمی است و او پاره ای از رسول خداست به جهت آنچه بخاری روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (فاطمه پاره ای از من است مرا به غضب در میآورد کسی که او را به غضب درآورد). و در روایت دیگری آمده هر که او را به خشم درآورد مرا به خشم در آورده است و لذا او برتر زنان عالمیان به طور مطلق از شروع دنیا تا روز قیامت است؛ چرا که او جزئی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، برتر تمام خلق به اجماع امت میباشد و پیامبر که درود و سلام خدا بر او باد خبر داده که فاطمه سرور زنان اهل بهشت است؛ به جهت آنچه که در صحیح بخاری آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (فاطمه سرور زنان اهل بهشت است)....».

ص: 30

1- الأضواء في مناقب الزهراء رضی الله تعالی عنها ، سيد احمد سايح حسيني، مقدمة، ص 9.

او نیز درباره حضرت زهرا علیها السلام می نویسد :

«... ای سماء تظّلنی، وای ارض تقلّنی ان لم اکتب عنها، ما هی اهله؟! فکیف وانا لا استطیع بل مستحیل ان استطیع ان اکتب عن بنت رسول الله ما ینبغی ان یکتب عنها علیها السلام؟! وکیف استطیع ان اکتب عن التی ابوها النبی و زوجها علی وهی ام الحسنین، اجتمع لها من الشرف ما لم ولن یجتمع لأحد من النساء او کیف استطیع ان اقترب من قدسها، تلك التی كانت احب شیئی الی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟!»

سیده نساء العالمین، سیده نساء اهل الجنة فاطمة بضعة منی اشبه الناس برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، التی كانت اذا دخلت علیه صلی الله علیه و آله و سلم قام الیها فقبلها و اجلسها فی مجلسه!!

قم، توضأ قبل أن تقرأ عنها، وأستغفر لی ولك فانك بالواد المقدس طوی «؛(1)

«... کدامین آسمان بر سرم سایه می افکند و کدامین زمین مرا در بر می گیرد اگر از فاطمه چیزی ننویسم و مستحق چه چیزی هستم؟ پس چگونه در حالی که من طاقت ندارم بلکه محال است که طاقت بیاورم تا از دختر رسول خدا آنچه را که سزاوار اوست بنویسم چگونه تاب و توان دارم تا از کسی بنویسم که پدرش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و همسرش علی و مادر حسنین است برای او کمالاتی جمع شده که برای احدی از زنان جمع نشده و نخواهد شد یا چگونه توان پیدا کنم تا به مقام قدس او نزدیک شوم، شخصیتی که محبوبترین افراد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود؟!»

سرور زنان، عالم سرور زنان اهل بهشت فاطمه پاره تن رسول خدا شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کسی که هر گاه فاطمه بر او وارد می شد حضرت به سوی او حرکت کرده و دستانش را میبوسید و او را در جای خود می نشاند.

ص: 31

برخیز و پیش از آن که بخواهی درباره او چیزی را بخوانی وضو بساز من برای خود و شما از خداوند طلب مغفرت میکنم؛ زیرا تو در وادی مقدس گام برداشته ای».

ص: 32

پیامبر اکرم آن قدر لطف و عنايات به دخترش فاطمه زهرا داشته است که همه به آن اعتراف کرده. اند اینک به نمونه هایی از این اعتراف ها اشاره می کنیم ؛

1 - فاطمه زهرا علیها السلام تربیت یافته پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

دکتر محمّد بیومی مهران استاد دانشکده آداب دانشگاه اسکندریه مصر درباره

حضرت زهرا علیها السلام می نویسد

«قد ولدت الزهراء في بيت النبوة والرسالة، ومهبط الوحي والتنزيل، وهكذا تأدبت الزهراء بأدب ابيها النبي الذي ادبه ربه فاحسن تأديبه و من ثم فقد كانت سيدتنا فاطمة الزهراء المثل الأعلى من الخلق الكريم، والطبع السليم. وقد عنى بها سيدنا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عناية تامة، فكان يثقها ثقافة اسلامية يروضها على الهدى النبوي والصراط المستقيم. و من ثم نشأت الزهراء نشأة كانت المثل الأعلى من الكمال والجلال، فهي أتما تمثل اشرف ما في المرأة من انسانية وكرامة وعفة و قداسة ورعاية الى ما كانت عليه من ذكاء وقاد، و فطنة حادة، و علم واسع، وكفاها فخراً أنّها تربّت في مدرسة النبوة و تخرجت

في معهد الرسالة، وتلقت عن ابيها الرسول الأمين صلى الله عليه وآله وسلم ما تلقاه عن رب العالمين...» (1)؛

«زهرا در خانواده نبوت و رسالت و محل نزول وحی و قرآن تولد یافت، و این گونه زهرا به ادب پدرش پیامبر ادب یافت پیامبری که پروردگارش او را به بهترین نحو تأدیب نمود و از همین جهت است که سرور ما فاطمه زهرا بهترین نمونه از اخلاق کریم و طبع سالم بود و سرور ما رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او عنایتی تام داشت و او را تعلیماتی اسلامی داده و بر هدایت نبوی و راه مستقیم تربیت می کرد و از این جهت است که زهرا چنان ساخته شد که ضرب المثل عالی از کمال و جلال گشت پس او نمایانگر شریفترین چیزی است از انسانیت و کرامت و عفت و قداست و رعایت در زن با صفات دیگری که در او از ذکاوت پر جوشش و زیرکی تیز و علم گسترده وجود داشت و کافی است فاطمه زهرا را از جهت افتخار این که او در مدرسه نبوت تربیت یافته و در مدرسه رسالت فارغ التحصیل شده و از پدرش رسول امین فراگرفت آنچه را که او از پروردگار عالمیان فرا گرفته بود....»

توفیق ابو علم میگوید:

«نشأت فی بیت النبوة والرسالة، فتأدبت بآداب ابيها، فكانت المثل الأعلى في الخلق الكريم والطبع السليم. وقد عنى بها الرسول عناية تامة، وكان يتقنها ثقافة دينية، ويروضها على الهدى النبوي والصراط المستقيم...»

و كانت فاطمة رضی الله عنها - في نشأتها مضرب المثل في الكمال و الجلال ، فهي رضی الله عنها تمثل اشرف ما فی المرأة من انسانية و صيانة و كرامة و قداسة و رعاية و عناية ، الى ما كانت عليه ذكاء من و فطنة حادة، و علم واسع و كفاهها فخراً أنّها تربّت في مدرسة

ص: 34

النبوة، وتخرجت في معهد الرسالة، وتلقت عن ابيها الرسول الامين صلى الله عليه وآله وسلم ما تلقاه عن رب العالمين...» (1).

«فاطمه در خانه نبوت و رسالت رشد کرد و مؤدب به آداب پدرش شد و او مثال اعلى در اخلاق كريم و طبع سليم بود. پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم به او عنایتی تام داشت و او را همیشه تعلیم دینی و بر هدایت نبوی و راه مستقیم تمرین می داد...»

او - رضی الله عنها - در زندگی اش ضرب المثل در کمال و جلال بود. او - رضی الله عنها - نمایانگر شریفترین چیزی بود در زن از انسانیت و صیانت و کرامت و قداست و رعایت و عنایت همراه خصوصیات دیگری از ذکاوت تیز و زیرکی تند و علم واسعی که داشت. او را بس است از افتخار این که در مدرسه نبوت تربیت یافت و از مرکز رسالت بیرون آمد و از پدرش پیامبر امین صلى الله عليه وآله وسلم چیزهایی را تلقی کرد که او را از پروردگار عالمیان تلقی نموده است.

محمود مهدی استانبولی و مصطفی ابونصر شبلی مشترکاً درباره حضرت زهرا علیها السلام می نویسند :

«و ترعرعت فاطمة في بيت نبوي، رحيم يكلوها بالرعاية والسهر على تربيتها لتأخذ قسطاً وافراً من الأدب والحنان والتوجيه النبوي الرشيد... وبذلك نشأت على العفة الكاملة وعزة النفس، وحب الخير وحسن الخلق، متخذة اباه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم المثل الأعلى لها، والقدوة الحسنة في بدأ جميع تصرفاتها. وما كادت الزهراء تبلغ الخامسة من عمرها حتى التحول الكبير في حياة ابيها بنزول الوحي عليه واحست من الوهلة الأولى بأعباء الدعوة وشاهدت والدتها تقف الى جنب ابيها و تشاركه في كل ما يواجهه من احداث عظام و خطوب جسام»؛ (2)

«فاطمه در خانه پیامبری مهربان رشد نمود و در این بیت مورد توجه قرار

ص: 35

1- همان، ص 63 و 64

2- نساء حول الرسول صلى الله عليه وآله وسلم، ص 144

گرفت و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای او بیداری ها کشید تا بهره‌ افری از ادب و مهربانی و توجیه بلند آن حضرت داشته باشد... و از این طریق عفت کامل و عزت نفس و محبت به خوبی ها و حسن خلق پیدا کرد و با نمونه قرار دادن پدرش از او بهره ها برد و او را الگوی خود در تمام کارهایش قرار داد. هنوز عمر زهرا به پنج سالگی نرسیده بود که تحول بزرگی در زندگی پدرش با نزول وحی بر او پدید آمد و او از همان ابتدا سختیهای دعوت را احساس نمود و مشاهده کرد که چگونه مادرش در کنار پدرش قرار گرفته و با او در تمام حوادث بزرگ و اتفاقات سهمگین تشریک مساعی می کند».

سلیمان کتانی نویسنده مسیحی درباره حضرت زهرا علیها السلام می نویسد:

«و غرقت فاطمة فی حوض ابیها بین ذراعیه و تحت عینی، یشمها کائها السوسنة، یضمها کائها الشوق، یعانقها کانها الحنین، یشمها کانها البراءة. لقد تقردت فاطمة بالحب العظیم ای شیء فیها کان الموحی؟ أهی الطفولة فی براءتها ام هی النجاة المتوسمة؟

و کبرت فاطمة و تجلت معها براءة الطفولة، و نما معها الحس المرهف، و توسعت حدقاتها. لقد اصبحت تنظر الی ابیها فتراه افقاً وراء افق، خطأ خلف خط، غاراً فوق غور، حباً خلفه حباً خلفه مدی عطفاً دونه عمق فکراً، خلفه بصیرة، حکمة وراءها قصد جسماً طیه روح، واصبح حبها لأبیها حباً فیهِ من الإجلال بقدر ما فیهِ من التفانی، و انطوى عطف منه علیها علی عطف منها علیه، فاصبح العطفان من معدن واحد...»؛ (1)

«و فاطمه در آغوش پدر و در میان بازوان او در سایه چشمان وی غرق بود. پدر او را همانند گل سوسن میبویید مانند شوق در خون جای می داد چون آرزو در آغوش می فشرد و بسان پاکدامنی و عفت میبوسید. تنها فاطمه بود که از این محبت عظیم برخوردار شد و این دوستی بزرگ خاص

ص: 36

و ویژه وی گردید چه چیز در کیان فاطمه الهام بخش و سازنده این محبت شد؟ آیا پاکدامنی دوران کودکی فاطمه یا بزرگی و نیک گوهری جالب فاطمه؟ فاطمه بزرگ شد و پاکدامنی سنین کودکی هم همگان با وی به درخشندگی خود ادامه داد نازک خیالی و احساس دقیق با وی رشد نمود و مرکز دید وی وسیع تر و چشمانش بازتر شد به سوی پدر مینگریست و او را همچون افقی در پس افق و خطی به دنبال و غاری بالای دامنه و محبتی دارای عمق و عاطفه ای پررُفا میدید او را به گونه فکری که در نهایت آن بینایی و بصیرت باشد و حکمتی که در پس آن اراده و قصد جای دارد و جسمی که در کمون آن روح و روان قرار گرفته است مشاهده می کرد. محبت زهرا نسبت به پدر به صورت محبتی درآمد که در آن به همان اندازه که فداکاری در راه پدر وجود داشت جلال و بزرگی نیز یافت میشد و عاطفه پیامبر نسبت به زهرا به اندازه ای بود که فاطمه به او عاطفه داشت آن جا که هر دو عاطفه ای که در خود جای داده بودند معدن شده و به گونه ای واحد در آمدند...».

2 - محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت زهرا علیها السلام

شمس الدین محمد ذهبی در کتاب «سیر اعلام النبلاء» درباره حضرت زهرا علیها السلام می نویسد

وقد كان النبي صلى الله عليه وآله وسلم يحبها ويكرمها ويسر إليها، و مناقبها غزيرة. وكانت صابرة، دينة، خيرة، صينة، قانعة، شاکرة الله « (1) ؛

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را دوست می داشت و اکرامش می نمود و اسرار را بر او میگفت. و مناقبش بسیار است. او زنی صبور دین دار اهل خیر خود نگهدار، قانع، و شکرگزار خدا بود».

النبوی جبر سراج از نویسندگان اهل سنت درباره حضرت علیها السلام می نویسد:

« أنّها صاحبة المنزلة العالية في قلب ابیها المصطفى صلی الله علیه و آله و سلم، كان یخصها

ص: 37

بمحبته و یصفیها مودته و هی نور عینیه ، و ثمرة فؤاده...

و لقد كانت الزهراء رضی الله عنها الى جانب انسانيتها تحمل كل صفات الملائكة وسمات الحور العین، فكانت انسانة حوراء...»؛ (1)

(فاطمه - علیها السلام - صاحب منزلت بلند در قلب پدرش مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم بود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را به محبت خود اختصاص داده و او را به مودتش توصیف می کرد و او نور چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و میوه دلش بود...

به طور قطع زهرا رضی الله عنها - در جانب انسانیت خود متحمل تمام صفات ملائکه و نشانه های حور العین بود و لذا در عین انسانیت ، حور العین بود...».

توفیق ابو علم میگوید:

«خصت السيدة الزهراء من ابیها صلی الله علیه و آله و سلم باحادیث تدل علی ان الرسول صلی الله علیه و آله و سلم کان یختصها بمحبته ، ویصفیها مودته ، و ان لها موضعاً من نفسه و مکاناً من قلبه و لعلّ الرسول صلی الله علیه و آله و سلم لو خیرای بناته تكون وعاءاً لنسله الطهور لاختر ما اختاره الله لقد كانت خیر بنت لأبیها ، كما كانت خیر زوجة لزوجها ، و خیر ام لاولادها»؛ (2)

«خانم زهرا از ناحیه پدرش به احادیثی اختصاص یافت که دلالت می کند بر این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را به طور مخصوص دوست داشته و آن را برای او توصیف می کرده است و همانا او جایگاهی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جایبی در قلب او داشته . است و گویا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اگر هر کدام از دخترانش را برای نسل پاکش اختیار می کرد چیزی را اختیار کرده بود که خدا می خواست، و فاطمه بهترین دختر پدرش بود همانگونه که بهترین همسر برای شوهرش و بهترین مادر اولادش به حساب می آمد».

ص: 38

1- ریحانة النبی صلی الله علیه و آله و سلم السيدة فاطمة الزهراء ، النبوی جبر سراج، ص 8-12.

2- همان، ص 82

3 - فاطمه زهرا عليها السلام محبوب ترين مردم به رسول خدا صلى الله عليه وسلم

علامه عبدالرؤف مناوی در این باره می نویسد:

«و كانت فاطمة احبّ، اولاده و اخطاهنّ عنده، بل احبّ الناس اليه مطلقاً. روى الترمذى عن بريدة وعائشة قالت: (ما رأيت احداً أشبه سمتاً ولا ولا هدياً برسول الله من فاطمة في قيامها وقعودها، وكانت اذا دخلت عليه قام اليها فقبلها و اجلسها في مجلسه)...» (1)

«فاطمه محبوب ترين اولاد پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم و پر بهرترین افراد از آن حضرت، بلکه محبوب ترين مردم نزد آن حضرت به طور مطلق بود ترمذی از بریده و عایشه نقل کرده اند که گفته اند: ما کسی را در هیئت و هدایت نزدیک تر به رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم از فاطمه در قیام و قعودش ندیدیم و چون فاطمه بر پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم وارد می شد حضرت به طرف او حرکت کرده و او را می بوسید و در جایش می نشانید...».

4 - فاطمه عليها السلام شبیه ترين مردم به رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم

محمود شلبی می گوید:

«حين ولدت فاطمة عليها السلام جاءت صورة مصغرة من ابيها صلى الله عليه وآله وسلم، والى هذا الاشارة من قوله الله صلى الله عليه وآله وسلم: (فاطمة بضعة مني) ورثت عن ابيها صورته و ورثت عن ابيها صفاته، فاجتمع لها الجمال من طرفيه، وهذا اقصى مراتب الجمال، وهذا هو سرّ حبّ ابيها لها؛ لأنّ الانبياء اذا احبوا احبوا الله و اذا ابغضوا، ابغضوا الله.

سئلت عائشة - رض - اى الناس احبّ الى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم؟ قالت فاطمة. قيل: من الرجال؟ قالت زوجها ان كان - ما علمت - صواماً قواماً.

ص: 39

1- اتحاف السائل، ص 26، صحيح ترمذی، باب مناقب فاطمه عليها السلام

ففاطمة احبّ الناس الى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. لماذا هذا؟ الجواب على المستوى اللائق بالأنبياء، فكيف وهو سيّد الأنبياء؟! الجواب: لانها اشبه الناس به ظاهراً وباطناً، اى اقرب الناس الى صفاته العليا، ليست مثله سواء بسواء، لانه لا مثل له قط، ولكن اقرب الناس الى صفاته. هذا هو سرّ حبه الشديد لها؛ لانّ الأنبياء يحبّون ما هو اعلى فكلمّا كان المرء اعلى كان احب اليهم، وكلمّا كان اسفل كان ابغض اليهم. هذا هو ناموس حبّ الأنبياء، وهو نفس الناموس الذى اراد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ان يرفع مستوى حبّنا اليه فكان توجيه لنا: (وان يحب المرء لا يحبه الا لله، وان يكره المرء لا يكرهه الا الله)، او كما قال: وهذا هو الناموس الذى احبّ على اساسه احد الأنبياء اسمه يعقوب احد نبيه، اكثر من اخوته واسمه يوسف عليهما السلام: «لِيُؤَسِّفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيَّ أَيْبِنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ». فى منطقتهم: لماذا يحبّ هذا اليوسف أكثر منا جميعاً، و ما هو الا مثلنا يأكل ممّا نأكل منه ويشرب ممّا نشرب؟! نشرب؟!

جهلوا السرّ، والسرّ ان صفات يوسف اعلى من صفاتهم التي هي ادنى. صفات يوسف صفات نبيّ فهى اعلى واعلى، ولا يفهم النبيّ الا نبيّ مثله. ففهمها يعقوب واحبّ يوسف لهذا وجهلها هؤلاء. وقد اثبتت الحوادث بعد ذلك وعلى مدى أربعين سنة ما هي يوسف؟ كلّ تصرفات يوسف كانت من الأفق الأعلى، وكلّ تصرفاتهم كانت من الأفق الأدنى، ونطقوا بها (تالله لقد آثرك الله علينا)، آثره بالنبوة، لما علم منه صفات عليا «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ». هذه مقاييس حبّ الأنبياء.

فحبّ النبيّ الأعظم صلى الله عليه وآله وسلم لابنته الصغرى فاطمة مصدره ان صفاتها اعلى الأعظم فكانت احب اليه. وسوف تثبت المواقف والمشاهد من حياتها أنّها كانت كذلك.

قال علي يا رسول الله! ايما احب اليك : انا ام فاطمة؟ قال : فاطمة احب الي منك ، وانت اعز علي منها.

حكم مُحكم نطق به من لا ينطق عن الهوى وياك اياك ان يسؤل لك وهمك ان النبي صلى الله عليه وآله وسلم يجيب متأثراً بعاطفة الأبوة نحو بنته ، كلا ثم كلا ، ان الانبياء لا هوى لهم ، وانما هو يقرر حقيقة مجردة (فاطمة احب الي منك) لان صفاتها اعلى صفات فهي اقرب الصفات الي صفاتي، كما احب يعقوب يوسف لان صفاته اعلى احب محمد فاطمة لان صفاتها اعلى. ان حب الانبياء منزّه عن العواطف الدنيا وعن الهوى.

فليعلم الذين لا يفقهون حين يحاولون تبرير حب النبي لابنته فاطمة تبريراً عقلياً ويقولون : ان هذا بحكم عاطفة الأبوة نحو الابنة الاصغر . و حاشاهم سادتي انبياء الله عمّا يظنون بهم و عمّا يتوهمون...» (1)

هنگامی که فاطمه متولد شد صورت کوچکی از پدرش آمد و به این مطلب اشاره دارد قول پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم: (فاطمه جزئی از من است). او از پدرش صورت و صفاتش را به ارث برد و لذا از دو طرف زیبایی را در خود جمع نمود و این اوج مراتب جمال است و این همان سر محبت پدرش به اوست؛ زیرا انبیا چون دوست دارند به خاطر خدا دوست دارند و چون دشمن دارند به خاطر خدا دشمن می دارند.

از عایشه - رض - سؤال شد چه کسی به رسول خدا له محبوب تر است؟ گفت فاطمه گفته شد از مردان؟ گفت همسرش او آن گونه که دانستم روزها را روزه می گرفت و شب ها را زنده داری میکرد پس فاطمه محبوب ترین مردم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود. چرا چنین باشد؟ پاسخ بر طبق شأن لایق به ،انبیا، پس چگونه در حالی که او سرور انبیا است؟ پاسخ: زیرا او شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در ظاهر و باطن بود، یعنی نزدیک ترین مردم به صفات علیایش و هیچ کس در این مقام مثل او نبود، آری او نزدیک ترین

ص: 41

مردم به صفاتش به حساب می‌آمد و این سر محبت شدید به فاطمه بود؛ زیرا انبیا بهترینها را دوست دارند و لذا هر کس که بهتر است نزد آنان محبوب تر می باشد و هر کس که بدتر است نزد آنان مبعوض تر است.

و این ناموس محبت، انبیاست و این همان ناموسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اراده کرده که محبت ما نیز به آن مرحله برسد و توجیه او برای ما این است که: (انسان دوست بدارد ولی جز به خاطر خدا دوست ندارد و کراهت داشته باشد ولی جز به خاطر خدا کراهت نداشته باشد). یا آن گونه که گفته شد این همان ناموسی است که بر اساس آن یکی از انبیا به نام یعقوب یکی از فرزندان را از دیگر برادرانش بیشتر دوست می داشت که اسمش یوسف علیهما السلام بود (هر آینه یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما محبوب تر است، در حالی که ما جماعتی هستیم همانا پدر ما در گمراهی آشکاری است). در منطق آنان این سؤال مطرح بود که چرا پدرمان این یوسف را از همه افراد ما بیشتر دوست دارد؟! در حالی که جنه ای مثل ما دارد و همانند ما میخورد و می آشامد؟! آنان به سر قضیه جاهل بودند سر آن این بود که صفات یوسف از صفات آنان که پایین بود برتر بود صفات یوسف صفات پیامبر، بود لذا بالا و بالاتر بود و پیامبر را جز پیامبری مثل او نمی شناسد آن صفات را یعقوب شناخت و لذا یوسف را بدین جهت دوست می داشت ولی برادران یوسف بدان جاهل بودند. حوادث بعد از آن واقعه و در مدت چهل سال اثبات نمود که صفات یوسف چه بود؟ تمام تصرفات یوسف از افق بالاتری بود، در حالی که تمام تصرفات برادرانش از افق پایین بود. آنان گفتند: (به خدا سوگند تو را خداوند بر ما مقدم داشته است)، آری او را به نبوت برتری داده؛ زیرا صفات عالی او را می دانست (خدا داناتر است که کجا رسالتش را قرار دهد). این مقیاس های، انبیاء، است پس محبت پیامبر اعظم الله صلی الله علیه و آله و سلم به دختر کوچکش فاطمه جهش آن است که صفاتش اعلی، است، لذا محبوب ترین افراد نزد او بوده است. و در آینده مواقف و مشاهدی از حیات آن حضرت ثابت میکند که او این گونه بوده است. علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کدامین شخص نزد تو محبوب تر است؟ حضرت فرمود: فاطمه نزد من از تو محبوب تر است و تو نزد من از او

عزیزتری حکم محکمی است که بدان نطق کرده کسی که از روی هوای نفس سخن نمیگوید پرهیز پرهیز از این که خیانت بر تو ترسیم کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با تأثیر پذیری از عاطفه پدری نسبت به دخترش پاسخ می دهد، هرگز و هرگز همانا انبیا هیچ هوای نفسی ندارند آری او یک حقیقت خالصی را تقریر می کند (فاطمه محبوب ترین افراد نزد من است)؛ زیرا صفات او عالی ترین صفات است پس فاطمه نزدیک ترین افراد نزد من است و همانگونه که یعقوب یوسف را دوست داشت به جهت آن که صفاتش از همه برتر بود، محمد نیز فاطمه را دوست می داشت به جهت اینکه صفاتش از همه بالاتر بود همانا محبت انبیا از عواطف دنیایی و از هوای نفس منزیه است پس باید بدانند کسانی که نمی فهمند و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به دخترش را توجیه عقلانی میکنند و می گویند این به حکم عاطفه پدری نسبت به دختر کوچکش بوده!! و منزهانند انبیای بزرگ الهی از آنچه به آنان گمان می رود و خیال می شود...».

سید احمد سایح از علمای اهل سنت میگوید:

«كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يحب السيدة فاطمة الزهراء - رضی الله تعالی عنها - حباً شديداً لا يستطيع المرء ان يعبر عنه أو يصفه. فكانت - بحق - فؤاد المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم» (1)؛

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خانم فاطمه زهراء - رضی الله عنها - را زیاد دوست میداشت به حدی که انسان نمیتواند از آن تعبیر نموده یا توصیف نماید. و او - به حق - قلب مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم بود».

5 - فاطمه زهرا علیها السلام و جلب رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

احمد خلیل جمعه از علمای اهل سنت می گوید:

«إذا كان الحبيب المصطفى الله صلى الله عليه وآله وسلم امام الزاهدين، وسيد العالمين في كل

ص: 43

مكرمة ، فلا شك أنّ فاطمة الزهراء رضي الله عنها كانت تقتفى آثاره الكريمة ، وتحرص على مرضاته في جميع أمورها. وهل هناك شيء اعزّ من مرضاة الله ورسوله ؟ هل هناك شيء افضل من طاعة رسول الله ؟! اليس الله عز وجل يقول : « مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ » (1) . فلتحرص فاطمة الزهراء على مرضاة الله ورسوله كيما يفوز بالفوز العظيم... » . (2)

«اگر حبیب ما مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم امام زاهدان و سرور عالمین در هر صفت نیک است، پس بدون شک فاطمه زهرا رضی الله عنها آثار کریمه او را دنبال می نمود و در تمام امور بر خشنودی او حریص بود. و آیا در آنجا چیزی عزیزتر از رضایت خدا و رسولش می باشد؟ آیا در آنجا چیزی با فضیلت تر از طاعت خداست؟! آیا خداوند عزوجل فرمود: هر کس رسول را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است؟ در این صورت پس باید فاطمه زهرا بر خشنودی خداوند و رسولش حریص باشد تا به فوز عظیم نایل گردد...».

6 - فاطمه زهرا علیها السلام پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

ابونعیم اصفهانی مینویسد:

«و من ناسکات الأصفياء وصفیات الأتقیاء فاطمة السيدة البتول ، البضعة الشبيهة بالرسول ، كانت عن الدنيا ومتعتها عازفة، وبغوامض عيوب الدنيا وآفاتھا عارفة»؛ (3)

«از افراد برگزیده اهل عبادت و منتخبان ، پاک فاطمه علیها السلام است، کسی که برتر زن ها و از هر عیبی منقطع و پاره تن رسول خدا و شبیه به رسول است. کسی که از دنیا و متاع آن بریده و نسبت به عیوب دنیا و آفت های آن آشنا بود».

ص: 44

1- سورة نساء، آیه 80

2- نساء اهل البيت احمد خليل جمعه، ص 557

3- حلیة الاولیاء ، ج 2، ص 39.

عبدالبدیع صقر از علمای اهل سنت در کتاب «نساء فضلات» می نویسد:

«سیده نساء العالمین فی زمانها، البضعة النبویة، والجهة المصطفویة، بنت سید الخلق رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ابی القاسم محمد بن عبدالله... وقد كان النبی صلی الله علیه و آله و سلم یكرمها ویسر الیها و مناقبها كثيرة و غزيرة و كانت صابرة، دینة، خیرة، فائعة، شاکرة الله ...»، (1)

«سرور زنان عالمیان در زمان، خود پاره... وجود نبوی و جهت مصطفوی دخت سرور خلائق رسول خدا ابو القاسم محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم... پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همیشه او را تکریم کرده و اسراری را به او می آموخت و مناقبش بسیار فراوان است. او زنی، صبور، دین، دار اهل، خیر باقناعت و شکرگزار خداوند بود...».

شیخ عاطف صابر شاهین در این باره راجع به حضرت زهرا علیها السلام می نویسد:

«ها هی اجواء مكة قد تعطرت بشذا زهرة قرشیة جدیدة فاح اریجها من بیت محمد بن عبدالله و زوجته خدیجة بنت خویلد.

لقد رزق الزوجین بمولودة جدیدة غایة فی الوضاعة و الحسن، وها هو الأب یتلقفها من بین یدی القابلة و یتأمل ملامحها فتعلوا وجهه فرحة غامرة، فالمولودة تبدو و كأنها قطعة من ابیها ...»، (2)

«آری محیط مکه به بهترین دسته گل قرشی تازه معطر شد که بوی خوش آن از

خانه محمد بن عبدالله و همسرش خدیجه دختر خویلد به مشام می رسید.

این زن و شوهر از جانب خداوند متعال فرزندی جدید داده شد که در نهایت نورانیت و زیبایی بود و آن پدر قنداقه او را از دو دستان قابله گرفت و به محسنات او نظاره کرد و از شادی صورتش برافروخته شد، آن فرزند این گونه وانمود میشد که گویا قطعه ای از پدرش می باشد...».

ص: 45

1- نساء، فضلات عبدالبدیع صقر، ص 50 و 51، چاپ دار الاعتصام

2- رجال و نساء حول الرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، عاطف صابر شاهین، ص 300.

آلوسی در تفسیر آیه « وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا »، (1) می گوید:

«و ماذا عسى يقول امرء فيها [یعنی علیاً و فاطمة علیهما السلام] سوى ان علیاً مولی المؤمنین و وصی النبی الا الله و فاطمة البضعة الأحمدة و الجزء المحمدی، و اما الحسنان فالروح والريحان و سیدا شباب اهل الجنان. و لیس هذا من الرفض بل ما سواه عندی هو الغی انا عبد الحق لا- عبد الهوی - لعن الله الهوی فیمن لعن و من الطائف علی القول بنزولها فیهم انه سبحانه لم یذكر فیها الحور العین و انما صرح عزوجل بولدان مخلصین رعایة لحرمة البتول و قره عین الرسول صلی الله علیه و آله و سلم» (2)

«چه امید است که کسی درباره علی و فاطمه چیزی بگوید جز این که علی مولای مومنان و وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و فاطمه پاره تن احمد و جزء محمدی است و اما حسن و حسین علیهما السلام روح و ریحان و دو سرور جوانان اهل بهشت اند، و این رفض به حساب نمی آید، بلکه غیر از این نزد من گمراهی است. من بنده حق می باشم نه بنده هوای نفس خدا لعنت کند هوای نفس را در زمره کسانی که لعنت کرده است.

و از جمله لطایف بنا بر قول به نزول آیه درباره اهل بیت علیهم السلام اینکه خدای سبحان در آن آیات ذکری از حور العین نمیکنند و تنها به غلامان مخلص اشاره می نماید تا رعایت حرمت بتول و نور چشم رسول [فاطمه زهرا علیها السلام] را نموده باشد».

7 - تحمل زحمت بسیار در راه دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

دکتر سید جمیلی در این باره می نویسد

«تجشمت خدیجة مع محمد صلی الله علیه و آله و سلم صنوفاً من الایذاء، وهي تذب عنه و تحامی عن زوجها الذی کانت ملاذاً له و صدرأ حنوناً فی وقت عزّ فيه

ص: 46

1- سوره نساء، آیه 8

2- روح المعانی، ج 29، ص 158

بعاطفة الزوجية الحبيبة وقلب الأم المشفقة شملة بحدب و اشفاق ينفض عن جبينه اتراح و هموم العنت الذي يكابده و يعتوره من اجلاف المشركين ، الذين لم تأخذهم به رحمة ولا شفقة، وقد ضربت عليه قريش سياجاً منيعاً من الحصار والمقاطعة، مسجلة هذا القرار الصارم الظالم الجائر في صحيفة وعلقوها على جدار الكعبة او في جوفها.

و كانت خديجة و زوجها و بنوهاشم و بنو عبدالمطلب قد اخرجهم الكفار و المشركون من مكة واحصروهم و الجأؤهم الى اللواذ بشعب ابي طالب ، وظلوا على هذه الحال سنوات متدرعين بالصبر، شعارهم الايمان ، و دثارهم اليقين...» (1)

«خديجه به همراه محمد صلى الله عليه و آله و سلم به انواع گوناگونی از آزار و اذيت را تحمل کردند و خديجه از آن حضرت دفاع مينمود و از شوهرش حمايت ميکرد و پناه او بود و قلبی مهربان نسبت به او داشت در وقتی که ياوران و پيروان او اندک بودند. با عاطفه همسری زنی مهربان و قلب مادری دلسوز که با دلسوزی تمام پیامبر صلى الله عليه و آله و سلم را احاطه کرده بود از پیشانی حضرت عرق کار و غصه های مشکلاتی که از ناحیه مشرکان پست به او ميرسيد را برطرف می کرد، کسانی که به آن حضرت رحم و مهربانی نداشتند و قريش بر ضد آن حضرت برنامه سختی را از محاصره و قطع ارتباط با مردم تدوين کرده و آن برنامه ظالمانه را در لوحی نوشته و بر ديوار کعبه يا داخل آن آویزان نموده بود.

کفار و مشرکان خديجه و همسرش و بنی هاشم و بنی عبدالمطلب را از مکه بيرون کرده و به محاصره درآورده بودند و آنان را مجبور کردند تا به شعب ابي طالب پناه برند و آنان تا چند سال به همین حال به سر می بردند و صبر پيشه نموده و شعارشان ايمان و نگهدارشان يقين بود...».

ص: 47

1- نساء النبي صلى الله عليه و آله و سلم، دکتر سيد جمیلی ، ص 27 و 28 ، دار المكتبة الهلال ، لبنان.

محمود مهدي استانبولي و مصطفى ابونصر شبلي مشتركاً درباره حضرت زهرا عليها السلام می نویسند :

«و شاهدت العديد من مكائد الكفار لأبيها العظيم ، قتمنت لو استطاعت ان تقديه بحايتها و تمنعه من اذى المشركين و لكنى أتى لها ذلك وهي في عمرها الصغيرة.

وكان من اشد ما قاسته من آلام في بداية الدعوة ذلك الحصار الشديد الذي حوصر فيه المسلمون مع بني هاشم في شعب ابي طالب ، حتى اثر الحصار والجوع في صحتها فبقيت طوال حياتها تعاني من ضعف البنية. و ما كادت الزهراء الصغيرة تخرج من محنة الحصار المهلك حتى فوجئت بوفاة امها خديجة رضی الله عنها ، فامتألت نفسها حزناً و ألماً و أسى و وجدت نفسها بعد وفاة أمها امام مسؤوليات كثيرة و ضخمة نحو أبيها النبي الكريم و هو يمر بظروف قاسية في سبيل الدعوة الى الله ، و خاصة بعد وفاة عمه ابي طالب و زوجته الوفية خديجة رضی الله عنها.

فما كان من فاطمة الا ان ضاعفت الجهد و تحمّلت الأحداث في صبر محتسبة الأجر عند الله ، و وقفت الى جانب ابيها لتقدم له العوض عن امها اغلى الأمهات و اكرم الزوجات ، و لذلك كانت تكنى بأم ابيها...»؛ [\(1\)](#)

«فاطمه زهرا عليها السلام شاهد بسیاری از حيله های کافران نسبت به پدر بزرگوارش بود و آرزو داشت که می توانست جانش را فدای او کند و او را از آزار مشرکان برهاند ولی چگونه می توانست که چنین نماید در حالی که در سنین کودکی بود. و از شدیدترین دردهایی که در ابتدای دعوت متحمل شد آن محاصره سختی بود که مسلمانان در آن همراه بنی هاشم در شعب ابي طالب قرار گرفتند، به حدی که آن محاصره و گرسنگی در سلامتی آن حضرت تأثیر گذاشت و تا زنده بود اثر آن که ضعف در بنیه حضرت بود باقی ماند.

ص: 48

هنوز زهرای کوچک از مصیبت و مشکلات محاصره مرگبار بیرون نیامده بود که به مصیبت وفات مادرش خدیجه رضی الله عنها مبتلا شد و لذا قلبش مالا مال از حزن و درد و اندوه گشت و خودش را بعد از وفات مادرش در برابر انبوهی از مسؤولیت های سخت در برابر پدر گرامیش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یافت ، او که در راه دعوت مردم به سوی خدا در موقعیتهای سختی قرار گرفته بود، خصوصاً بعد از وفات عمویش ابوطالب و همسر وفادارش خدیجه رضی الله عنها.

ولی فاطمه کوشش خود را دو چندان نمود و متحمل مشکلاتی شد و همه آن ها را به حساب خدا گذاشت و در کنار پدرش قرار گرفت تا بتواند جبران نبود و خلا مادرش که بهترین مادر برای ما و کریمترین همسر برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود را بنماید و بدین جهت بود که او را ام ایها کنیه دادند...».

فاطمه زهرا عليها السلام در طول زندگی خود با شوهرش امير مؤمنان علی عليه السلام بهترین زندگی را داشته است که میتواند برای همه الگو باشد؛ امری که همه به آن اعتراف کرده اند اینک به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم؛

1 - خلافت امام علی عليه السلام از دیدگاه حضرت زهرا عليها السلام

دکتر محمد بیومی مهران استاد دانشکده آداب در دانشگاه اسکندریه مصر در این

باره می نویسد:

«هذا وقد كانت الزهراء عليها السلام ترى أنّ زوجها الامام علی کرم الله وجهه فی الجنة أحق الناس بالخلافة، فهو ربيب النبي صلی الله علیه وآله وسلم و ابن عمه و زوج ابنته ، و ابوسبطیه الحسن والحسين، و اول الناس اسلاماً و اطولهم في الجهاد باعاً ، و هو فتى قريش شجاعة و علماً و فضلاً، و كان النبي صلی الله علیه و آله و سلم يحبّه اشدّ الحبّ، و يؤثره اعظم الإيثار استخلفه حين هاجر علی ما كان عنده من الودائع حتى ردها الى اصحابها و امره فنام في مضجعه ليلة اتمرت قريش بقتله، فكان اول من شرى نفسه في سبيل الله ، ثم هاجر حتى لحق النبي الله صلی الله علیه و آله و سلم في المدينة، فأخى النبي بينه و بين نفسه ، ثم شهد

ص: 51

مع النبي صلى الله عليه وآله وسلم مشاهده كلها، وكان صاحب رأيته في أيام البأس. وقال النبي صلى الله عليه وآله وسلم يوم خيبر: (لا عطين الراية غداً رجلاً يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله)، فتطلع إليها كبار الصحابة، غير أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم دفعها إلى علي وقال له النبي صلى الله عليه وآله وسلم يوم استخلفه على المدينة وعلى اهله عند ما سار إلى غزوة تبوك: (انت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي). واعطاه سورة براءة ليقراها على أهل الموسم، فلما قيل له: لو بعثت بها لأبي بكر قال: (لا يؤد عني إلا رجل من أهل بيتي). وقال النبي صلى الله عليه وآله وسلم للمسلمين وهو في طريقه إلى المدينة بعد حجة الوداع: (من

كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه).

وهكذا كانت الزهراء، كما كان بنوهاشم جميعاً وجمهرة من أهل المدينة يرون أن الإمام علي أحق الناس بخلافة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. ومن ثم فقد خرج الإمام يحمل فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم على دابة ليلاً في مجالس الأنصار تسألهم وظلت الزهراء متمسكة برأيها، وما كانت - رضی الله عنها - لتتزعج عن رأي اقتنعت به ورأته صواباً وكان رأيها الذي لا تحيد عنه: إن علياً أحق بالخلافة من غيره...» (1)

«زهرا عليها السلام معتقد بود که امام علی علیه السلام - کرم الله وجهه في الجنة - سزاوارترین مردم به خلافت و تربیت یافته پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و پسر عمو و همسر دختر پیامبر و پدر دو سبط او حسن و حسین است. او اولین مسلمان بوده و از همه بیشتر در جهاد سهم دارد و او جوانمرد قریش در شجاعت و علم و فضیلت است، و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم او را شدیداً دوست میداشت و در حق او بیشترین ایشار را می نمود. هنگامی که میخواست به سوی مدینه هجرت کند، امانت ها را نزد او گذاشت تا به صاحبانش بازگرداند و شبی که قریش تصمیم به قتل او گرفت در رختخوابش، آرمید و لذا او اولین کسی است که در راه خدا جانش را به

ص: 52

خطر انداخته است. سپس [از مکه] مهاجرت نمود تا به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه ملحق شود. پیامبر بین او و خودش عقد اخوت بست و با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تمام موقعیت ها شرکت کرد و او صاحب پرچم حضرت در ایام سختی بود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز خیبر فرمود: (پرچم را فردا به دست کسی می دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند هر یک از بزرگان صحابه منتظر بودند که پیامبر او را بخواهد ولی حضرت پرچم را به دست علی داد و روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی را جانشین خود بر مدینه و اهلس نمود تا به طرف غزوة تبوک برود خطاب به او فرمود: (تو نزد من به منزله هارون نزد موسی هستی جز آن که پیامبری بعد از من نیست). و به دست او سوره برائت را داد تا بر اهل موسم حج بخواند و چون به حضرت عرض شد: چرا ابوبکر را مبعوث نکردی فرمود (ادا نمی کند از طرف من جز مردی از اهل بیتم). و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در راه حرکت به سوی مدینه بعد از حجة الوداع خطاب به مسلمانان فرمود: هر کسی که من مولای اویم پس علی مولای اوست بارخدا یا دوست بدار هر کس که ولایت او را پذیرد و دشمن بدار هر کس که با او دشمنی کند و زهرا این گونه بود همانگونه که تمام بنی هاشم و جمهور اهل مدینه امام علی صلی الله علیه و آله و سلم را سزاوارترین مردم به خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می دانستند و از این جهت است که امام علی علیه السلام فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بر مرکبی شبانه سوار می کرد و در مجلس انصار میبرد و از آنها می خواست تا او را یاری کنند...

زهرا به رأی خود تمسک کرده بود و او -رضی الله عنها- هرگز از رأیی که به آن قانع شده و صواب می پنداشت عقب نشینی نمی کرد و رأی او که از آن روی برنمی گرداند این بود که علی از دیگران به خلافت سزاوارتر است».

2 - پیوند فاطمه زهرا با علی مرتضی علیهما السلام

عبدالفتاح عبدالمقصود درباره خواستگاری حضرت علی علیه السلام از حضرت زهرا علیها السلام می نویسد: «... علی علیه السلام را همواره با جان و وجود خود همراه داشت، احساس می کرد

پیوند او با فاطمه تنها از روی خویشاوندی و پیوند خانوادگی و هم تباری نیست همانند پیوند دو شاخه از یک درخت تنومند و بزرگ با میوه‌های پاکیزه و سایه‌های بلند و کشیده نیست هرگز پیوند میان آن دو پیوند بشری نیست، بلکه پیوندی است برتر از پیوند بشری پیوندی است قدسی سازش جانی است با جان دیگر علی علیه السلام احساس می‌کرد فاطمه علیها السلام با دریافت تیز و روان تابناکش از این احساسی که در نهاد وی راه میجوید آگاهی دارد.

آیا فاطمه همچون رگ گردن به علی علیه السلام نزدیک نیست؟ آیا از کنه هستی وی همچون خود وی - آگاه نیست؟ آیا او قوام زندگی علی علیه السلام نیست؟ آیا بسان ایمان علی در نهاد علی علیه السلام جایگزین نیست؟ (1)

او درباره رنج‌های حضرت زهرا علیها السلام می‌گوید: «عمر فاطمه زهرا علیها السلام به رنج‌ها سنجیده شده نه به سال‌ها مژگانش از اشک خشک نشد اندوه در درونش لانه کرد و جای گرفت لرزش و تپش بر قلبش چیره شد هوای پیرامونش اندوه شد نشانه‌های چهره اش خشم و خاموشی بود زندگی در دهانش مزه ای تلخ داشت...» (2)

3- دفاع فاطمه زهرا علیها السلام از ولایت

استاد توفیق ابو علم می‌نویسد:

«كانت السيدة فاطمة تری حق الامام عليّ في الخلافة، وترى ان قرابة النبي صلى الله عليه وآله وسلم احق المسلمين بالخلافة، وانّ بلاء عليّ في الجهاد و علمه المشهود به يؤهلانه لمقام الخلافة وقد كانت الزهراء ايضاً صريحة الرأي، حرة التفكير، صارمة الأمر عليه السلام ما كانت رضی الله عنها لتتزعزع عن رأي اقتنعت به وراثته صواباً، وكان رأيها الذي لا تحيد عنه ان علياً

ص: 54

1- ترجمه فی نور محمد فاطمة الزهرا، عبد الفتاح عبد المقصود، ج 2، ص 18 و 19.

2- همان، ج 1، ص 162

احق بالخلافة من غيره فهو ربيب النبي، وابن عمه ابي طالب، زوج ابنته الزهراء، و ابو الحسنين ريحانتي الرسول، واول الناس اسلاماً و اطولهم في الجهاد، باعاً، وفتى قريش شجاعة و علماً.

اعتزلت الزهراء بالناس، ثم رأت ان تؤدى واجبها نحو زوجها و ولديها، فحملها على فوق دابة و خرج بها ليلاً، فطافت بمجالس الانصار مجلساً مجلساً تسألهم أن يؤيدوا ابالحسن فيما يطلب، فاجابوا جميعاً: يا بنت رسول الله! قد مضت بيعتنا لأبي بكر، و لو ان زوجك و ابن عمك سبق الينا لما عدلنا به احداً.

فكان الامام يقول: (أفكنت ادع رسول الله في بيته ولا ادفنه و اخرج أنزع في سلطانه؟!) و كان ردّ الزهراء: (ما صنع ابو الحسن الا ما ينبغي، و لقد صنعوا ما الله حسيبهم و طالبهم)... «؛ (1).

«خانم فاطمه امام على را صاحب حق در خلافت میدانست و معتقد بود که نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سزاوارترین افراد به خلافت، اند و همانا زحمات على در جهاد و علم او که مشهود بود او را مستحق مقام خلافت کرد. زهرا همچنين رأی صريح فکری آزاد گذرا در امور داشت. او هرگز از رأی که به آن رسیده و صواب می دانست کوتاه نمی آمد و رأی او که هرگز از آن دست برنداشت این بود که على از دیگران سزاوارتر به خلافت است، و او تربیت شده پیامبر و پسر عمویش، ابو طالب، و همسر دخترش زهرا و پدر حسن و حسین دو دسته گل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اولین مسلمان و پرکارترین افراد در جهاد و جوانمرد قريش در شجاعت و علم بود.

زهرا از مردم کناره گرفت، سپس تشخیص داد که باید وظیفه اش را در برابر همسر و دوفرزندش ادا کند لذا على او را بر چهارپایی سوار کرد و شبانه از منزل خارج شد. او یکی یکی از مجالس انصار سرکشی نمود و از آنان خواست تا ابوالحسن را در آنچه دنبال میکنند یاری کنند ولی همگی جواب

ص: 55

دادند ای دختر رسول خدا بیعت ما با ابوبکر تمام شده است و اگر همسر و پسر عمومی تو زودتر نزد ما می آمد از او به سوی دیگران عدول نمی کردیم. امام می فرمود: (آیا من رسول خدا را در خانه اش رها کرده و او را دفن ننمایم و خارج شده و در حکومتش نزاع کنیم؟). و جواب زهرا این بود: (ابوالحسن آنچه سزاوار بود انجام داد ولی آنان کاری کردند که خداوند حسابگر و طلب کننده آنان خواهد بود...).

4 - فاطمه زهرا علیها السلام واسطه بین قطب نبوت و امامت

سلیمان کتانی، نویسنده مسیحی درباره حضرت زهرا علیها السلام می نویسد :

«... فهنالك من تكتب فيه السيرة محصورة في فسحة عمره، وقد تحصر في فاصل معين من هذه الفسحة، كان فيها بروز صاحب السيرة بشكل فذ، حقق لفت النظر اليه وجدارة الاهتمام به و هنالك من لا تكتب السيرة فيه الا في إطار مشدود بماضيه و حاضره و ما يأتي بعده من زمن. تلك هي عبقرية الأفراد يربطون حياتهم بحبال التاريخ ليغيروا وجه التاريخ.

وفاطمة الزهراء - ان لم تكن من اولئك الأفراد - فهي على الأقل ابنة نبي هزّ - ليس تاريخ الجزيرة و حسب - بل جذور الفكر في الانسان و قفز به فوق الأجيال ، و هي زوجة رجل هو الآخر قطب من اقطاب الفكر ، و خطّ من خطوط الأصالة و ركن من اركان الحق ، و امتداد لأعظم عبقرى جدل النور في قرآن.

وليس ذلك ليكفى ، فهي انجذاب بين قطبين، عبت من الأول كما عبت من الثاني ، فاذا نهجها في الحياة امتداد ل نهج مرسوم.

و كان لها - من كرم الخالق - جمال هو انعكاس لكل ما فيها من عقل و طيبة و صفاء ، و لكل ما فيها من جاذبية و ايحاء ، فاستأثرت بحبّ اعظم

اب و حبّ اعظم قطب ، فأنحصرت فيها ذّرية ايها لتكون ذخيرة يتوارثها كل جيل عن جيل.

ذلك كان جَوْها، عاشت فيه ، و شعت عليه، وامتدت به، و عبّرت عنه فكراً ونتاجاً. لقد غدت خطأً في الرسالة التي انطلقت ثورة واصبحت هي من لونها ، وستتبرك بها الأجيال... » ، (1)

«... گاه زندگی فردی مورد بررسی قرار میگیرد که شرح حال او محدود به طول زندگانی و گاه محدود به فرصت معینی از زندگی او خواهد بود که این مدت هنگامی را نشان داده و بازگو می کند که زندگی فرد مورد بحث در این فرصت چشمگیر و جالب بوده و سعی نویسنده بحث هم در همین مرز محدود مصروف است. اما گاهی شرح حال کسی را به رشته نگارش در می آورند که جاذبیت وی قلمروی بس وسیع دارد آغاز این قلمرو پیش از زندگی اوست و انجام آن تا پایان زندگی تا پس از مرگ و تا مرز ابدیت دامن کشیده است. این گونه بیوگرافی را نبوغ کسانی هستی می بخشد که زندگی خود را به رشته های تاریخ پیوند میزنند تا چهره تاریخ را دگرگون سازند و بر اوراقش نقش دیگر گونه زنند.

فاطمه زهرا اگر جزء این گونه افراد نباشد، دست کم دخت پیامبری است که نه تنها تاریخ جزیره العرب بلکه اساس و پایه های فکری انسان را نیز به جنبش در آورد و آن را تا سستیغ قرن ها پرواز داد و او نیز همسر مردی است که قطب دیگری از قطب های اندیشه و خطی از خطوط اصالت و رکنی از ارکان حقیقت است و امتدادی است برای بزرگترین نابغه ای که نور را در قرآن به درخشش واداشت.

این بسنده نیست که دو قطب او را به طرف خود جذب می کردند؟ و او از نخستین آن بهره میگرفت، همان گونه که از دومین؟ از همین رهگذر هم بود که روش او در زندگی امتدادی برای آن برنامه معین و ترسیم شده بود. او به لطف خدا جمالی داشت که نمایشگر همه خرد و پاکی و صفای باطن او و نماینده

ص: 57

نیروی جذب و الهام او بود. وی محبت عظیم ترین پدر و عظیم ترین قطب را ویژه خود ساخته بود از این جهت ذریه پدر فاطمه منحصر در وجود او گردید تا این خود ذخیره ای باشد که همه نسل های بشر، نسلی پس از نسلی آن را از فاطمه به ارث برند و از آن بهره مند گردند این قضایی بود که فاطمه در آن زندگی می کرد بر آن شتاب ورزید بدان ادامه داد و از آن نتیجه فکری و سازندگی گرفت فاطمه خطی بود در رسالتی که نیروی آزاد شده آن به گونه یک انقلاب و جهش درآمد و او به صورت رنگ و هدفی از این رسالت نمودار گردید. پس از او نسلها و توده ها از او برکت و یمن خواهند جست...».

5 - زندگی فاطمه علیها السلام در خانه نبوت و امامت

سلیمان کتانی نویسنده مسیحی درباره زندگی فاطمه زهرا علیها السلام می نویسد:

«و عاشت فاطمة تحت ظلّین : ظلّ ابیها وظلّ حلیها، وعانقت ریحانتین - الحسن و الحسین - ذریة لرجلین : نبی و امام و عانقت رهافتین : رهافة الجسم و رهافة الحس واختبرت عصرین : عصر الجاهلیة و عصر الانبعاث، واحبت ابها حبین : حبّ النبوة و حبّ الأمومة ، و صهرت بصهرین : مصهر الفقدان و مصهر الحرمان.

بهذه الإزدواجية عاشت فاطمة الزهراء صابرة على مكاره الدهر ، اقتناعاً منها بصدق قضية يلزمها الكثير من التجسيد و حسن الاخراج و لقد جسدها كما جسدها ابوها و زوجها - بحبل طويل من الرضوخ و القناعة و الاستسلام، و بسلسلة طويلة من العزم و الإقدام و البطولات، و بالكثير من التضحيات...»؛⁽¹⁾

فاطمه در پناه دو سایه؛ سایه پدر و سایه همسرش زندگی کرد و دوریچانه؛ حسن و حسین، فرزند دو کس یعنی پیامبر و امام را در آغوش خویش فشرد

ص: 58

و دو لطافت لطف جسم و لطافت احساس را در بغل گرفت ، و دو عصر ؛ عصر جاهلیت و عصر بعثت را آزمود و پدر را به دو گونه محبت دختری و محبت مادری دوست داشت و از دو آتش آتش فقدان و آتش حرمان، سوخته و در تب و تاب بود. فاطمه زهرا با این دو گانه ها زندگی کرد و در پناه آنها سختیهای روزگار بردبار بود و این به خاطر رضایت و اقتناع او به تحقق راستین قضیه بود که، این قضیه نمودگی و حسن سازندگی و پرورش فراوان فاطمه را لازم داشته و نیازمند بود و فاطمه به این قضیه آن چنان تجسم و نمودگی داد که پدر و همسرش به وسیله رشته ای طولانی از تسلیم و رضا و بردباری و به وسیله زنجیری از تصمیم و اقدام و قهرمانی ها و فداکاری های ، بسیار بدان نمودگی داده و آن را تجسیم بخشید».

6 - فاطمه زهرا علیها السلام و قیام به وظایف شوهرداری

شیخ عاطف صابر شاهین در این باره می نویسد:

«دخلت الزهراء بیت علی بن ابی طالب رضی الله عنه، فقامت علی شؤونه احسن القیام ، متحملة شظف العیش ، صابرة محتسبة...» ؛

(1)

«زهرا داخل خانه علی بن ابی طالب رضی الله عنه شد و به بهترین وجه ممکن قیام به وظایف خود نمود و با صبر تمام و زحمات زندگی را تحمل نمود و آن را به حساب خدا گذاشت...».

ص: 59

القاب حضرت زهرا عليها السلام

توفيق ابو علم درباره حضرت زهرا عليها السلام می نویسد:

«و لقبتم بالمحدثة؛ لان الملائكة كانت تهبط من السماء فتناديها كما كانت تنادي مريم ابنة عمران عليها السلام ويحدثها روح القدس. وبالصديقة والمباركة والطاهرة والزكية والراضية والمرضية، وهي آيات على ما اتسمت به رضى الله عنها من الصدق والبركة والطهارة و الرضا والطمأنينة.

لقبت بالبتول؛ لانقطاعها عن نساء زمانها فضلاً وديناً وحسباً. وقيل لانقطاعها عن الدنيا الى الله تعالى...

لقد كانت فاطمة الى جانب انسانيتها تحمل كل صفات الملائكة وسمات

الحوار العين؛ كانت انسانة، وكانت حوراء» (1)

«او ملقب به محدثه است؛ زیرا ملائکه از آسمان فرود آمده و با او صحبت می کردند، همانگونه که با مريم دختر عمران سخن می گفتند، و نیز روح

القدس بر او حديث می کرد.

و نیز به صديقه و مبارکه و طاهره و زکيه و راضيه و مرضيه لقب داده شد و تمام

ص: 61

1- همان، ص 60

این‌ها نشانه‌هایی است بر آنچه که فاطمه رضی الله عنها از صدق و برکت و طهارت و رضا و طمأنینه دارا بوده است.

و نیز ملقب به بتول شده به جهت انقطاع او از زنان زمانش در فضیلت و دین و حسب. و گفته شده به جهت انقطاعش از دنیا و اتصالش به خداوند متعال... فاطمه در جانب انسانیتش صفات ملائکه و نشانه‌های حور العین را در خود

داشت او هم انسان بود و هم حور العین».

دکتر محمد عبد یمانی از نویسندگان اهل سنت می‌گوید:

«... و البتول : لأن الله تعالى قطعها عن النساء حسناً وفضلاً و شرفاً ، او

و لانقطاعها الى الله.

و في (تاج العروس): لقبت فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بالبتول؛ تشبيهاً لها بمريم في المنزلة عند الله تعالى.

و قال ثعلب : لانقطاعها عن نساء زمانها و عن نساء الأمة فضلاً وديناً و حسباً و عفافاً ، وهي سيدة نساء العالمين...» ؛ (1)

«... بتول؛ زیرا خداوند متعال او را از جهت حسن و فضیلت و شرف از زنان دیگر جدا نموده و یا به جهت انقطاع و وصلش به خداوند.

و در تاج العروس آمده: فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله ملقب به بتول شد به جهت تشبیه او به مریم در منزلت نزد خداوند متعال.

ثعلب: گفته به جهت انقطاع او از زنان زمانش و از زنان امت در فضیلت دین

و حسب و عفاف او سرور زنان عالمیان می‌باشد...».

احمد خلیل جمعه از نویسندگان اهل سنت درباره فاطمه زهراء علیها السلام می‌نویسد:

«إذا اجتمعت الفضائل في طاقة بأريج العطر الزكي، ففاطمة الزهراء عنوانها، وكيف يستطيع الانسان ان يجمع فضائل سيدة نساء اهل الجنة

ص: 62

1- أنها فاطمة الزهراء عليها السلام، دکتر محمد عبد یمانی ص 21، چاپ المنار للنشر والتوزيع، دمشق و دار القبلة للثقافة الاسلامية، جده، 1416 هـ.--.

في كتاب؟ ولَمَّا رُحْتُ أقرأ فضائل فاطمة الزهراء واستروح عبير سيرتها، وجدتني أعيش في رياض انيقة جميلة مباركة لاتسلوها النفس، و
لا- تملأها القلوب، ووجدت في هذه الرياض ما تشتهيهِ الأنفس من كريم الصفات و من قصور المحامد التي سيّدها الزهراء بالفضائل
الحسان و الشمائل العظيمة...»؛ (1)

«هر گاه که فضایل در سبدهی همراه با وزیدن بوی خوش عطر خالص باشد عنوانش فاطمه زهراست و چگونه انسان میتواند فضایل سرور
زنان اهل بهشت را در یک کتاب جمع آوری کند؟!»

و چون خواستم فضایل فاطمه زهرا را بخوانم و از بوی خوش سیره او لذت ببرم، خودم را در میان باغ های باطراوت زیبا و مبارک یافتم که
نفس از آن خسته نشده و قلب ها از آن ملول نخواهد شد و در آن باغ ها چیزهایی را دیدم که نفسها به آن اشتها دارد از قبیل صفات کریمه و
قصرهای زیبایی که زهرا با فضایل نیک و شمایل بزرگ بر پا نمود...».

ص: 63

فاطمه زهرا از علوم وافر و شایانی برخوردار بوده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کسب نموده است. امری که همه بر آن اعتراف کرده‌اند اینک به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم؛

1 - گستره علم فاطمه زهرا عليها السلام

ابوبکر جابر جزائری درباره علم حضرت زهرا عليها السلام می‌نویسد:

«انّ الفضائل التي حازتها فاطمة الزهراء بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الكثيرة... علمها رضي الله عنها: كيف لا تكون فاطمة عالمة، وهي بنت رسول الله له مدينة العلم وبابها وهي بضعة منه فداها ابي وامى ونفسى...» (1)

«همانا فضایلی که فاطمه زهرا دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آن‌ها رسیده بسیار است...»

[از جمله آنها] علم اوست رضی الله عنها؛ چگونه فاطمه عالم نباشد در حالی

ص: 65

که او دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که شهر علم و دروازه آن است و او پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است پدر و مادر و خودم فدای فاطمه باد...».

2 - اخذ حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

او نیز می نویسد:

«اخذت السيدة الزهراء عن ابيها الكثير من الاحاديث، بما تسمعه منه ، او ما كان يأمر بكتابته . لها. وقد اخذ عنها ابناها الحسن والحسين و ابوهما علي وحفيدها فاطمة بنت الحسين مرسلًا ، وعائشة وأم سلمة وانس بن مالك و سلمی ام رافع رضی الله عنهم .

وقد ساعدها على ذلك أنها ألفت بكثير من علوم القرآن و احاطت بأمور من الشرائع السابقة وكانت تعرف القراءة والكتابة وقد فطمها الله بالعلم. وكان ابوها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يستكتب لها الصحف التي تسترشد بها في امر دينها و تبصرها بأمور دنياها...»

(1)

«خانم فاطمه از پدرش احادیث بسیاری را که از او شنیده یا دستور به نوشتن آن ها داده بود گرفت و دو فرزندش حسن و حسین و پدرشان علی و نوه اش فاطمه دختر حسین به طور مرسل و عایشه و ام سلمه و انس بن مالک و سلمی مادر رافع رضی الله عنهم از آن حضرت اخذ روایت کرده اند. او را مساعدت کرد بر آن این که به بسیاری از علوم قرآن آگاهی پیدا کرده و به امور شرایع احاطه پیدا نمود و نیز قرائت و کتابت را می دانست و خداوند او را به علم برتری داده است و پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از او می خواست تا صحیفه هایی را برای خودش بنویسد که به آنها در امر دینش بهره برده و به پیشین امور دنیایش بصیرت یا بد...».

ص: 66

3 - فاطمه زهرا عليها السلام و نقل حديث

احمد خليل جمعه دربارہ حضرت زهرا عليها السلام می نویسد

« سیدتنا فاطمة الزهراء رضي الله عنها واحدة من نساء اهل البيت اللواتي حفظن حديث رسول الله وروينه ونقله الى ائمة الحفاظ والعلماء والفقهاء. فقد كانت فاطمة الزهراء رضي الله عنها حافظة واعية، و هي الوحيدة من بنات النبي الطاهرات اللاتي رَوَيْن الحديث الشريف »؛

(1)

«سرور ما فاطمه زهرا رضي الله عنها، یکی از زنان اهل بیت است که حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را حفظ کرده و روایت نموده و آن را بر امامان حافظ و علما و فقها نقل نموده اند فاطمه زهرا رضي الله عنها حافظی بود که علوم را در ظرف خود جای داده و تنها دختر پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که حدیث شریف را روایت نموده است».

4 - تأثیر گسترده خطبه فاطمه عليها السلام

سليمان كتاني درباره تأثیر خطبه فاطمه زهرا عليها السلام می نویسد:

«انّ الذين كانوا اقل الناس فهماً لخطاب فاطمة هم- بالذات - اولئك الذين كانوا حاضرين في باحة المسجد يصغون؛ لان ذلك الخطاب كان من نوع الامحال في اقتلاع الحجارة لا يتأثر مركز الثقل فيها الا بنسبة ما تطول سوقها.

و لم يكن الخطاب موجهاً الى شردمة من الناس، فهو ما اخذ من المسجد قاعدة له الا لتكون له رنة الأذان.

ص: 67

لذلك كان الخطاب في المسجد لأبعد بكثير من جدران المسجد ، ولم يكن للمئذنة في المسجد ، بل للجوّ الذي تتناول اليه مئذنة المسجد. هل كانت فاطمة تدرى بانّ لخطابها تلك القيمة و تلك الأبعاد ؟ ولكن الثورة التي كانت متولدة في نفسها كانت من وحي تلك المعاني و من مسافة تلك الأبعاد ، لهذا جاءت كلماتها ناعمة كالأنوثة فيها وهادئة كأنّها التعبير عن انفجار السدود

و كلّ شيء يفقد قيمته ان لم يكن تعبيراً، وثورة فاطمة كانت ذيك التعبير عن ألم في النفس كانت تدرك هي كل اسبابه و تعاني كل اثقاله لقد عاشت اباها في كل قضية، ولقد تزوّجت علماً في تجسيده ت-لك القضية، ولم يكن موت ابيها الا ليفقدها نشوة تحسّس القضية و استطراد نموها...

انطلقت فاطمة تعبّر عن نفسها لتعبّر عن كل القضية ، اما اولئك الذين سمعوها فأثّهم لم يسمعوها الا من خلال فذك، من خلال ارث فقط تطالب به.

أنّه فيما بعد، في كل سنة بعد سنة ، في كل جيل بعد جيل ، اصبح السماع اليها من خلال القضية.

هكذا كان يعمق - مع الوقت - سمعُ الخطاب ، و هكذا اصبحت فاطمة تسمع من خلال صوتها الناعم كانها النذير ...

ما تضاءلت قضية فذك ، ولكن فاطمة اصبحت - من خلالها - وترّاً في غمد»؛ (1)

«افرادى كه به هنگام سخنرانى فاطمه در مسجد حضور داشتند و كلمات او را مى شنيدند در فهم و درك سخن فاطمه از همه مردم بهره كمتري نصيبشان

ص: 68

1- فاطمة الزهراء وتر في غمد ، ص 116 و 117.

شده است؛ چرا که این نطق حالت اهرم هایی را داشته که برای برداشتن سنگ ها به کار می روند که مرکز ثقل در اهرم ها تحت فشار قرار نمی گیرند مگر به نسبت طول میله اهرم.

روی سخن فاطمه در این نطق افراد اندک و معدودی نبودند؛ مرکز قاعده این نطق هم که در مسجد قرار گرفت هدفی جز این نبود که طنینی همانند طنین اذان برای آن به وجود آید.

از این رو گرچه خطابه در مسجد ایراد شد ولی برای فضایی دورتر از دیوارهای مسجد ایراد گردید حتی این نطق برای حدی تا مناره مسجد هم ایراد نشد بلکه برای آن فضایی ایراد شد که مناره بدان مینگریست و بر آن فراز آمده بود.

آیا فاطمه می دانست که نطق وی دارای این ارزش و این ابعاد خواهد شد یا نه؟ لیکن این انقلابی که در کیان فاطمه هستی گرفته و متولد شده بود مسلماً بر اثر الهام همان معانی بلند و این مسافت ابعاد پدید آمده بود. بدین جهت است که کلمات فاطمه با آرامش و لطافتی همچون آرامش زنانه خود او و با غرشی همانند انفجار سد ایراد شد.

هر چیزی اگر حالت تعبیر و اظهار را نداشته باشد ارزش خود را از دست می دهد و انقلاب فاطمه حالت تعبیر و اظهار درد ورنجی را داشت که در وجود خود او بود، دردی که همه موجبات آن را فاطمه درک کرده و همه سنگینی آن را لمس نموده بود.

فاطمه در تمامی قضیه رسالت پدر با پدر همراه بود و با وی زیست و ازدواج او با علی نیز در نتیجه این بود که علی مجسمه و نمونه این قضیه بود و مرگ پدر هم در فاطمه این اثر را نهاد که وی سرخوشی و احساس پیروزی آن قضیه و انتظار رشد آن را از دست بدهد.

فاطمه به راه افتاد تا آنچه را که در وجود اوست تعبیر و بیان کند و از این رهگذر تمام قضیه پدر را نیز بازگو کرده باشد ولی آنان که سخن فاطمه را شنیدند جز از خلال فدک و جز از خلال ارثی که گمان می کردند فاطمه تنها در مقام مطالبه آن باشد، گفتار وی را نشنیدند.

اما در روزگاران، بعد در هر سالی پس از سال ديگر، در هر نسلي بعد از نسل، ديگر نطق فاطمه از خلال اصل قضيه به گوش رسيد. بدین گونه با گذشت، زمان شنیدن نطق فاطمه به گونه ای عمیق صورت گرفت و بدین گونه فاطمه در روزگاری قدم نهاد که خطابه او از خلال صدای آرام او به گوش رسید، آن چنان که تو گویی فاطمه نذیر و بیم دهنده ای بوده است. داستان فدک خوار و خاموش نشد ولی فاطمه از خلال این داستان به صورت زهی در درون نیام درآمد».

5 - وجود سخنان فاطمه زهرا علیها السلام در حافظه تاریخ

سلیمان کتانی می نویسد:

« لم تكن على عهد فاطمة - آية لاقطة صوتية تسجل الكلمة التي تفوهت بها امام ابى بكر الصديق، وكذلك لم تكن هناك أية لاقطة نووية تعكس عنها الاشارة التي كانت تبدر عنها، وهي تلقى ذلك الخطاب حتى ولم تكن أيضاً تلك اللواقط من الحروف الطائفة تنساق متلقطة بالفكر تضبطه في إطارها و تتمسك به ضمن خطوطها و دوائرها، ... ليحصل ضبط ذلك الخطاب في امانة الحروف.

لم يتم لا تسجيل الصوت ولا تسجيل الصورة لاصوت فاطمة بكلماته المتقطعة ونبراته المتدققة، ولا صورتها بعينها الحزينة وقدما الناحل، و لم يتم ايضاً لا تسجيل الأثر الذي تركته على جمهور ساحة المسجد و لا تسجيل لون اذن ابى بكر الصديق بعد سماعها خفقة التنديد بالرغم عن عدم وجود اي شيء من هذا تمت كل التساجيل، كأن آلة العصر الحاضر كانت في ذلك الحين، هي ذاتها تفعل و متى كانت الآلة في تنفيذ اختراعها غير تعبير عن شوق الإنسان في حاجته اليها؟ انّ هذا الشوق هو ذاته الذي كان منفتح القلب والعين والأذن امام فاطمة في

ص: 70

وجودها في ذلك الحين، وفي كل وجودها. لذلك انسكبت في وجدان التاريخ تسجيلاً حفظته واعية الخواطر، و تلتقطت به حافظة القلوب، و تناقلته اشواق الأسانيد : تعبيراً عن ان الرأي العام في مجتمع الانسان هو حقيقته الماثلة في مكشوفها و مستورها على السواء...» (1)

«در دوران فاطمه هيچ گونه نوار صوتی وجود نداشت تا نطقی را که وی در برابر خلیفه ایراد کرد ضبط نماید و همچنین در آن زمان هيچ گونه نوار نوری و فيلم عكاسی هم موجود نبود تا از حرکات و اشارات فاطمه به هنگام سخنرانی عکس برداری، کند حتی یک وسیله تندنویسی هم یافت نمی شد که با سخن فاطمه در همان هنگام که از فکر الهام گرفته و به ترتیب بر زبان همراهی نموده و آن را در چارچوب خود ضبط و حفظ نماید و از لابه لای خطوط و دو اثرش گفتار فاطمه کشف گردد تا حفظ و صیانت این خطابه به دست این وسیله تندنویسی و به عهده امانت حروف گذارده شود. نه ضبط صوتی از گفتار و صدای فاطمه با آن کلمات مقطعه و زیر و بم های در اثر اندوه آن صدا به وجود آمده و نه عکس برداری از سیمای فاطمه با آن دیدگان غمبار و اندام نزارش به عمل آمده است و نه همچنین ضبط اثری که فاطمه بر همه فضای مسجد، گذارد به وقوع پیوسته است و نه ترسیم و نقش رنگ گوش های ابوبکر صدیق پس از استماع طنین تازیانه عیب جویی و انتقاد انجام گرفته است.

اما علی رغم نبودن هيچ یک از این وسایل باز هم همه گونه ضبط و ثبت انجام گرفته است تو گویی همین ابزار و وسایل عصر کنونی در آن زمان بوده و به فعالیت و کار پرداخته است وجود اختراعات آیا خود دلیل شوق و نیاز انسانی به ایجاد آن اختراع نیست و آیا چیز دیگری سبب به وجود آمدن یک اختراع می شود؟ گرچه در زمان فاطمه این اختراعات وجود نداشت، اما همین شوق و احساس نیاز به ضبط و حفظ گفتار فاطمه خود چیزی بود که در آن هنگام در سراسر وجود خود فاطمه موجود بود، و این شوق دل و دیده

ص: 71

و گوش خود را در مقابل فاطمه گشوده بود تا سخن او را در خود گیرد و ثبت و ضبط نماید از این رو این نطق برای یادداشت و تسجیل به دل تاریخ سپرده شد به طوری که هوشیاری خواطر آن را حفظ کرد و حافظه دلها آن را در خود گرفت و شوق مکتوبات و نوشته جات آن را به یکدیگر انتقال داد که این خود تعبیر و بازگو کننده ای بود از این مطلب که نظریه عمومی در اجتماع ، انسان همان حقیقت نمونه و جالب خود را خواهد داشت و فرقی نمی کند در این که این حقیقت آشکار شده و یا مستور و مخفی مانده باشد...».

6 - فقه فاطمه زهرا علیها السلام

دکتر محمد عبده یمانی مینویسد:

«لاشك ان هذه السيدة العظيمة، سيدة نساء العالمين، هي سيدة فقيهة فاضلة، لها باع طويل لا ينكر في نقل الدين والدعوة والتفقيه بالقرآن والسنة، وان كانت السيدة فاطمة - رضی الله عنها - قد شغلت بالمواقف العظيمة التي وقفتها والبلايا العظيمة التي تصدّت لها، وهي تقف الى جوار المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم في كل المحن التي مرّت به الا انها تولت قضية التربية في الدرجة الاولى، وكان لها دور كبير في رعاية والدها عليه افضل الصلاة والسلام، وخاصة بعد وفاة امها رضی الله عنها»؛⁽¹⁾

«شکی نیست در این که این سرور، بزرگ سرور زنان عالمیان، شخصیتی است فقیه و با فضیلت که در نقل دین و دعوت و فقاهاست به قرآن و سنت دارای مقامات عالی و غیر قابل انکار است گرچه خانم فاطمه - رضی الله عنها - دارای مواقف بزرگی است که از خود به جای گذاشته و مصیبت های بزرگی است که به آن مبتلا شده است ولی در کنار مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم در تمام مصیبت هایی که بر او گذشته قرار داشته است و در درجه اول همه این ها متولی قضیه تربیتی

ص: 72

می باشد که برای آنها موقعیت بزرگی در مراعات پدرش که بهترین درود و سلام بر او باد دارد به خصوص بعد از وفات مادرش رضی الله عنها».

7 - فصاحت و بلاغت حضرت زهرا علیها السلام

النَّبِيُّ جبر سراج از علمای اهل سنت در کتاب «ريحانة النبي السيدة فاطمة الزهراء» می نویسد:

«لقد كانت الزهراء في نشأتها مضرب الأمثال في الكمال الخلقى مع ما كانت عليه من ذكاء شديد وفطنة حادة، وعلم واسع. فقد تلقت من أبيها صلى الله عليه وآله وسلم ما تلقاه من رب العالمين. وما من شك في أنها تعلمت من أبيها صلى الله عليه وآله وسلم ما لم تتعلمه طفلة في سنّها في مكة، فكانت كسائر آل البيت الكرام لها الحظ الأوفر من الفصاحة والبلاغة، تجلت في هذه الخطبة التي القتها امام القوم، محتجة على أبي بكر بشأن ارض فدك التي استردها منها بعد وفاة النبي صلى الله عليه وآله وسلم...»؛ (1)

«به طور قطع زهرا در زندگی اش ضرب المثل در کمال اخلاقی بود، با آنچه از ذکاوت شدید و زیرکی تیز و علم گسترده ای که داشت فاطمه از پدرش تلقی کرد آنچه را که او از پروردگار عالمیان تلقی نموده بود و هیچ جای شک نیست که فاطمه از پدرش چیزهایی یاد گرفت که هیچ طفلی با سن و سال او در مکه یاد نگرفت و او همانند دیگر اهل بیت کرام [پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم] دارای بهره ای وافر از فصاحت و بلاغت بود که در این خطبه ای که در برابر مردم ایراد فرمود تجلی یافت و در آن بر ابوبکر درباره سرزمین فدک احتجاج نمود، سرزمینی را که بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از فاطمه پس گرفته بود...».

ص: 73

فاطمه زهرا عليها السلام در اوج فضایل و کمالات اخلاقی بوده است به نحوی که همه بر آن اعتراف نموده اند اینک به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم؛

1 - زهد حضرت زهرا عليها السلام

احمد خلیل جمعه در این باره مینویسد

« اذا كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم امام الممتقين ، وامام الزاهدين ، فلاشك ان فاطمة الزهراء رضی الله عنها من ازهد النساء فی الدنيا ان لم يكن ازهدهن حيث كانت سعيدة في حياتها على الرغم من الشظف و الفاقة ، و ماكان حطام الدنيا و زخرفها عند الزهراء لیساوی مثقال ذرة من هباء.

عرفت فاطمة الزهراء رضی الله عنها ان مرضاة الله عزوجل و مرضاة رسوله فوق متاع الدنيا، وكان شعارها قول الله عزوجل : « قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى »، (1) و لهذا لقد وضعت فاطمة الزهراء رضی الله عنها الآخرة نصيب عينيها ، وسَعَت لها ما استطاعت الي ذلك

ص: 75

سیبلاً، لتكون ممن عناهم الله عز وجل بقوله: « وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا » (1).

علی الطریق الموصل الی رضا الله الباری سبحانه سارت فاطمة الزهراء،

وهی تستضیء بنور الله عزوجل کیما تحظى بما اعد للمؤمنات الصابرات من اجر و من نعيم مقيم، ومن جنات و عیون و مقام کریم، فعاشت مع زوجها علی رضوان الله علیهما حیاة زهد و صبر علی شطف العیش...» (2)

«اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امام متقین و امام زاهدان است، پس شکی نیست که فاطمه زهرا رضی الله عنها از زاهدترین زنان در دنیا است اگر زاهدترین آن ها نباشد؛ چرا که او علی رغم فقر و فاقت در زندگی اش با سعادت بود و اموال و زیور دنیا نزد زهرا به اندازه ذره‌ای ارزش نداشت

حضرت زهرا رضی الله عنها میدانست که رضای خدای عزوجل و رضایت رسولش فوق ارزش دنیا است و شعار او قول خدای عزوجل بود که بگو متاع دنیا کم و آخرت برای متقین بهتر است و لذا فاطمه زهرا رضی الله عنها آخرت را روبروی خود قرار داده و برای آن آنچه که می توانست کوشش می نمود تا این که از جمله کسانی باشد که خداوند عزوجل آنان را به گفتارشان قصد کرده: (و کسانی که آخرت را قصد کرده و برای آن سعی خود را بنمایند در حالی که مؤمن، اند آنان سعیشان مشکور است).

به راهی که به خشنودی خداوند باری تعالی ختم میشد فاطمه زهرا سیر نمود و او به نور خدای عزوجل بهره مند میشد تا از آنچه برای زنان مؤمنه و صابره از اجر و نعمت پایدار و از بهشت ها و چشمه ها و مقام کریم آماده شده بهره مند شود پس او به همراه همسرش علی رضوان الله علیهما زندگی زاهدانه همراه با صبر و مشقات زندگی داشت...».

ص: 76

1- سوره اسراء، آیه 19.

2- نساء اهل البيت احمد خلیل جمعه، ص 550

2 - فاطمه زهرا عليها السلام در اوج عزت و بزرگی

توفیق ابو علم می گوید:

(... هي فاطمة الزهراء المصدر الاول من مصادر القوة التاريخية التي

تتابعت آثارها في دعوات الخلافة من صدر الاسلام الى الزمن الأخير يكفيها اطراء كونها كريمة الرسول العظيم صلى الله عليه وآله وسلم ، وزوج الامام على بن ابي طالب كرم الله وجهه - وام الحسن والحسين ، وهي بحق قيثارة الرسول صلى الله عليه وآله وسلم.

وقد قالوا عن الزهراء بحق أنها نداء الملايين ، وأنها شهاب النبوة، وأنها انثى في القمة، وكلّ هذا مرآة تعكس جزءاً ضئيلاً مما هي عليه ، ليست بنت النبوة؟ أليست ربيبة الوحي؟ نحن جميعاً ننحنى ونلتمس عن لسان الرسول العظيم صلى الله عليه وآله وسلم سمة منحها اياها وقلادة قلدها بها ، فنراه يناديها، (بأم أبيها) ، اذن فانت يا سيدتنا الجليلة (ام ابيك) ... «؛ (1)

(.... او فاطمه زهرا مصدر اول از مصادر قوت تاريخی است که آثار آن در دعوت های خلافت از صدر اسلام تا زمان اخير پياپی آمده است. در بزرگواری آن حضرت همين بس که او کریمه رسول عظیم صلی الله علیه و آله و سلم و همسر امام علی بن ابی طالب کرم الله وجهه - و مادر حسن و حسین ، و به حق آینه تمام نمای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود.

درباره زهرا به حق گفته اند که او ندای میلیون ها انسان و شهاب نبوت و زنی است در اوج بزرگواری و تمام این ها آینه ای است که جزء کمی از مقام آن حضرت را منعکس میکند آیا ، فاطمه دختر ، نبوت ، تربیت یافته و حی نیست؟ ما همگی خم می شویم و از زبان رسول بزرگوار عنوانی را که به آن حضرت بخشیده و گردنبدی که بر گردنش آویخته را التماس می کنیم و او را

ص: 77

می بینیم که دخترش را با عنوان (ام ایها) صدا میکند. در این هنگام تو ای

سرور بزرگوار ما مادر پدرت می باشی

3 - فاطمه زهرا علیها السلام، مظهر عفاف و عصمت

سلیمان کتانی نویسنده مسیحی در این باره می نویسد:

«ایه یا فاطمة یا ثغراً تحلی بالعفاف ، فطاب رضابه ، و یا عنقاً تجمل بالكرامات فذكا إهابه ، لقد عبق خط وصلك ببنت عمران، یا ابنة المصطفى! فتلك مریم ما فرشت الأرض الا من نتف الزنابق ، و انت النفحة الزهراء، ما نفث الطيب الا من مناهل الكوثر. والخط خط الطهر و العفاف، ما زنر الارض الاخفف ارهاقها، ولا عانق الاجيال الا لَوْن آفاقها والارض لو لا هذا الاثير يغمرها تأجن ، و الزمن لو لا هذا العبير یرشفه یأسن یا بتول! یا ام ایك...»؛ (1)

«هان ای فاطمه ای لبانی که به زیور عفاف آراست پس آب دهان آن پاکیزگی یافت و ای گردنی که به زیور کرامت مزین شد پس پوست آن درخشندگی. گرفت چه قدر خوشبو است آن رشته ای که تو را به دخت عمران پیوند داد ای دخت مصطفی این مریم است که بر زمین فرشی از گلبرگ زنبق ها گسرانید و تو آن نفخه درخشانی هستی که پاکی نفس های خود را از آبشخورهای کوثر گرفتی و آن رشته رشته پاکی و عفاف است که بر زمین زنار بست تا نگرانی های زمین را کاهش دهد و زمان را در آغوش گرفت تا آفاق آن را رنگین سازد و زمین را اگر این اثر در خود نمی گرفت راتحه ای نامطبوع داشت و زمان را اگر این عبیر نمی مکید بویی ناخوشایند داشت. ای

،بتول، ای مادر پدر خود...».

ص: 78

4 - صبر و تحمل حضرت زهرا عليها السلام

ابوبکر جابر جزایری در این باره می نویسد:

«ما كانت فاطمة في عيشها كما يكون نساء الأمراء والوزراء يرفلن في الحرير، ويأكلن الفطير ويخدمن الخوادم، بل كانت رضي الله عنها تعيش في بيت فقير اهله متواضع بناءه فكانت الزهراء تقم بيبتها و تطحن حبها و تربي، اولادها، صابرة على شظف العيش، متحملة راضية بقسمة الله و ما آتاها و ما آتاها حتى توفاه الله والحقها بوالدها طيبة طاهرة، فسلام عليها في القاتات الصابرات»؛ (1)

«فاطمه در نوع زندگی کردتش همانند زنان امیر و وزیران لباس ابریشمی بلند پوشیده و نبود که بهترین غذاها را می خورند و خادمها را به خدمت خود گمارند بلکه فاطمه رضی الله عنها - در خانه ای زندگی میکرد که اهالی آن فقیر بوده و ساختمانش متواضع بود زهرا خودش خانه را جارو می کرد و دانه را آرد مینمود و اولادش را تربیت میکرد و بر سختی زندگی صابر، بود و آن را تحمل میکرد و به قسمت و تقدیر خدا و آنچه به او عطا نموده بود رضایت داشت تا خداوند جانش را گرفت و به پدرش در حالی که پاک و پاکیزه بود ملحق شد. پس درود بر او در بین زنان اهل عبادت و صبر».

5 - عفاف حضرت زهرا عليها السلام

دکتر محمد عبد یمانی درباره حضرت زهرا عليها السلام می نویسد :

«... و كانت في الذروة العالية من العفاف والتصاون، طاهرة الذيل، عفيفة المؤتزر، عفيفة الطرف، لا يميل بها هواها، بل أنها في حصانة

ص: 79

وصيانة وطهر، فهي من آل بيت النبي صلى الله عليه وآله وسلم الذي قال الله تعالى في حقهم: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». عن انس رضى الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: (ما خير للنساء؟) فلم ندر ما نقول، فصار على رضى الله عنه الى فاطمة رضى الله عنها، فاخبرها بذلك فقالت: فهلا قلت له: خير لهنّ الآ يرين الرجال ولا يرونهنّ. فرجع ، فاخبر النبي صلى الله عليه وآله وسلم بذلك ، فقال له : من علمك هذا ؟ قال : فاطمة. فقال صلى الله عليه وآله وسلم:

(أثما فاطمة بضعة مني).

و كانت رمزاً في الحياء، فالحياء شعبة من شعب الايمان، والحياء صفة الصالحين و حلية الفتيات الصالحات و الحياء لا يأتي الا بخير، ولا يمنع من الحق وطلب الحق ، ولا يشجع على باطل الحياء خلاف الخجل. و عند فاطمة تقف على حياء فريد، حياء لا مثيل له.

كانت رضى الله عنها بجوار اسماء بنت عميس و اخذت تبكى و ازدادت فى البكاء و اسماء فى دهشة من امرها. فقالت لها اسماء رضى الله عنها:

ما يبكيك يا فاطمة؟! و الاجابة تدهش العقول ان فاطمة شغلها الحياء

، فجعلها تفكر فيما بعد الموت ، تفكر فى امر قل ان يفكر فيه انسان.

ان الذى يبكي فاطمة أنّها عند ما يأتيها الموت ويتم تغسيلها وتكفينها، و تحمل على تلك الآلة الخشبية و يطرح عليها ثوب فيصفها ، لقد استقبحت رضى الله عنها ما يصنع بالنساء عند حملهنّ لدفنهنّ، فيعرف الناس طولهنّ وعرضهنّ و سمنهنّ، تتذكر ذلك فاطمة فتبكي حياءً، انها الفطرة الطاهرة.

تتعجب اسماء بنت عميس رضى الله عنها ، و تتذكر بسرعة ما رأته الحبشة، تخبر فاطمة أنّهم يحملون موتاهم على خشبة ذات جوانب ، و تغطى بغطاء من قماش ، و بهذا يستر الميت، وهذا ما ترجوه فاطمة رضى الله عنها.

تسعد فاطمة رضی الله عنها بذلك، تستبشر خيراً وتوصی ان یصنع لها مثل هذا، وتدعو فاطمة لاسماء (سترك الله كما سترتني). هل يوجد مثل هذل الحياء في الحياة والممات؟!

وقد اوصت رضی الله عنها بهذا النعش یصنع لها حتی لا یتبین احد وصفها بعد وفاتها عفة و تصاوناً»؛(1)

(... فاطمه در قله عالی از عفاف و خود نگه داری، پاکدامنی، عفیف در ، پوشش عفیف در نگاه بود و هوای نفس در او تأثیر نمی گذاشت بلکه او همچون دیوار و محافظت و پاکی بود او از آل پیامبری بود که خداوند متعال

در حقیقت فرمود: (همانا خداوند اراده کرده تا مطلق پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و به تمام معنا پاک کند).

از انس رض - نقل شده که :گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (چه چیز برای زنان بهتر است؟) ما ندانستیم که چه بگوییم علی - رض - به نزد فاطمه رضی الله عنها آمد و سؤال رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را از او پرسید حضرت عرضه داشت چرا به او نگفتی بهترین حال برای زنان آن است که مردان را ندیده و مردان نیز آنان را نبینند. حضرت بازگشت و جواب را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسانید. حضرت به او فرمود: چه کسی تو را چنین یاد داد؟ عرضه داشت: فاطمه حضرت فرمود: (همانا فاطمه پاره ای از من است).

فاطمه رمزی در حیا بود که به آن مثال زده میشد و حیا شعبه ای از شعب ایمان است و حیا صفات صالحان و زینت دختران صالح میباشد و حیا جز خیر چیز دیگر نمی آورد و از حق و طلب حق باز نمی دارد و انسان را بر باطل شجاع نمی کند حیا خلاف خجالت است ما در فاطمه حیای بی نظیر حیایی که نمونه ندارد می یابیم فاطمه رضی الله عنها در کنار اسماء دختر عمیس بود که شروع به گریه کرد و گریه خود را بلند نمود و اسماء در تعجب از آن .گریه اسماء رضی الله عنها به او عرض کرد چه چیز شما را به گریه

ص: 81

1- آنها فاطمة الزهراء، ص 312 و 313.

درآورده ای فاطمه؟! پاسخ حضرت عقلها را مدهوش میکند، فاطمه را حیا فرا گرفته و مشغول فکر کردن ما بعد از مرگ است در امری فکر می کند که کمتر کسی به آن فکر می کند چیزی که فاطمه را به گریه درآورد این است که هرگاه مرگ او فرا رسید و غسل و کفنش تمام شد و بر روی آن وسیله چوبین قرار گرفت و پارچه ای بر روی او انداخته شد که بدن نماست، آن حضرت این گونه تجهیز کردن زنان هنگام حمل به جهت دفن را دوست نمی دارد؛ چرا که مردم طول و عرض و اندام بدنها را مشاهده می کنند فاطمه اینها را یاد میکند و از روی حیا میگیرد. این است فطرت پاک.

اسماء دختر عمیس رضی الله عنها تعجب می کند و با سرعت هرچه تمام تر به یاد چیزی میافتد که در شهرهای حبشه دیده است لذا فاطمه را خبر می دهد که آنان اموات خود را بر تخته چوبی حمل میکنند که از چهار طرف لبه دارد و بر روی آن پارچه ای از قماش انداخته می شود و به این نحو میت پوشیده می شود این آن چیزی بود که فاطمه رضی الله عنها بدان خوشحال شد و بشارت خیر دانست و وصیت کرد که برای او مثل آن ساخته شود و فاطمه برای اسماء چنین دعا کرد: (خدا تو را بپوشاند همانگونه که مرا پوشاندی). آیا مثل این حیا در زندگی و مردن یافت می شود؟!

فاطمه رضی الله عنها به جهت عفت و خود نگاهداری وصیت کرد تا مثل این نعش برای او ساخته شود تا کسی بعد از وفاتش ظاهر بدنش را مشاهده نکند».

6 - قناعت فاطمه زهرا علیها السلام

دکتر محمد عبده یمانی در این باره مینویسد

«کانت الزهراء رضی الله عنها قانعة بحالها، وکانت توقن ان الحرص یفرق القلب و ویشئت الامر وکانت تستمسک بما سمعته من ابيها صلی الله علیه و آله و سلم: (طوبی لمن هدی للاسلام وکان عیسه کفافاً او قنع به)... وقد قال لها

ابوها الله صلى الله عليه وآله وسلم: (يا فاطمة! اصبري على مرارة الدنيا لتفوزي بنعيم الأبد) (1)... هكذا كان حالها وهي صابرة على تلك المعيشة الشديدة تستقبلها بقناعتها و تكثر من حمد الله تعالى عليها فهي قانعة بحالها، راضية بعيشها وهي التي اراها ابوها صلى الله عليه وآله وسلم ما خاطبه به ربه سبحانه و تعالى «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (2).

فكانت رضى الله عنها لقاء هذا راضية باليسير من العيش، صابرة على شظف الحياة ، قانعة باليسير من الحلال، فكانت نفسها راضية مرضية. فكانت لا تطمع الى ما لغيرها ولا تستشرف ببصرها الى ما ليس من حقها، فما كانت تطمع في حق احد ، فهي غنية بنفسها قريرة بحالها وقد قال ابوها الله : (ليس الغنى عن كثرة العرض ، إنما الغنى غنى النفس)...» (3).

«زهرا رضى الله عنها به حالش قانع بود؛ زیرا که می دانست که حرص باعث تفرق قلب و تشتت خاطر می گردد او به آنچه از پدرش شنیده بود تمسک می کرد (خوشا به حال کسی که در اسلام هدایت یافته و زندگی او در حد کفاف است یا به آن قانع می باشد)... و نیز پدرش فرمود: ای فاطمه بر تلخی دنیا صبر کن تا به نعمت ابدی فایز شوی این چنین بود حال فاطمه و او بر آن زندگانی سخت صبور بود و با قناعتی که داشت به استقبال زندگی می رفت و زیاد ستایش خداوند متعال را بر آن زندگی داشت. او قانع به حال خود و راضی به زندگی اش بود و او کسی بود که پدرش آنچه را که از پروردگارش سبحانه و تعالی گرفته بود به او می نمایاند آنجا که می فرماید: (هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی که به گروههایی از آنان داده ایم، میفکن! اینها شکوفه های زندگی دنیاست؛ تا آنان را در آن بیازماییم).

لذا فاطمه رضى الله عنها بعد از این دیدار به اندکی از روزی راضی و بر سختی

ص: 83

1- کنز العمال ، ح 37475

2- سوره طه، آیه 131

3- أنها فاطمة الزهراء، ص 313 و 314.

زندگی صبور و به اندکی از مال حلال قانع بود او نفسش راضی و مرضی بود. او هرگز به اموال دیگران طمع نداشت و چشمانش را به چیزی که حقتش نبود نمی انداخت و در حق کسی طمع، نداشت او نفس بی نیاز، حالش ثابت بود. پدرش فرمود: بی نیازی در کثرت مال نیست، بلکه بی نیازی در بی نیازی نفس است...».

7- فاطمه زهرا علیها السلام، مجمع فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

احمد خلیل جمعه از علمای اهل سنت در این باره می نویسد:

«كانت فاطمة الزهراء رضي الله عنها تجد كل انس وكل نعيم الى جانب ابيها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، فقد استلهمت كل فضيلة من حياة أبيها الذي يغمرها بحبّة ويشملها برعايته وعطفه»؛ (1)

فاطمه زهرا رضی الله عنها هر انس و هر نعمتی را در جوار پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می یافت و او هر فضیلتی را از حیات پدرش الهام میگرفت پدری که او را مسمول محبت خود کرده و تحت مراعات و مهربانی خود قرار داده بود.

8 - جلالت فاطمه زهرا علیها السلام

دکتر علی ابراهیم حسن می نویسد:

«و حياة فاطمة هي صفحة فدة من صفحات التاريخ نلمس فيها الوان العظمة، فهي لست كبلقيس او كليو بطرة، استمدت كل منهما عظمتها من عرش كبير و ثروة طائلة و جمال نادر و هي لست كعائشة نالت شهرتها لما اتصفت به من جرأة جعلتها تقود الجيوش و تتحدى الرجال، ولكننا امام شخصية استطاعت أن تخرج الى العالم و حولها هالة الحكمة

ص: 84

و الجلال ، حکمة لیس مرجعها الكتب و الفلاسفة والعلماء و انما تجارب الدهر المملئ بالتقلبات و المفاجآت، و جلال لیس مستمداً من ملك او ثراء، و انما من صميم النفس....» ؛ (1)

«زندگانی فاطمه صفحه ای پاک از صفحات تاریخ است که در آن رنگ هایی از عظمت را لمس می نماییم او همانند بلقیس یا لیو بطره نیست که عظمت خود را از تاج و تخت بزرگ و ثروت فراوان و زیبایی بی نظیر به دست آورده باشد، و نیز همانند عایشه نیست که شهرتش را از جرأتی به دست آورده که لشکری را رهبری کند و مردان را به دنبال خود نماید ولی ما در مقابل شخصیتی قرار داریم که توانسته بر عالم ظهور کند در حالی که اطراف او را هاله ای از حکمت و جلال فرا گرفته، است حکمتی که بازگشت آن به کتاب ها و فلاسفه و علما نیست، بلکه تجربه های روزگاری است که مملو از زیر و زبرها و اتفاقات است جلالی که از پادشاهی و ثروت به دست نیامده بلکه از باطن نفس اوست...».

توفیق ابو علم درباره حضرت زهرا علیها السلام می نویسد:

«... و ائی انحنی اجلالاً بین یدیک سیدی یا بضعة النبی. و طأطأة للرأس تجاه مقامك الشامخ یا ام الحسنین. ای قلم یرقی لیکتب عنک و ای ریشه تدق حتی تستطیع ان تصوّرك كما انت. قالوا عنک : انک وتر فی غمد وقالوا انک نداء الملايين وقالوا : انک شهاب النبوة الثاقب. و قالوا : انک انثی فی القمّة. انت یا سیدتی الجلیلة بنت النبوة البکر. انت ربیبة الوحی ، انت ام ایبک ، انت امّ للرسول فی رسالته لا فی ولادته. انت یا سیدتی زعیمة اهل البيت. ویقول الشاعر :

هم النور نور الله جل جلاله *** هم التین والزیتون والشفع والوتر» ؛ (2)

ص: 85

1- فاطمة الزهراء ، دخیل ، ص 171، به نقل از او.

2- فاطمة الزهراء علیها السلام، توفیق ابو علم، ص 8 و 9.

(... و همانا ای سرور من در مقابل عظمت تو تواضع میکنم ای پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم! سر من در مقابل مقام شامخ تو فرود آمده است ای مادر حسن و حسین علیهما السلام. و کدامین قلم میتواند درباره تو مطلب بنویسد و کدامین پر می تواند نازک گردد تا بتواند آن گونه که هستی تو را به تصویر کشاند. درباره: گفته اند تو نمونه ای هستی در غلاف، شده و گفته اند همانا تو صدای تو میلیون ها، انسانی و گفته اند همانا تو شهاب درخشان، نبوتی و گفته اند: تو در میان زنان نمونه ای تو ای سرور من خانم جلیله و دختر پیامبر عصمتی. تو در دامان وحی پرورش یافته ای تو مادر پدرت می باشی تو مادر رسول در رسالتش هستی نه در ولادتش تو ای سرور من زعیم اهل بیته شاعر درباره شما خاندان می گوید آنان نورند نور خدای جل جلاله آنان انجیر و زیتون و شفع و وتر قرآن اند.

دکتر محمود عکام می گوید :

«... علی اقدامك تنحنی الهامات اجلالاً، و لذكراك تختال الأكوان حلالاً، و ددت لو تغد والعیون محابر فتکتب بالدموع عبائر و تلون بالبریق مآثر و تسطر بالجفون بعض ما تنطوی علیه منی السرائر یا مشکاة صدرت عنها الأنوار و یا سرّة تجمعت فیها الأسرار، و یا درّة سمت، فکانت واسطة عقد بیت الأظهار الأبرار یا فاطمة! و السرّ فیک کبیر، و الفطام لذیک یعنی الكثير ...»؛ (1)

«... سرها بر قدم های تو به جهت تجلیل خم می شود و به یاد تو عالم ها به فکر فرو می روند دوست داشتیم که چشم ها مرکب می بودند و با اشک ها عبارت ها نوشته میشدند و اثرهای رنگارنگ پدید می آمدند و با موزه های پلک ها برخی از اسرار او پدیدار گشت ای کیسه ای که اسرار در تو نهفته است ای درخشان و حلقه وصل بین پاکان و نیکان ای فاطمه اسرار در وجودت بزرگ است و کسی که نزد تو علم بیاموزد به خیر کثیر نائل شده است...».

ص: 86

فاطمه زهرا عليها السلام در مدت زندگی خود چه در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و چه بعد از آن شجاعت ها و شهامت هایی را از خود ظهور و بروز داده است که همه بر آن اعتراف نموده اند. اینک به نمونه هایی از آن ها اشاره میکنیم؛

1 - دفاع فاطمه عليها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

احمد خلیل جمعه از علمای اهل سنت در این باره می نویسد:

«و اشار القرآن الکریم والحديث الشریف، وکتب المصادر الی هؤلاء، الکفرة، الذین سؤلت لهم انفسهم النیل من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، وفي مقدمتهم ابولهب بن عبدالمطلب، و ابوجهل بن هشام و ابی بن خلف، والعاص بن وائل، و النصر بن الحارث، و ام جمیل بنت حرب، و عتبة بن ربیعة، و عقبه بن أبی معیط، و امیة بن خلف، و غیرهم کثیر، وکان من اشدّهم عداوة و ضراوة ابوجهل الذی طغی فی عداوته و عدوانه الی حدّ لا یطاق، فاخذہ الله اخذ عزیز مقتدر، وکانت نهايته فی غزاة بدر علی يد من کان يستضعفهم. کان لفاطمة الزهراء رضی الله عنها مواقف زاهرة و ضیئة، مع هؤلاء فی

مطلع البعثة النبوية بمكة المكرمة، وتصدّت لهم أكثر من مرة، فأسكتتهم جرأتها و خافوا دعوة ايها...»⁽¹⁾

«قرآن کریم و حدیث شریف و کتاب های مصادر به آن کافران اشاره کرده اند کسانی که نفوسشان آنان را گول زده تا متعرض رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، گردند که پیشتاز آنان ابولهب بن عبدالمطلب و ابوجهل بن هشام، و ابی بن خلف، و عاص بن وائل، و نصر بن حارث، و ام جمیل بن حرب، و عتبة بن ربیعة، و عقبه بن ابي معیط، و امیة بن خلف و بسیاری دیگر بودند که شدیدترین آن ها در دشمنی و ضرر رساندن ابوجهل بود. کسی که در دشمنی و تجاوزگری کار را به حدی رسانده بود که کسی طاقت آن را نداشت و خداوند او را مقتدرانه گرفته و عاقبت او آن شد که در جنگ بدر به دست کسانی که آنان را ذلیل کرده بود کشته شد.

فاطمه زهرا رضی الله عنها مواضع روشن و سرسختی در برابر این افراد در ابتدای بعثت نبوی در مکه مکرمه داشت که چندین بار متصدی آن، شد و جرأت آن حضرت بود که آنان را ساکت کرد و از دعوت پدرش به هراس افتادند...».

2 - شرکت فاطمه علیها السلام در امور مهم

او نیز می نویسد:

«نشأت رضی الله عنها نشأة نبوية، وقد ثبت اشتراكها في بعض غزوات

الرسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، وكان يصطفیها لأسراره، فاشترکت فعلاً، مع ايها في حروبه؛ اذ انها كما كانت تقوم بأمر بيتها و تدبيره و تربية اولادها و تنشئتهم، كانت تجاذب اباها رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و زوجها علياً رضی الله عنه الشؤون الخارجية، وكان رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يحضرها في الامور الهامة فقد

ص: 88

حضرت بیعة النساء ، كما حضرت مباهلة وفد نجران...» (1)

«فاطمه زهرا رضی الله عنها در خانه نبوت تربیت یافت و ثابت شده که در برخی از غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شرکت داشته است و حضرت او را به جهت برخی از اسرارش بر می گزید و با پدرش در جنگ ها عملاً شرکت داشت؛ زیرا او همانگونه که به امور خانه و تدبیر آن و تربیت اولاد و رشد آنها اهتمام می ورزید، پدرش رسول خدا لاله و همسرش علی رضی الله عنه را در امور خارج از منزل یاری می داد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را در امور مهم حاضر می کرد همانگونه که در بیعت زنان و مباهله و قافله نجران حاضر نمود...».

3 - شجاعت و شهامت حضرت زهرا علیها السلام

محمود شلبی درباره حضرت زهرا علیها السلام می نویسد:

«علیها السلام ، ثم علیها السلام بنت ابیها حقاً و صدقاً. فكيف كان ذلك؟ قالوا: اجتمع نفر من طغاة المشركين في حجر ابراهيم بجواز الكعبة واخذوا يكيدون كيدهم ، و اجمع هؤلاء النفر على أنه لا توجد وسيلة للخلاص من محمد الا بقتله والقضاء على دعوته في مهدها، مهما تحملوا في سبيل ذلك من حرب طاحنة يشنها عليهم بنو عبدمناف و من يناصرهم. فلما انتهوا الى هذا الرأي وجدوا ان الوسيلة الوحيدة لتحقيقه هي ان يجتمعوا و يتحدوا رجلاً واحداً فاذا دخل محمد المسجد الحرام التفوا حوله وانهاوا عليه جميعاً طعناً و ضرباً حتى يخرّ قتيلاً. و اطمأنت نفوسهم الشريرة الى هذا التدبير الحقير و تعاقدوا عليه ،

واقسموا على تنفيذه و اشهدوا على ذلك اصنامهم المرصوفة حول الكعبة. هذه مؤامرة خطيرة لقتل لرسول الله علیها السلام و ههنا تبرز بطولة

ص: 89

الزهراء عليها السلام؛ فقد سمعت فاطمة الزهراء ما كانوا يدبرون، فعادت مسرعة الى بيت ابيها ما كادت تدخله حتى انفجرت باكية و القت بنفسها في حضن السيدة خديجة ام المؤمنين وكلّما حاولت الأم ان توقف بكاء طفلتها زاد نحيبها حتى دخلتا على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فتلقاهما كعادته هادى النفس ممّا اشاع فيهما الطمأنينة ، واخذت الطفلة التي لم تكن قد بلغت بعد الحادية عشرة من عمرها تحدّثه قائلة : (هؤلاء الملاء من قريش قد تعاهدوا عليك لو قد رأوك لقد قاموا اليك فقتلوك ، فليس منهم رجل الا

قد عرف نصيبه من دمك).

و تلقى النبي صلى الله عليه وآله وسلم الخبر فى هدوء ، فطلب من بنيته ان تأتيه بماء ليتوضأ ، و اسرعت فاحضرت له ما طلب فلمّا توضأً خرج متجهاً ناحية الكعبة وقد احاطت به هالة من المهابة والجلال. فلما دخل عليهم المسجد انتفعت وجوههم و غاض منها الدم و خفضوا من مهابته ابصارهم و افقدتهم الدهشة تذكر ما تعاهدوا عليه فلم يستطع احدهم ان يرفع بصره اليه ، بل خفضوا رؤوسهم حتى بلغت اذقانهم صدورهم ، و اذهلتهم المفاجأة ، فلم يتحرّك احدهم من مكانه، على حين كان رسول الله مستمراً في السير نحوهم في خطى متتدة ، حتى اذا وقف على رؤوسهم فاخذ قبضة من التراب و قال : شاهت الوجوه ثم حصبهم بها، فما اصاب رجلاً منهم من ذلك الحصى حصاة الا قتل يوم بدر كافراً.

قال الراوى وليس يخامرنا شك فى ان ام المؤمنين خديجة وفاطمة الزهراء لم يهدأ لهما بال حتى عاد اليهما نبى الله سالماً « ؛ (1)

بر او درود ، باز بر او درود باد او به حق و به راستى دختر پدرش بود چگونه چنين بود؟ گفته اند تعدادى از سرکشان مشرک در حجر ابراهيم کنار كعبه

ص: 90

اجتماع کرده و شروع به نیرنگ و حيله بودند آنان اتفاق کردند بر این که راهی برای محمّد جز به کشتن و تمام کردن دعوتش در زادگاهش نیست، حتی اگر در این راه متحمل جنگ سختی هم شوند که بنی عبد مناف و یاوران آنها بر ضدّشان برپا کنند چون به این نتیجه رسیدند تنها راه برای انجام و پیاده نمودن نقشه خود را این دیدند که همگی اجتماع کرده و همانند یک مرد متحد گردند، و چون محمد وارد مسجد الحرام شد دور او را گرفته و همگی بر سر او بریزند و به حدّی او را بزنند که بر زمین افتاده و کشته شود.

نفس های شرور آن ها بر این نقشه حقیرانه اطمینان یافت و بر آن هم پیمان شده و بر انجام آن قسم یاد کردند و بتهای نصب شده دور کعبه را بر آن

شاهد و گواه گرفتند این قصد خطرناکی برای کشتن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود.

این جا بود که شجاعت زهرا علیها السلام ظهور و بروز کرد فاطمه زهرا سخنانشان را شنید و از تدبیر آن ها آگاه شد، لذا با سرعت هر چه تمام به خانه پدرش آمد هنوز وارد خانه نشده بود که از گریه منفجر شد و خودش را در دامن خانم خدیجه ام المؤمنین انداخت و هر چه مادر خواست تا گریه طفلش را مانع شود نتوانست و صدایش بلندتر میشد تا آن که آن دو بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدند، و حضرت همانند همیشه با آرامش تمام که در آن طمأنینه موج میزد آن دورا پذیرفت آن کودک که هنوز به سن یازده سالگی از عمرش نرسیده بود شروع به سخن کرده و گفت: این جماعت از قریش بر ضد شما هم پیمان شده اند که اگر شما را مشاهده کنند به شما حمله ور شده و به قتل برسانند و هر کسی از آن ها در خون تو نصیبی داشته باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر را با آرامش گرفت و از دختر کوچکش خواست تا آبی بیاورد و وضو بگیرد. فاطمه آنچه را پدرش میخواست با سرعت فراهم کرد و چون حضرت وضو گرفت از منزل خارج شد و در حالی که هاله ای از هیبت و جلال او را احاطه کرده بود به طرف کعبه حرکت کرد و چون بر آن ها در مسجد وارد شد صورت های آنان سرخ شده و همگی از هیبت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چشم های خود را به زیر انداخته و به جهت خوفی که پیدا کرده بودند نقشه خود را فراموش نمودند و هیچ کس نتوانست که چشم خود را به سوی او بردارد

و چنان سرهای خود را به زیر انداختند که چانه هایشان به سینه هایشان رسید و این تصادف و برخورد عقل از سر آنان ربود و هیچ کس از جای خود برنخواست و این در حالی بود که حضرت همین طور در حالت حرکت آرام به سوی آن ها بود و چون بالای سر آنها ایستاد مشتی از خاک برداشت و فرمود صورت ها مشوه باد و آن را به طرفشان پاشید و به هر کسی از آن ها که سنگ ریزه ای از آن مشک خاک خورد در جنگ بدر در حال کفر به قتل رسید.

راوی میگوید شک نداریم که امّ المؤمنین خدیجه و فاطمه زهرا هیچ ناراحتی نکردند تا آن که پیامبر خدا سالم به سوی آنها بازگشت.»

ص: 92

در مورد محبت حضرت زهرا عليها السلام تعبيرات گوناگونی در کلمات علمای اهل سنت آمده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم؛

1 - لزوم محبت فاطمه زهرا عليها السلام

دکتر محمد عبد یمانی از نویسندگان اهل سنت می گوید:

«الحبّ في الله نعمة عظيمة ومنة كبيرة؛ لأنّ الله عزوجل قد جعل للمتحابين في الله درجة كبيرة ورفعة عظيمة وبركة و خيراً... فكيف اذا كان هذا الحبّ الله وفي محبة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وولآل بيته الكرام رضوان الله عليهم جميعاً. ثم كيف يكون الأمر اذا كان ذلك في شأن الزهراء البتول ام ايها ، التي احبها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و امر بحبها واعزّها و اكرمها و اجلها، وصرّح في أكثر من مناسبة أنّها بضعة منه ، يرضيه ما يرضيها و يبغضه ما يبغضها. هذه السيدة الفاضلة التي حفظ في نسلها النسب الشريف لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ولاشك ان شأن هذه السيدة عظيم وقدرها كبير، فقد اعزها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وقدرها و امر بوصلها و وصل بنيتها و ودهم و حبّهم ، وصرّح رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و اخذ يذكرنا : (اذكرم الله في آل بيتي ،

انّ هذه السيدة الفاضلة رضی الله عنها تستحق منا كل حب و تقدیر ؛ لأنّها بنت رسول الله ، ولأنّها المجاهدة الصابرة التي صبرت على الكثير من الأذى مع امها الشريفة الفاضلة في الشعب و بعد الشعب ، و في اذی قريش ، و لأنّها بنت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم الذي ينقطع كل نسب يوم القيمة الا نسبها الى رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم فقد قال عليه الصلاة والسلام: (ينقطع يوم القيمة كل سبب و نسب و نسب الا سببی و نسبی) و قد تبه الى حبّها و خطورة بغضها يوم قال له : (والذي نفسي بيده لا يبغضنا اهل البيت احد الا ادخله الله النار)...» (1)

«محبّت در راه خدا نعمت عظیم و ممت بزرگی است؛ زیرا خدای عزوجل برای کسانی که در راه خدا به یکدیگر محبت میورزند درجه بزرگ و بلندی عظیم و برکت و خیر قرار داده است... تا چه رسد به این که این محبت برای خدا و در مورد رسول او آل بیت کرام رسولش که خشنودی خداوند بر تمام آنان باد باشد. سپس امر چگونه می شود در صورتی که آن محبت در شأن زهرای بتول مادر پدرش ، باشد آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را دوست داشت و مردم را نیز به محبت او دستور می داد و او را عزت داده و تکریم و تجلیل می نمود و در مناسبت های بسیار تصریح کرد که فاطمه پاره ای از وجود اوست آنچه که فاطمه را خشنود کند او را خشنود کرده و آنچه که فاطمه را به غضب در آورد او را به غضب در آورده است. او سرور با فضیلتی است که در نسلش نسب شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حفظ شده است و شکی نیست که شأن این سرور عظیم و قدرش بزرگ است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را عزیز کرده و قدرش را بلند نموده و دستور به ارتباط با او و فرزندانش و دوستی و محبت آن ها داده است. و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تصریح کرده و شروع به تذکر دادن به ما نموده آنجا که میفرماید شما را در حق آل بیتم تذکر می دهم شما

را در حق آل بیتم تذکر می دهیم).

همانا این سرور با فضیلت رضی الله عنها از طرف ما مستحق هر محبت و تقدیر است؛ زیرا که او دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و او جهادگر صبوری است که بر آزار بسیاری همراه با مادر با شرف و با فضیلتش در شعب و بعد از آن و بر اذیت قریش صبر کرد؛ چرا که او دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که در روز قیامت هر نسبی به جز نسب او به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قطع خواهد همانگونه که او علیه الصلاة والسلام فرمود: (روز قیامت هر سبب و نسبی قطع میشود به جز حسب و نسب من) و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر از محبت به و خطر دشمنیاش داده روزی که فرمود: (قسم به خدا که جانم به دست هیچ کس ما اهل بیت را دشمن ندارد جز آن که خداوند او را به

دوزخ افکند)...».

2- ایمان در گرو محبت فاطمه زهرا علیها السلام

دکتر محمد عبده یمانی می نویسد:

«... أن حبّ الزهراء رضي الله عنها وارضاهما وبنيتها و آل البيت جميعاً قضية اساسية و مسألة ايمانية ؛ فهذا رسول الله له يقول : (ترکت فيکم ما ان تمسکتتم به لن تضلوا بعدى ابدًا ، کتاب الله و عترتی ، و انّهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ، فانظروا کیف تخلفونی فیهم). فهل نخلف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الا- بالحب والتقدير والاحترام والاجلال لآل بيته الكرام رضوان الله عليهم جميعاً ، و لهذه السيدة الفاضلة البتول النبيلة رضي الله

عنها وارضاه ، نحبها ؛ لأنّ الله عزوجل احبها ورسول الله احبها وعلمنا

و أمرنا بحبها.

هذا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یوصینا في الحديث الصحيح الذي یرویه ابن عباس رضي الله عنه عن النبي صلی الله علیه و آله و سلم احبّوا الله لما یغذوكم من نعمة ، و احبّونی

ص: 95

يحبّ الله ، و احبّوا اهل بيتي بحبي). (1) و من هنا كانت قضية الحبّ قضية اساسية في الله والله ، ولكنها مسؤولية كبيرة يتحسب الانسان لها و يتحسب لإيمانه عند ما تأتي في مجال حبّ آل بيت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و هذه السيدة الجليلة رضوان الله عليهم ... « (2) ؛

(... همانا محبت زهرا که خداوند از او راضی شود و او و فرزندان و تمام آل بی‌ش را رازی کند - قضیه ای است اساسی و مسأله ای است ایمانی این رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که می فرماید: (در میان شما چیزی گذاشتم که اگر به آن تمسک کنید هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و عترتم و این که آن دو از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند پس نظر کنید که چگونه حق مرا درباره آن ها مراعات خواهید کرد.) آیا مراعات حق او جز به محبت و تقدیر و احترام و تجلیل آل بیت کرام او که خشنودی خدا بر تمام آنان باد - نیست؟ و ما این سرور با فضیلت منقطع از هر بدی و موجود با ارزش که خدا از او راضی گشته و او را راضی نماید را دوست داریم؛ چرا که خدای عزّوجل او را دوست دارد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز او را دوست دارد و ما را یاد داده و به محبت او امر کرده است. این رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که ما را در حدیث صحیح وصیت می کند حدیثی که ابن عباس رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: (خدا را به جهت آن که از نعمتش به شما روزی می دهد دوست بدارید و مرا به جهت محبت خدا دوست بدارید و اهل بیت مرا به جهت محبت من دوست بدارید). و از این جاست که قضیه ای اساسی درباره خدا و برای خداست ولی مسئولیتی بزرگ است که انسان برای آن حساب باز کرده و نیز برای ایمانش حساب باز میکند و هنگامی که در مورد محبت آل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و این خانم با جلالت که خشنودی خدا بر آنان باد پدید می آید...».

ص: 96

1- مستدرک حاکم، ج 3، ص 150

2- أنّها فاطمة الزهراء، ص 302

3 - محبت فاطمه زهرا عليها السلام، به جهت الگوپذیری

دکتر محمد عبده یمانی دربارهٔ محبت فاطمه زهرا عليها السلام می گوید:

«و هذه المحبة خاصة تحتاج الى ميزان عدل و وعی و مسؤولية بابعاد هذا الحب، فنحن عندما نحب آل بيت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم نحرص على ان نجعلهم القدوة و الأسوة بالنسبة لنا، و عند ما نحبهم لابد ان نعرف أين نقف من ميزان الشرع الحنيف فنحب هؤلاء لحبنا لرسول الله صلى الله عليه و آله و سلم الذي ينطلق بنا الى حبنا الله؛ لان الله امرنا و وضع لنا عزوجل اننا اذا كنا نحب الله فعلى ان نتبع رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و بالتالي نتبع عتره الطاهرة الشريفة و صاحبته الكرام البررة الذين نقلوا الينا هذا الدين العظيم و علمونا ان نعص عليه بالنواجذ « قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ ... » (1)

«و این محبت به تنهایی احتیاج به میزان عدل و ظرفیت و مسؤولیت به ابعاد این محبت دارد ما هنگامی که آل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دوست می داریم حریص می شویم که آنان را الگو و پیشتاز خود نسبت به آنان کنیم، و هنگامی که آنان را دوست می داریم باید بفهمیم که در کجای میزان شرع حنیف بایستیم پس آنان را به جهت محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوست داریم، او که ما را به محبت خداوند رهنمون می سازد؛ زیرا خداوند عزوجل ما را دستور داده و برای ما واضح کرده که اگر بخواهیم خدا را دوست بداریم بر ماست که از رسولش پیروی کنیم و در نتیجه از عترت پاک و شریفش و صحابه کرام و نیکش پیروی، نمایم آنان که این دین با عظمت را به ما منتقل کرده و ما را تعلیم داده که به آن تمسک نمایم آنجا که فرمود: بگو اگر خدا را دوست دارید مرا پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد...».

ص: 97

4 - محبت فاطمه زهرا عليها السلام همراه با طاعت

دکتر محمد عبده یماننی دربارهٔ محبت حضرت زهرا عليها السلام و اهل بیتش عليهم السلام می نویسد:

«و الحبّ دون شك يبدأ بالاتباع والاقبال عليهم ؛ لانهم كما جاء في الحديث الشريف : (الا انّ اهل بيتی فيکم کمثل سفينة نوح من قومه ، من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق). (1) هذه السيدة الجليلة التي قال لها رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: (انّی و اياک و هذا الراقد و كان علیاً رضي الله عنه - و الحسن و الحسين يوم القيمة لفي مكان واحد). (2) و لا غرابة في ذلك ؛ لانّهم العترة الطاهرة...» (3)

«و محبت بدون تردید شروع میکنند به دستور به پیروی و اقبال بر آنان؛ زیرا

آنان کسانی هستند که در حدیث شریف دربارهٔ آنان گفته شده (آگاه باشید! که همانا اهل بیت من در میان شما همانند کشتی نوح در قومه می باشد هر کس سوار بر آن شود نجات یافته و هر کس از آن تخلف جوید غرق می شود). این خانم جلیل القدر که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره او فرمود: همانا من و تو و این علی رضی الله عنه که آر میده و حسن و حسین در روز قیامت در یک مکان هستیم و هیچ استبعادی در آن نیست زیرا که آنان عترت پاک اند...».

ص: 98

1- کشف الاستار، ج 3، ص 222، ج 2613، به نقل از مسند بزار

2- مسند احمد، ج 1، ص 101، ح 792

3- أنّها فاطمة الزهراء، ص 303.

فاطمه زهرا عليها السلام برتر زنان عالم بوده و کسی همتای او قبل و بعد از اسلام نیامده و نخواهد آمد و این مطلبی است که علمای اهل سنت نیز به آن اشاره نموده اند.

1 - برتری فاطمه زهرا عليها السلام بر حضرت مریم عليها السلام

آلوسی در ذیل آیه « وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ » (1) می گوید:

«وقیل : المراد نساء عالمها ، فلا یلزم منه أفضلیتها علی فاطمة رضی الله

تعالی عنها ویؤیده ما اخرجہ ابن عساکر من طریق مقاتل عن الضحاک عن ابن عباس عن النبی صلی الله علیه و آله وسلم انه قال : (اربع نسوة سادات عالمهن: مریم بنت عمران و آسیة بنت مزاحم و خدیجة بنت خویلد، و فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و افضلهنّ عالماً فاطمة و ما رواه الحرث بن اسامة في مسنده بسند صحيح لكنّه مرسل (مریم خیر نساء عالمها). والی هذا ذهب ابو جعفر رضی الله تعالی عنه ، وهو المشهور عن أئمة

ص: 99

اهل البيت، والذي اميل اليه ان فاطمة البتول افضل النساء المتقدمات و المتأخرات من حيث انها بضعة رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم بل و من حيثيات آخر ايضاً، ولا يعكر على ذلك الأخبار السابقة؛ لجواز ان يراد بها افضلية غيرها عليها من بعض الجهات وبحيثية من الحيثيات، و به يجمع بين الآثار. و هذا سائغ على القول بنبوة مريم ايضاً؛ اذ البضعية من روح الوجود وسيد كل موجود لا اراها تقابل بشيء. و أين الثريا يد المتناول»؛ (1)

«و گفته شده: مراد زنان عالم خودش میباشد، لذا لازم نمی آید از این آیه که حضرت مريم عليها السلام از فاطمه عليها السلام برتر باشد و مؤيد اين مطلب روايتی است که ابن عساکر از طريق مقاتل و او از ضحاک و او از ابن عباس از پیامبر صلى الله عليه وآله و سلم نقل کرده که فرمود چهار زن اند که بهترين زنان عالمشان بوده اند: مريم دختر، عمران و آسیه دختر مزاحم و خديجه دختر خويلد، و فاطمه دختر محمد صلى الله عليه وآله و سلم، و برتر آنان در عالم فاطمه است و آنچه را که حرث بن اسامه در مسندش به سند صحيح نقل کرده گرچه مرسل است که: مريم بهترين زنان عالم خودشان می باشد و رأی ابو جعفر -رض- همین است، و نیز این قول، رأی مشهور از امامان اهل بيت عليهم السلام است و رأی که من به آن ميل دارم این است که فاطمه بتول بهترين زنان گذشتگان و آیندگان است از حيث این که او پاره ای از وجود رسول خدا صلى الله عليه وآله و سلم است، بلکه از جهات ديگر نیز برتری دارد. و اعتنایی به اخبار پيشين نمی شود؛ زیرا ممکن است که مقصود از آن ها برتری غير فاطمه عليها السلام بر فاطمه از برخی جهات و به حیثی از حیثيات باشد. و از این طريق ميتوان بين روايات جمع نمود و این توجيه حتی با قول به نبوت مريم نیز سازگار است؛ زیرا عنوان پاره ای از روح وجود و سيد هر موجود بودن را نميبنيم که با چیزی برابری پیدا کند و چگونه دست کسی به ثريا می رسد».

ص: 100

2 - فاطمه زهرا عليها السلام برتر از عایشه

آلوسی در ادامه عبارت قبل می گوید:

«و من هنا يعلم افضليتها على عائشة - رض - الذاهب الى خلافها الكثير ؛ محتجين بقوله صلى الله عليه وآله وسلم : (خذوا ثلثي دينكم عن الحميراء) وقوله عليه الصلاة والسلام: فضل عايشة على النساء كفضل الثريد على الطعام. وبان عايشة يوم القيمة في الجنة مع زوجها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وفاطمة يومئذ فيها مع زوجها على كرم الله تعالى وجهه ، و فرق عظيم بين مقام النبي صلى الله عليه وآله وسلم ومقام على كرم الله تعالى وجهه.

و انت تعلم ما في هذا الاستدلال و انه ليس بنص على افضلية الحميراء على الزهراء و اما اولاً : فلان قصارى ما في الحديث الاول على تقدير ثبوته اثبات أنها عالمة الى حيث يؤخذ منها ثلثا الدين، وهذا لا يدل على نفي العلم المماثل لعلمها عن بضعته عليه الصلاة والسلام و لعلمه صلى الله عليه وآله وسلم أنها لا تبقى بعده زمناً معتداً به يمكن اخذ الدين منها فيه لم يقل فيها ذلك ، و لو علم لربما قال : خذوا كل دينكم عن الزهراء وعدم هذا القول في حق من دلّ العقل والنقل على علمه لا يدل على مفضوليته و الا لكانت عائشة افضل من ابوها - رض - ؛ لأنه لم يرو عنه في الدين الا قليل ... » ؛ (1)

«و از اینجا برتری فاطمه عليها السلام بر عایشه - رض - دانسته می شود، امری که بسیاری به خلاف، رفته اند و به گفتار پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم احتجاج میکنند که فرمود: (دو سوم دینتان را از حمیراء [عایشه] بگیرد) و این که فرمود: (فضیلت عایشه بر زنان همانند فضیلت آبگوشت بر سایر غذاها است). و اینکه عایشه

ص: 101

1- همان.

در روز قیامت به همراه همسرش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است ولی فاطمه در آن روز در بهشت همراه علی کرم الله تعالی و جبهه است و فرقی بزرگ بین مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مقام علی کرم الله تعالی و جبهه است.

و تو می دانی آن چه را که در این استدلال از ضعف می باشد و این که این استدلال نصّ بر افضلیت و برتری حمیراء بر زهرا علیها السلام نیست.

اما نسبت به دلیل اول؛ زیرا نهایت چیزی که در حدیث اول است بر فرض ثبوت آن اثبات این است که عایشه زنی است عالمه به حیثی که می توان از آن دو سوم دین را اخذ نمود و این دلالت بر نفی همین مقدار علم از پاره وجودش صلی الله علیه و آله و سلم نمیکند به جهت این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می دانست که بعد از وفاتش فاطمه علیها السلام مدت چندانی باقی نمی ماند که بتوان از او در آن مدت اخذ دین کرد. لذا چنین تعبیری درباره او فرمود و اگر می دانست که چنین عمری دارد می فرمود تمام دینتان را از زهرا علیها السلام بگیرید و نگفتن این تعبیر در حق کسی که عقل و نقل دلالت بر علمش دارد دلیل بر عدم برتری و مفضولیت او نیست، وگرنه لازم میآید که عایشه از پدرش برتر باشد؛ زیرا در مسایل دینی از او به جز اندکی روایت نقل نشده است...».

و نیز آلوسی در ادامه بحث می گوید:

«لقلّة لبثه و كثرة غائلته بعد رسول الله . على ان قوله عليه الصلاة و السلام : (أنتي تركت فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي لا يفترقان حتى يردا على الحوض) يقوم مقام ذلك الخبر و زيادة - كما لا يخفى - كيف لا و فاطمة رضی الله تعالی عنها سيدة تلك العترة؟! »

و اما ثانياً : فلان الحديث الثاني معارض بما يدلّ على افضلية غيرها انه رضی الله تعالی عنها عليها ، فقد اخرج ابن جرير عن عمار بن سعد قال : قال لي رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : (فضلت خديجة على نساء امتي كما فضلت مريم على نساء العالمين). بل هذا الحديث اظهر في الأفضلية و اكمل في المدح عند من انجاب عن عين بصيرته عين التعصب و التعسف ؛ لان

ذلك الخبر وان كان ظاهراً في الأفضلية، لكنه قيل ولو على بعد : انّ (ال) في النساء فيه للعهد والمراد بها الأزواج الطاهرات الموجودات حين الاخبار ، ولم يقل منك ذلك في هذا الحديث.

و اما ثالثاً : فلأنّ الدليل الثالث يستدعي ان يكون سائر زوجات النبي الله صلى الله عليه وآله وسلم افضل من سائر الأنبياء والمرسلين عليهم الصلاة والسلام ؛ لانّ مقامهم بلاريب ليس كمقام صاحب المقام المحمود ، فلو كانت

الشركة في المنزل مستدعية للأفضلية لزم ذلك قطعاً ولا قائل به.

وبعد هذا كله الذي يدور في خلدی ان افضل النساء فاطمة ، ثم امها ، ثم عائشة. بل لو قال قائل : أنّ سائر بنات النبي صلى الله عليه وآله وسلم افضل من عائشة لا ارى به بأساً.

وعندى بين مريم وفاطمة توقف ؛ نظراً للأفضلية المطلقة ، و اما بالنظر الى الحيثية فقد علمت ما اميل اليه. وقد سئل الامام السبكي عن هذه المسألة فقال : الذي نختاره وندين الله تعالى به ان فاطمة بنت محمد صلى الله عليه وآله وسلم ، افضل ، ثم امها ، ثم عائشة ، ووافقه في ذلك البلقيني ... » .

(زيرا او بعد از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم مقدار کمی زندگی کرده و بسیار گرفتار مسایل سیاسی بود.

علاوه بر این حدیث پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم که فرمود: (من در بین شما دو چیز گرانبها می گذارم؛ کتاب خدا و عترتم اینها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر من در کنار حوض بازگردند به جای آن خبر مینشینند، بلکه همانگونه که مخفی نیست بلکه دلالت بر مقام و بر معنای بیشتری دارد، چگونه چنین نباشد در حالی که فاطمه - رضی الله تعالی - بزرگ آن عترت است ؟ !

و اما دوم زیرا حدیث دوم تعارض دارد با آنچه که دلالت بر برتری غیر عایشه رض بر او دارد؛ چرا که ابن جریر از عمار بن سعد روایت کرده که گفت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم به من فرمود: (خدیجه بر زنان امتم برتری داده شد همانگونه که مريم بر زنان عالم برتری داده شده است)، بلکه این حدیث در

برتری ظاهر تر بوده و در مدح کامل تر است نزد کسی که از جلوی چشمانش پردهٔ تعصب و زورگویی را برداشته است؛ زیرا آن خبر گرچه ظهور در برتری دارد ولی گفته شد گرچه به وجه بعید این که الف و لام در (النساء) برای عهد است و مقصود به آن همسران پاک است که هنگام اعلام این خبر موجود بودند و مثل آن در این حدیث گفته نشده است.

و اما سوم زیرا دلیل سوم مستلزم آن است که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دیگر انبیا و رسولان علیهم السلام برتر باشند؛ چراکه مقام آنها بدون شک همانند مقام صاحب مقام پسندیده نیست؛ لذا اگر شرکت و همنشینی در منزل مستلزم برتری است این مطلب به طور قطع لازم می آید در حالی که کسی به این مطلب قایل نیست

بعد از تمام این، امور، آنچه که در ذهن من می آید این است که برترین زنان

فاطمه، است و بعد از او در فضیلت مادرش خدیجه است و سپس عایشه بلکه اگر کسی بگوید دیگر دختران پیامبر از عایشه برترند حرف گزافی نگفته است و نزد من بین مریم و فاطمه توقف است، به جهت برتری مطلق که دارد، ولی از نظر حیثیت آنچه که نظر من است را دانستی از امام سبکی در این باره سؤال شد او گفت اختیار من و آنچه را که نزد خدای متعال به آن متدین می باشم این که فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم برتر است و سپس مادرش و آن گاه عایشه و در این موضوع بلقینی با من موافق است...».

یکی از راه های دعوت عموم مردم به حق و حقیقت دادن الگوهای صحیح و کامل به جامعه است و فاطمه زهرا عليها السلام از بین زنان بهترین الگوی زندگی برای زنان و حتی در بسیاری از موارد برای مردان تا روز قیامت است، امری که همه به آن اعتراف دارند. اینک به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم؛

1- لزوم بررسی سیره حضرت زهرا عليها السلام

احمد خلیل جمعه از نویسندگان اهل سنت در این باره می نویسد:

«و ليتني استطيع كتابة حياة الزهراء على اوراق الورد بفتات المسك ، لتكون سيرتها حياة كل بيت و تكون معالمها في كل وردة تفوح منها ، رائحة المسك ، وليس هذا فحسب، بل لتكون سيرتها قدوة لكل تريد امرأة ضاة الله عزّوجلّ في هذه الحياة الدنيا ، لتفوز بنعيم الدار الآخرة. ان سيرة نساء اهل البيت خير زاد لنساء الدنيا في كل الأزمان ، حيث تجعل القلوب تتدفق بنور اليقين، وتتصل بحبل من التقى و التقوى ، بأولئك اللاتي نُظْمَنَ في عقد فريد ، ونُلنّ التشريف بالارتباط في بيت النبوة الكريم، فكنّ سادة النساء في دنيا السيادة الزهراء ، فاطمة بنت

امام المتقين رسول الله محمد صلى الله عليه وآله وسلم بن عبدالله بن عبدالمطلب القرشية الهاشمية، التي يطيب الحديث عنها ومعها اليوم.

فهى ریحانة البيت الطاهر الذى احله الله عزوجل مكانة رفيعة في قلوب المؤمنين، ونفوس المحبين و هي سيدة نساء العالمين في زمانها، البضعة النبوية، و الجهة المصطفوية، ام الحسنين رضي الله عنها وارضاهها «(1)

«وای کاش می توانستم درباره زندگی زهرا بر روی برگهای گل با ذرات مشک، بنویسم تا سیره او زندگی تمام خاندان رسالت باشد و فضایلش در هر گلی بوی مشک از آن برخیزد و نه به خاطر این جهت به تنهایی بلکه به جهت آن که سیره او الگویی برای هر زنی باشد که رضایت خداوند عزوجل را در این زندگی دنیا اراده می کند تا به فوز نعمت خانه آخرت فائز گردد.

همانا سیره زنان اهل بیت بهترین زاد و توشه برای زنان دنیا در هر زمان است؛ چرا که سیره او قلب ها را به نور یقین روشن کرده و به ریسمانی از خداترسی و تقوا متصل می سازد، به آن کسانی که از گوهر یکتا به نظم درآمده و با ارتباط در خاندان نبوت کریم به شرافت نایل گشته اند و آنان به سروران زنان در دنیای سروری نایل شده اند.

زهرا، فاطمه دختر امام پرهیزکاران، رسول خدا محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب، قرشی هاشمی، است کسی که سخن گفتن از او و با او امروزه بسیار خوب و به جاست.

او که دسته گل خاندان طاهری است که خداوند عزوجل او را در مقام بلند در

قلبهای مؤمنین و نفسهای محبین قرار داده است و او سرور زنان عالمیان

در زمان خودش میباشد او پاره ای از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جهت مصطفوی و مادر حسن و حسین است که خدا از او راضی و او را راضی گرداند.

ص: 106

«... وهل هناك تحفة ائمن او عطية اغلى او هدية اجمل من حياة فاطمة الزهراء؟! ان حياتها مرآة لكل فتاة في عفتها وطهرها وفرط ذكائها وكمال فطنتها وقوة، فهمها وعجيب ادراكها كلها عطاء و اى عطاء. وكيف لا وهي ومضة من نور عين المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم، تربت في مدرسة النبوة، وفطرت على خلق سما في الذروة العلياء، ولقد صدق القائل:

هي اسوة للأمهات وقدوة*** يترسم القمر المنير خطاها

وكيف لا وهي (ام ايها) (البتول) «؛ (1)

«... و آیا در این جا تحفه ای گران تر یا عطایی با ارزش تر یا هدیه ای زیباتر از زندگانی فاطمه زهرا وجود دارد؟ همانا زندگانی او آینه ای است برای هر دختری در عفت و پاکبازي و شدت ذکاوت و کمال زیرکی و قوت فهم و درک عجيب و همه اینها عطاست و چه عطایی چگونه چنین نباشد در حالی که فاطمه زهرا پرتویی از نور چشم مصطفی است که در مدرسه نبوت تربیت یافته و بر اخلاقی رشد کرده که در اوج بزرگی بالا رفته است. و راست گفته گوینده او الگوی مادرها و مقتدای آنان است ماه منیر گام هایش را ترسیم می نماید. و چگونه چنین نباشد در حالی که او مادر پدرش می باشد که از بدیها منقطع شده است».

دکتر محمد عبده یمانی از نویسندگان اهل سنت عربستان در مقدمه کتاب خود «انها فاطمة الزهراء علیها السلام» می نویسد:

« انّها السیدة الجلیلة فاطمة الزهراء ، البضعة الطاهرة المباركة ، الابنة البارة ، والمجاهدة الصابرة ، أنّها فاطمة البتول ، فاطمة هي فاطمة.

عندما تسترجع نسبها يأتي السؤال الكبير : هي ابنة من ؟ هي زوج منه ؟

ص: 107

هي أم من؟ من ذا يضاهاى فى الفخار والنسب الطاهر الشريف أباهأ صلى الله عليه وآله وسلم او امها خديجة الكبرى رضى الله عنها؟

انها فاطمة الزهراء ، والاصل العريق وسلالة العترة النبوية الكريمة انّها

ام ابوها كل ما فيها يشبه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ، وكانت احب الناس الى قلبه وكلّهم احباب لديه.

وهذا الكتاب عن السيدة فاطمة التي حفظ فيها النسب الشريف الرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ، هذه الانسانية العظيمة التي تعتبر سيرتها وتاريخها ومسيرة حياتها جزءاً أساسياً من سيرة المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم. وقصة الاسلام، فقد وقفت مع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وكافحت معه وتحملت الأذى وحرصت على ان تكون طوع يديه ورهن اشارته تخدمه وترعاه بعد وفاة والدتها رضوان الله عليهم جميعاً.

هذه السيدة الجليلة عندما نتحدث عن تاريخها نستعرض جزءاً أساسياً من تاريخ الامة الاسلامية منذ المحنة، الاولى منذ سنوات الكفاح الأولى فى مكة، وظلم قريش، وقسوة قريش ، وعنت قريش ، وهي بجوار ابوها شجاعة، قوية ، مطيعة ، مؤدبة ، حافظة....

عندما اتحدث عن السيدة فاطمة في كتابي هذا احاول بكل جهدى ان اضع الحقائق امام الناشئة فى غير ما غلوا ولا تهويل ؛ لان تاريخ هذه السيدة الفاضلة ملئ بالأحداث العظام والمواقف المشرفة والاخلاق النبيلة والكفاح الصادق .

ويكفينا شرفاً ان نضع الرواية الصحيحة ونلقى الضوء عليها ونسقطها، ثم نسعى الى ربط الناشئة بحياة السيدة الجليلة ، وندلهم ونأخذ بأيديهم

حتى يعرفوا من هي فاطمة ؟ ما الدور الذي قامت به ؟ ما تلك المواقف

المشرفة العظيمة التي مرت بها فى حياة الدعوة الاسلامية وهي صابرة صادقة محتسبة سعيدة بالمشاركة فى كل تلك الأحداث. ثم نلقى الضوء

على الفترة التي تلت المحنة في مكة المكرمة وكيف كانت رضوان الله عليها بجواره صلى الله عليه وآله وسلم في المدينة فاستحقت اللقب الذي منحها اباه : (فاطمة أم أبيها). فقد كانت اشبه ما يكون به في مشيتها وفي جلستها ، بضعة من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم...» (1)

«او همانا سرور جلیل القدر فاطمه زهرا پاره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، پاک و مبارک ، دختر ، نیکوکار جهادگر صبور بود ، آری اوست فاطمه ، بتول ، فاطمه همان فاطمه است. هنگامی که به سراغ نسب او می رویم این سؤال بزرگ پدید می آید که او دختر کیست ؟ او همسر کیست ؟ او مادر کیست ؟ چه کسی همانند او در افتخار و نسب پاک شریف پدر و مادرش خدیجه کبری رضی الله عنها بوده است ؟ آری او به طور قطع فاطمه زهراست با اصل ریشه دار و سلاله عترت نبوی کریم او مادر پدرش بود و تمام کارهایش شبیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و محبوب ترین افراد به قلب او گرچه همه افراد نزد او محبوب بودند. و این کتاب درباره خانم فاطمه است که در او نسب شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حفظ شده است این انسانیت عظیم که سیره و تاریخ و مسیر زندگی گویای جزئی اساسی از سیره مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است و قصه ، اسلام ، او همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و با او به اسلام خدمت می نمود و اذیت و آزار را تحمل میکرد و حرص شدید داشت که فرمانبردار او بوده و در گرو اشاره اش باشد و به او خدمت کرده و بعد از وفات مادرش که خشنودی خداوند بر همه آنان باد او را مراعات کند. این سرور جلیل القدر هنگامی که از تاریخ آن سخن می گوئیم جزء اساسی از تاریخ امت اسلامی از محنتهای اولش را عرضه می داریم از سالهای اولی سخن می گوئیم که در مکه درگیر بود از ظلم قریش ، از قساوت قریش ، و سرکشی آنان و فاطمه در جوار پدرش با شجاعت تمام قوی ، مطیع ، مؤدب و با حافظه و... بود. هنگامی که من درباره فاطمه زهرا در این کتاب سخن میگویم با تمام تلاش قصدم این است که حقایق را در برابر خوانندگان قرار دهم بدون هیچ تندی

ص: 109

و کندرویی؛ زیرا تاریخ این خانم دانشمند مملو از حوادث بزرگ و مواقف شریف و اخلاق نیک و نبردی راستین است و ما را در شرف بس است این که صحیح در برابر خود گذاشته و درباره آن سخن گفته و آن را گسترش دهیم و سپس زندگی مردم را به زندگی این خانم جلیل القدر مرتبط سازیم و آن ها را راهنمایی کرده و دستشان را بگیریم تا بشناسند که فاطمه کیست و موقعیتی آن که بدان قیام نمود چه بود؟ آن مواقف شریف عظیم که آن حضرت در زندگی دعوت اسلامی همراه با صبر، صداقت، کار برای خدا کردن با سعادت، با مشارکت در آن وقایع داشت چه بود؟ آنگاه آن قسمت از زندگانی را که همراه با محنت در مکه بود را بررسی نماییم و این که چگونه آن حضرت رضی الله علیها در کنار پدرش در مدینه بود و مستحق لقبی شد که -

پدرش به او داد فاطمه مادر پدرش آری فاطمه شبیه ترین مردم به رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم در راه رفتن و نشستن بود او پاره ای حضرت به حساب می آمد...».

2 - برتری فاطمه زهرا علیها السلام

جلال الدین سیوطی در کتاب «اتمام الدرایة لقراء النقایة» می نویسد:

«و نعتقد ان افضل النساء مریم بنت عمران و فاطمة بنت النبی صلی الله علیه و آله و سلم ، روی الترمذی و صححه » ، [\(1\)](#)

«و ما معتقدیم که برترین زنان مریم دختر عمران و فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است این روایت را ترمذی روایت کرده و تصحیح نموده است.»

ابن حجر عسقلانی در کتاب «تقریب التهذیب» می نویسد:

«فاطمة الزهراء بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ام الحسنین، سيدة نساء هذه الأمة...» [\(2\)](#).

«فاطمه زهرا دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، مادر حسن و حسین سرور زنان این امت...».

ص: 110

1- اتمام الدرایة لقراء النقایة ، ص 18 ، دار الکتب العلمیة، بیروت.

2- تقریب التهذیب، ص 292، چاپ دهلی

عبدالرؤف مناوی شافعی از سبکی نقل کرده که می گوید:

« الذس نختاره و ندين الله به : ان فاطمة افضل ، ثم خديجة ، ثم عائشة. قال : ولم يخف عنا الخلاف في ذلك ، و لكن اذا جاء نهر الله بطل نهر العقل . قال الشيخ شهاب الدين ابن حجر الهيتمي : ولوضوح ما قاله السبكي تبعه عليه المحققون ، و ممن تبعه عليه : الحافظ ابو الفضل ابن حجر ، : فقال في موضع هي مقدمة على غيرها من نساء عصرها و من بعد هن مطلقاً» (1)

«آنچه را که من اختیار کرده و نزد خدا به آن متدین میشوم این که فاطمه برتر زنان است سپس ، خدیجه و بعد از او عایشه او گفت: از ما قول مخالفی در این مسأله باقی نمانده است ولی چون نهر خدا آمد نهر عقل باطل می گردد. شیخ شهاب الدین ابن حجر هیتمی گفته و به جهت واضح بودن آنچه را که سبکی گفته محققان او را پیروی کرده اند و از جمله کسانی که او را متابعت نموده حافظ ابوالفضل ابن حجر است که در جایی گفته: فاطمه زهرا بر دیگر زنان عصرش و کسانی که بعد از او آمده اند به طور مطلق برتری دارد».

احمد تیسیر کعید می گوید:

«و یکفینا شرفاً انّ الله يغضب لغضبها و يرضى لرضاها. فقد روى الطبرانی و غيره باسناد حسن عن على ان رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم قال لفاطمة : (انّ الله يغضب لغضبك و يرضى لرضاك). فهي سيدة نساء هذه الأمة ، و الأمة المحمدية خير الأمم ، فلزم ان تكون سيدة نساء كل الامم» ؛ (2)

«و بس است ما را از حیث شرف این که خداوند به غضب او غضبناک و در رضایت او راضی میشود طبرانی و غیر او به سند حسن از علی روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه فرمود: همانا خداوند به غضب تو غضبناک و در

ص: 111

1- اتحاف السائل، ص 85 و 86

2- الزهراء، قدوة و مثل، ص 11.

رضایت تو راضی میگردد. پس فاطمه سرور زنان این امت است و امت محمدی بهترین امت هاست لذا لازم می آید که او سرور زنان امت ها باشد».

دکتر محمود عکام می گوید:

«... و السيدة فاطمة لم تعش زمناً دون زمن ، بل تمتد مع كل الزمن امتداد ايها المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم ؛ لأنها البضعة والأم و المحتوى والمنجب فليتني كنت معها فانصرها و شعوري هذا قائم معي الآن ليتحوّل الى اتباع ، و اقتداء و سيمتد الى المستقبل وصية لكل المسلمين من اجل المتابعة على الطريق و بذل الجهود لتحديد و تثبيت نقاط الالتقاء والوحدة. و اينا ينكر دور وحدة الولاة في الاتحاد والإخاء ؟ ان لم نقل انه الأس الأكبر» (1)

«... خانم فاطمه کسی نیست که در زمان خاصی زندگی کرده باشد بلکه او همراه با زمان و در همه زمان ها بوده است همراه پدرش در طول تاریخ اسلام؛ زیرا او پاره تن و مادر و در بردارنده و انتخاب شده رسول خدا بود ای کاش با او بودم و او را یاری می کردم و شعورم الآن همراه من است تا مرا به پیروی و اقتدای به او متحول سازد و زود است که تا آینده به عنوان وصیتی برای تمام مسلمانان امتداد یابد که این راه را پیروی کرده و کوشش خود را به کار بسته تا به نقطه ملاقات و وحدت تثبیت و مشخص گردد و کدامیک از ما می تواند موقعیت وحدت و لاء را در اتحاد و برادری انکار کند اگر نگوییم که این عمل بزرگترین اساس است».

3 - فاطمه زهرا عليها السلام بهترین الکو

احمد خلیل جمعه در این باره می نویسد:

«و لورحنا تتبع فضائل فاطمة الزهراء التي هي منبع فضائل نساء

ص: 112

1- الزهراء عليها السلام بين الثناء والولاء، ص 14 و 15.

اهل البيت النبوی ، لما وسعنا المقام لذكرها، ولكنّها اكتفينا بما أوردناه من غرر مآثرها وفضائلها التي عطّرت الأفواه والأسماع و بوركّت فيها الاوقات والساعات و انتفعت بسيرتها و فضائلها نساء الدنيا و رجالها. و نرجو الله عزوجل ان تكون سيرتها قدوة لنا ولأهلنا ، كيما نفوز مع من فاز بحبّ اهل البيت النبوی الذي اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً؛ (1)

«اگر بخواهیم فضایل فاطمه زهرا را که منبع فضایل زنان اهل بیت نبوی است پیگیری نماییم هرگز مقام جای ذکر آن را ندارد ، ولی به نمونه های بارزی از آثار و فضایل آن حضرت اکتفا می کنیم که زبان ها و گوش ها را عطر آگین نموده و اوقات و ساعات در آنها مبارک شده و به سیره و فضایل ،فاطمه زنان و مردان دنیا بهره برده اند

و از خدای عزوجل میخواهیم که سیره او الگویی ما و اهل بیتمان باشد تا به فوز کسانی که با محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فوز [اعلی] رسیده اند، برسیم، به اهل بیتهی که خداوند تمام انواع پلیدی ها را از آنان دور کرده و به طهارت مطلق رسانده است.

عبداللطیف عاشور از نویسندگان مصری در مقدمه کتاب «اتحاف السائل بما لفاطمة من المناقب» می نویسد:

«... ان خير ما يقدم للمسلمين في حاضرهم حياة فاطمة الزهرا - عليها السلام - ففي ولادتها و تسميتها و محبة ايها لها درس للآباء والأمهات. وفي تزويجها و جهازها حلّ لكثير من المشكلات، و في فضائلها و خصائصها و مزاياها اصلاح و علاج لكثير من الأخلاقيات. و في بناء المصطفى عليها و اهتمامه بها و تنويها بذكرها و تعليمه اياها و تأديبه و تهذيبه لها

ص: 113

دروس لكل الفتيات المسلمات وفيما روته من الأخبار وانشأته من الأشعار مثل اعلى لكل البنات الأدبيات...»؛ (1)

«... همانا بهترین چیزی بهترین چیزی که در حال حاضر به مسلمانان عرضه میشود زندگانی فاطمه زهرا صلی الله علیه و آله و سلم است؛ زیرا در ولادت او نامگذاری اش و محبت پدرش به او درسی است برای پدران و مادران و نیز ازدواج او و جهازی هاش حل بسیاری از مشکلات می باشد و نیز در فضایل و خصایص و مزایایش اصلاح و علاج بسیاری از مشکلات اخلاقی است و در تکیه کردن مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم بر او و اهتمامش به آن حضرت و بلند نمودن یادش و تعلیم به او و تأدیب و تهذیبش درس هایی است برای تمام دختران مسلمان و نیز در آنچه از اخبار روایت کرده و از اشعار انشاء نموده بالاترین مثلی است برای دختران ادیب...».

سلیمان کتانی نویسنده مسیحی درباره الگو بودن حضرت زهرا علیها السلام می نویسد:

«انّ امرأة كفاطمة رهيفة الحسّ، ذكية المعدن، كبيرة القلب، نيرة اللب، حری ان یکتب فیها ابرازاً، لمثال و تجسیداً لقدوة. ان المجتمعات العربية لفی حاجة لبناء الأسرة الفاضلة، تدعیماً لکیان اجتماعی ناضج یكون امتداداً صحیحاً لتاریخها الماضي المجید...» . (2)

«همانا زنی همچون فاطمه که دارای حسی، لطیف معدن، پاک قلبی بزرگ و عقلی نورانی دارد سزاوار آن است که درباره او کتاب نوشته شود تا تمثال او اظهار گشته و به عنوان الگو معرفی گردد همانا مجتمعات عربی احتیاج به ساختن خانواده فاضل و نیکی دارد تا از این طریق موقعیت اجتماعی پویایی خود را پشتیبانی نمایند موقعیتی که امتداد خط صحیح برای تاریخ گذشته پسندیده او است...».

ص: 114

1- اتحاف السائل، محمد عبد الرؤف مناوی، ص 5 و 6، چاپ ریاض

2- فاطمة الزهراء وتر فی غمد سلیمان کتانی، ص، 21، دارالکتاب العربی، بیروت، 1399 هـ.--.

اونيز دربارہ فاطمہ زہرا علیہا السلام خطاب بہ زنان عالم می گوید:

« الى كل امرأة تفتش عن مرود، عن قارورة طيب، عن ريشة خضاب، اقدم فاطمة الزهراء »؛ (1)

«به همه بانوانی که به دنبال یافتن سرمه دان شیشه ادکلن رنگ مو هستند

فاطمه زهرا را تقدیم می کنم».

مجدی فتحی سید در مقدمه کتاب «الثغور الباسمة في مناقب فاطمة» از جلال الدین سیوطی درباره فاطمه زهرا علیها السلام می نویسد:

« أنها البضعة المباركة، و السلالة الطاهرة الصابرة الخيرة، كانت قانتة

لربها، قانعة، ولنعمه شاکره

امها خدیجه بنت خویلد الشریفة العفیفة، الطاهرة، النقیة، تحملت الأذى مع ابیها صلی الله علیه وآله وسلم في بدء الدعوة للإسلام، فصبرت على البلاء، وتحملت الكثير من المحن والمصائب.

و تزوجها على رضی الله عنه، و ما كان لهما من فراش سوى جلد كبش،

و باللیل ینامان علیه، و بالنهار یجعلانه وسادة.

و كانت تعمل في خدمة زوجها لتعلم النساء حسن التعبل لرجالها. عانت من شطف العیش، و شدة الحاجة، و قسوة البيئة. ولكن كانت حاملة الأمانة، صادفة الرسالة. فإلى كل امرأة مسلمة تبحث عن القدوة من بنات جنسها والى كل امرأة مسلمة تريد ان تعلم معنى الصبر والتحمل، والى كل مسلمة تريد ان تعرف معنى البساطة في تكاليف الحياة، الى هؤلاء جميعاً هذه الصفحات الطيبة، هذه الثغور الباسمة، و الباقیات الطيبة ستظل النساء المسلمات ابداً ترى القدوة

ص: 115

1- فاطمة الزهراء وتر في غمد سليمان كتاني، ص 22

«فاطمه پاره تن مبارک از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سلاله پاک صبور خیرخواه بود او مطیع پروردگار و قانع در روزی و شکرگزار نعمت هایش بود.

مادرش خدیجه دختر خویلد زنی، شریف، عفیف پاک و پاکیزه بود و در ابتدای دعوت اسلام همراه پدرش آزارها دید و بر بلاها صبر نمود و بسیاری از محنت ها و مصیبت ها را تحمل کرد.

علی رضی الله عنه با او ازدواج نمود و آنان زیر اندازی جز یک پوست گوسفند نداشتند که شب ها بر روی آن می آرمیدند و روزها آن را پستی خود می کردند فاطمه برای خدمت به همسرش می کوشید تا به زنان خوب شوهرداری تعلیم دهد.

آن حضرت از زحمات زندگی و شدت احتیاج و قساوت قومش مصیبت ها کشید ولی در عین حال امانتدار و در رسالتش صادق بود. پس به هر زن مسلمانی که به دنبال جستجو از الگویی از جنس خودش میباشد و به هر زن مسلمانی که میخواهد ساده زیستی در تکالیف زندگی را بفهمد، به تمام این زنان این صفحات، پاک این لب های شکفته و دسته های گل خوشبو [فاطمه را تقدیم می کنم] زود است که زنان مسلمان تا ابد در فاطمه رضی الله عنها الگو و اسوه خود را بیابند...».

احمد تیسیر کعید از نویسندگان سنی مذهب سوری درباره حضرت زهرا علیها السلام می نویسد :

«و لیس من قبیل التواضع ان اعترف بعجزی و تقصیری فی کلماتی هذه ؛ لان الحدیث عن شخصية رائدة فريدة عظيمة مثل شخصية الزهراء رضی الله عنها يحتاج صاحبه الى بحث دقیق ، و جهد كبير ، و فهم متميز ، لیستطیع ان یتخلص من الكلمة موقفاً ، و من الاشارة سلوكاً فوق هذا وذاك يحتاج الى قلب ، قلب ینبض بالحبّ ، و یتفجر بالعطاء،

ص: 116

الحب الخالص لآل بيت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، ابتداءً بالسيدة الطاهرة المطهرة صلى الله عليه وسلم رضي الله عنها.

و العطاء، العطاء الذي يترجم بالايثار والتضحية والفداء، ذاك الحب الذي اذا ما سكن الفؤاد وجرى مع الدماء سما بصاحبه، فاضاء القلب بالنور والذهن، بالعرفان وفجر الفكر بالالهام، والعقل بالكشف والإبداع، وملك صاحبه قياد المعاني، ووضح له دلالة، و ابعاد الكلمات، تلك الكلمات المشرقة التي بين فيها رسول الله صلى الله عليه وسلم منهج وطريق اهل البيت رضوان الله عليهم، وخص فيها السيدة البتول، لتكون قدوة ومثلاً لكل فتاة مؤمنة برّبها، باحثه عن طريق السعادة في الدنيا لتتعم بخلودها وديمومتها في الآخرة.

و عذرها أنّها نبضات قلب محبّ، يا طالما طار شغفاً وارتعش شوقاً وحنيناً لذكر آل البيت الطيبين الطاهرين نبضات ترجمت في همسات اخذت شكل، حروف توجّهت تلك الحروف في كلمة فكانت فاطمة قدوة ومثلاً لكل من تبحث عن الطريق «؛ (1)

«از باب تواضع نیست اگر به عجز و تقصیر در این کلمات اعتراف کنم؛ زیرا سخن در مورد شخصیت نورانی و نمونه و بزرگواری چون شخصیت زهرا رضی الله عنها، صاحبش احتیاج به بحث دقیق و کوشش بسیار و فهم عالی دارد تا بتواند با اخلاص از کلمه موقفی و از اشاره سلوکی به خود بگیرد. و بالاتر از این و آن احتیاج به قلبی دارد قلبی که به محبت بتبد و به عطا شکوفا، گردد، محبتی خالص برای آل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که شروعش از خانمی پاک و پاکیزه رضی الله عنها است.

و عطا عطایی که ترجمان ایثار و جانفشانی و فدکاری است؛ آن محبتی که اگر در دل بنشیند و با خون جریان یابد صاحبش را بالا خواهد برد و قلب را به

ص: 117

نور و ذهن را به معرفت روشن خواهد نمود و فکر را به الهام و عقل را به کشف و ابداع خواهد رسانید و صاحب آن را مالک معانی و برای او راهنمایی و ابعاد کلمات را واضح خواهد نمود آن کلمات نورافزا که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روش و راه اهل بیت رضوان الله علیهم را بیان داشته و در آن سرور بتول را اختصاص داده تا الگو و نمونه ای برای هر دختر مؤمن به پروردگارش باشد که به دنبال راه سعادت در دنیا است تا به نعمت خلود و دائمی آن در آخرت برسد. عذر ما این است که تپشهای قلب ما ضربان قلب محبتی است که چه بسا مدت ها در محبت به پرواز درآمده و شوقش در ارتعاش بوده و زمانی نیز متمایل به یاد اهل بیت پاک و پاکیزه شده است تپش هایی پیاده شده در ضربانی که شکل حروف به خود گرفته و آن حروف در قالب کلمه ای به نام (فاطمه) درآمده است او که مقتدا و مثالی است برای هر کسی که راه حق و حقیقت را جستجو می کند».

او نیز در این باره میگوید

«كثيرة هي الأسماء التي اذا ما ذكرت شعرنا بالمحبة والتقدير والاحترام لأصحابها ، وفي مقدمة هذه الأسماء بعد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فاطمة بنت محمد بن عبد الله رضوان الله عليها - وليس من قبيل الصدفة او المصادفة ان أعين خطيباً في جامع مشرف على مدينة حلب، حتى لكأنه يحتضن المدينة احتضان الأم لأبنائها ، اطلق عليه اسم «جامع فاطمة الزهراء». ولقد كنت بين الفينة ، والفينة أقف لأتحدث عن شخصية عظيمة من الشخصيات القيادية التي اختارها الله تبارك وتعالى لفترة زمنية مباركة

و لقرن هو خير القرون لتقف خلف امامها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، مصاحبة له ، و ناصرة لدينه ومؤيدة رسالته و تناولت بالحديث عدداً من

الشخصيات المعروفة لدينا بسبقها الى الاسلام ، وبمواقفها المشهودة في نصرة الحق، ودين الحق ، هذه المواقف التي تشهد لأصحابها
آتهم من

ص: 118

جند الرحمن، و من انصار سيّد الأنام عليه الصلاة والسلام. و تنبّهت الى ذلك الاسم المرصع على الباب الرئيسي لمدخل الجامع (فاطمة الزهراء) ورددت الاسم مرة ومرتين وثلاث واطلقت العنان لخيالي يسبح في سماء الذكريات، و راحت كلمات السيرة تتجسّد في مواقف و مشاهد و اصبحت وكأني اعيش مع السيدة فاطمة منذ ولادتها وطفولتها مروراً بشبابها و هجرتها حتى زواجها و صبرها و زهداها في حياتها و تربيتها لأولادها، و من، و من ثم وفاتها وانتقالها الى بارئها و شعرت وقتها انه توجد فجوات غير واضحة المعالم في حياة الزهراء البتول، و عدت الى الكتب و المؤلفات، واذ بها تتحدث بشكل موجز عن هذه السيدة الطاهرة و عجت لقلّة هذه المؤلفات اذا ما قورنت بعظمة و مكانة صاحبها؟ و رحلت ابحت في كتب الحديث و السيرة عمّا كتب عن السيدة فاطمة رضوان الله عليها - فوجدت الكثير الكثير من الخصوصيات التي خصها

الله تبارك و تعالي بها...

و فاطمة عندي رمز محبة و وحدة و قوة، و نحن احوج ما نحتاج الى هذه المعاني الرفيعة و السامية، لنلفت حولها و نتخذها بداية لانطلاقتنا في الحياة...»؛ (1)

«بسياری از اسم هاست که هر گاه یادآوری می شوند به یاد محبت و تقدیر و احترام نسبت به صاحبان آنها میافتیم که در پیشاپیش این اسم ها بعد از رسول خدا الله فاطمه دختر محمد بن عبدالله رضوان الله عليها - است. از روی تصادف و یا اتفاق این که تعیین کنم خطیبی را در مسجد جامع مشرف بر شهر حلب گویا که شهر همانند در برگرفتن مادر فرزندانش را باشد و بر آن اسم (جامع فاطمه زهرا) اطلاق گردد.

من مدتھا فکر می‌کردم و به دنبال شخصیت بزرگی از شخصیت ها بودم

ص: 119

که جنبه رهبری داشته و خداوند تبارک و تعالی برای مدت زمان مبارکی

و برای بهترین قرن ها او را اختیار نموده است که پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده و مصاحبت با او داشته و ناصر دین و مؤید رسالتش بوده است. در صدد بر آمدن تا زندگی برخی از شخصیت های معروف اسلامی را مطالعه کنم که از سابقین در اسلام بوده و مواقف روشنی در یاری حق و دین حق است. این مواقفی که گواهی می دهد بر صاحبان آن ها که آنان از لشکریان رحمان و از یاوران سرور مردم علیه الصلاة والسلام می باشند. من ناگهان به آن اسمی که بر درب اصلی ورودی مسجد جامع نوشته و زینت داده شده بود یعنی (فاطمة الزهراء) التفات پیدا کردم و آن اسم را یک بار و دو بار و سه بار تکرار کردم و عنان را از خیالم برداشتم تا در آسمان یادبودها تسبیح گوید، و در آن حال کلمات سیره حرکت کرد و در مواقف و مشاهدی تجسد یافت، و به جایی رسید که گویا مشاهده کردم با خانم فاطمه از هنگام ولادت و طفولیتش زندگی کرده و با جوانی و هجرتش تا ازدواج و صبر و زهد در زندگی و تربیت اولادش و سپس وفات او و انتقال به خالقش مرور مینمایم. و در آن هنگام بود که فهمیدم موقعیت هایی در زندگی زهرا بتول است که هنوز برای مردم واضح و روشن نشده است و باز به کتابها و تألیفاتی رجوع کردم و ناگهان فهمیدم که درباره سیده طاهره فاطمه زهرا علیها السلام - به صورت اختصار سخن گفته شده است و به جهت کمی این تألیفات تعجب نمودم خصوصاً که این کار با عظمت و مکانت صاحبش همراه بود؟ و لذا از کتاب های حدیثی و سیره که درباره خانم فاطمه رضوان الله تعالی - نوشته شده بود بحث و جستجو کردم و بسیار زیاد از خصوصیات فاطمه زهرا را دسترسی پیدا کردم که خداوند تبارک و تعالی او را به آن ها اختصاص داده بود.

و فاطمه نزد من رمز محبت و وحدت و قوت است و ما از همه بیشتر به این معانی بلند و ارزشمند احتیاج داریم تا به آنها التفات نموده و آن را شروع برای حرکت در زندگی خود قرار دهیم...».

4 - فاطمه زهرا عليها السلام، الكوى منتخب

احمد تيسير كعيد از نويسندگان سنى ساكن حلب سوريه دربارہ حضرت زهرا

عليها السلام مى نويسد :

«كثيرون هم الذين يدعون أنهم حملة للفكر السامي و الرأقي، فيلبسون ثياب الأخلاق والقيم والمثل العليا ويظهرون في مظهر القدوة في العطاء والكرم والايثار، ولكنّ الواقع العملي الذي يعيشون فيه يختلف كل الاختلاف و دعواهم يشهد على تخبطهم و زيف شعاراتهم و تناقض اقوالهم لأفعالهم.

فالمحك الحقيقي هو الواقع التطبيقي والسلوك الحياتي، وكل داعية يحمل مثل هذا التناقض داعية فاشل و مخرب و مهدم للمبدأ الذي يدعو اليه يحمل الوزر والإثم ويؤدي بأتباعه الى البوار والدمار، مشوّهاً الفكرة التي يحملها، والمنهج الذي يدعو اليه. لذلك يحذر الله تبارك و تعالى من مغبة هذا الامر بقوله: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ».

و البتول بنت ابيها ذكاء وكرماً و تطبيقاً و التزاماً، و سميت بتولاً لانتقطاعها عن نساء زمانها فضلاً و ديناً و حساباً . و قيل : لانتقطاعها عن الدنيا الى الله تعالى.

فهى تحبّ ما يحبّ ابوها و ترضى بما رضى لها من أحبّها و قربها و فضلها ، فلقد رضى لها ان تكون قدوة قدوة في السلوك و التطبيق لا تحتاج الى كلمات تدعمها و اقوال تطرحها و شعارات ترددها ؛ لانّ سلوكها ينبىء عن حالها و فعلها يغني عن مقالها... »؛ (1)

ص: 121

«بسیاری از افراد هستند که ادعا میکنند ما حامل فکر عالی و بلند هستیم و لباس اخلاق و ارزشها و الگوهای عالی را بر تن نموده خود را به عنوان الگو در عطا و کرم و ایثار ظاهر مینمایند ولی واقعیت خارجی عملی که در آن زندگی میکنند به تمامه با ادعای آنان اختلاف دارد و گواه بر کم خردی خدعه در شعارها و تناقض اقوال با رفتارشان دارد.

پس محک واقعی همان واقع خارجی و رفتار زندگی است و هر دعوتی که حامل مثل این تناقض باشد دعوتی است از هم پاشیده و مخرب و نابود کننده مبدایی که به آن دعوت می نماید. او متحمل وزر و وبال است و پیروانش را به نابودی و مصیبت می کشاند و آن فکری را که دارد و راهی را که به آن دعوت می نماید مشوّه میکند لذا خداوند تبارک و تعالی مردم را از عاقبت این کار بر حذر داشته و می فرماید (ای مؤمنان چرا چیزی میگوئید که آن را عمل نمی کنید نزد خدا بسیار بد است این که بگوئید چیزی را که خود انجام نمی دهید).

[فاطمه] بتول دختر پدرش در ذکاوت و کرم و پیاده نمودن [حقایق] و التزام [به امور حقیقی] است و بتول نامیده شده به جهت انقطاع او از زنان زمانش در فضیلت و دین و حسب. و گفته شده به جهت انقطاع او از دنیا و اتصال به خداوند متعال. فاطمه دوست دارد آنچه را که پدرش دوست دارد و خشنود می شود به آنچه که پدرش به آن خشنود است پدری که او را دوست داشته و به خود نزدیک کرده و فضیلت داده. است به طور قطع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای او رضایت داده که الگو باشد، الگو در روش زندگی و پیاده نمودن [ارزش ها] او احتیاج به کلماتی ندارد تا او را پشتیبانی کرده و اقوالی که او را مطرح نماید و شعارهایی که او را یاد کند؛ زیرا سلوک زندگی او خبر از حالش میدهد و رفتارش ما را از گفتارش بی نیاز می کند...».

5 - فاطمه زهرا علیها السلام ام المؤمنین و خیر النساء

احمد تیسیر کعید درباره حضرت زهرا علیها السلامی نویسد:

«... سیدتی، ابنة خیر خلق الله، و زوج من لا فتی الا اياه، ام السبطين

الطاهرين المتطهرين، سيدى شباب اهل الجنة واحب الناس الى قلب ، سيد الوجود صلى الله عليه وآله وسلم.

سيدتى يا خير النساء ويا ام الرجال ويا اعز الابناء الى قلب سيد ، الأنبياء ، ويا زوج الامام البطل واصدق الأوفياء.

اسمحي لي ان آلمس باب بيتكم العالى بأدب و خفرٍ وحياء ، لعله يؤذن لى بالدخول و القبول ، لألثم عتبة الدار ، آملاً ان احظى بمرتبة المحبة والمودة لآل بيتكم الطاهرين الطيبين وانا اتمثل قوله تعالى: « قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ». اقف على عتبة هذه الدار ، لأعود بالذكرى الى اساس متين ودعائم ثابتة قوية، حملت هذه البيت السامى الذى سكنته السكينة و حفته المودة، وخيمت عليه الطمأنينة ، ظللته ملائكة السماء... » ، (1)

«اى سرور من اى دختر بهترين خلق خدا و همسر كسى كه به جز او جوانمرد، نيست اى مادر دو سبط پاك و پاكيزه دو سرور جوانان اهل بهشت و محبوب ترين مردم به قلب سيد وجود صلى الله عليه وآله وسلم.

«اى سرور من اى بهترين زنان و اى مادر مردان و اى عزيزترين فرزندان به قلب سرور انبيا و اى همسر امام شجاع و صادق ترين وفا كندگان.

به من فرصت بده تا درب خانه شما را كه بلند مرتبه است با ادب و تواضع و حيا لمس كنم شايد به من اذن دخول و قبول داده شود تا بتوانم عتبه خانه را بليشم؛ با اين اميد كه به مرتبه محبت و مودت آل بيت پاك و پاكيزه شما برسم. و من قول خداوند متعال را بر زبان جارى مى سازم كه فرمود: بگو: بر رسالت خود مزدى جز دوستى ذوالقربى نمى خواهم بر عتبه اين خانه مى ايستم تا مردم را به ياد اساسى متين و پايه هاى ثابت و قوى اندازم كه اين خاندان بلند مرتبه را بر دوش دارد خاندانى كه سكينه را در خود جاي داده و مودت او را احاطه کرده و طمأنينه بر آن خيمه زده و ملائكه آسمان بر آن سايه افكنده است...».

ص: 123

6 - فاطمه زهرا عليها السلام، برتر زنان

محمود طعمه حلبی از علمای اهل سنت حلب درباره حضرت زهرا عليها السلام می نویسد :

«كانت حسنة الاخلاق ، عفيفة النفس ، محبة للخير ، ولا عزو ، فقد نهلت

من معين خير اب في الوجود، ورضعت لبن خير ام بل خير النساء قاطبة.

كان ابوها سيدنا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، قدوتها ومثلها الأعلى في جميع تصرفاتها، لذلك خصها بحبه وحنانه وعطفه الكبير...»؛ (1)

«فاطمه - عليها السلام- اخلاقی نیک نفسی عقیف و دوستدار خوبی ها بود و در این امر جای دوری نرفته؛ چراکه از چشمه گوارای بهترین پدر در عالم وجود بهره جسته و از شیر بهترین مادر بلکه بهترین تمام زنان عالم سیراب شده است پدرش سرور ما رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نمونه اعلی آن حضرت عليها السلام در تمام کارهایش بود و لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او محبت و لطف و عطوفت زیادی داشت...».

حلمی خولی از نویسندگان اهل سنت سوریه درباره حضرت زهرا عليها السلام در مقدمه کتابش «فاطمه الزهراء عميدة اهل البيت» می نویسد:

«حينما انتهيت من كتاب عميدة اهل البيت شرعت في كتابة المقدمة، حُيِّلَ الي انّ الزهراء رضی الله عنها تنظر الي بوجهها النوراني، فكيف انظر اليها، وكيف تخترق نظراتي حجب النور. فلقد تورأت نظرتي خجلاً من نورها، واعتذاراً لها عمّا شرعت فيه من القاء الضوء على بعض جوانب حياتها المضيئة، فمن انا منها حتى اكتب عنها؟ وماذا اكتب؟ ان كلماتي في الاعتذار لها تتوارى حياء و خجلاً.

و لكن حسبي ممّا شرعت فيه - وانا على ضالتي - انّ سيرتها خير زاد

ص: 124

1- نساء حول الرسول محمود طعمه حلبی، ص 173، دار الحیاء، حلب.

يعطى لفتياتنا ونسائنا في هذا العصر، فسيرتها الطاهرة تملأ القلوب المؤمنة بنور يتدفق عبر شرايين اليقين، ويمتد منها بعطور سامية تزيح ما ران على القلوب في عصر كثرت فيه الفتن و انزوت فيه شموع الايمان المضيئة لأركان النفس الانسانية.

هجرت الزهراء ملاعب الصبا، وتركت من هنّ في سنّها في لهوهنّ، واخذت مكاناً قريباً من قلب ابائها صلى الله عليه وآله وسلم تعيش معه في ميدان الدعوة، وتعيش معه محنة البلاء العظيم في سبيل دعوته وتظل معه ملاصقة له دون اخواتها جميعاً، حتى جاء صلى الله عليه وآله وسلم بأنفاسه الشريفة ولحق بالرفيق الأعلى.

و ان القلم ليقف حائراً عاجزاً امام الشواهد الجليلة في حياتها، فما أحوجنا ونحن نقلّب صفحات سيرتها العطرة ان نتجرّد من مادية العصر، و من مادية الجسد، وتتخلّص من شواغل الدنيا وهمومها لنعيش سويّعات، قليلة الزمن غالية الثمن، في رحاب بيت النبوة و مع احدى بناته صلى الله عليه وآله وسلم؛ لنرى حيات بنت النبي صلى الله عليه وآله وسلم البسيطة المتواضعة.

نرى معيشتها، مهرها زواجها متاعها، وهي من هي؟

أثّها ريحانة الرسول صلى الله عليه وآله وسلم و سيدة نساء العالمين، وأثّها سيدة نساء اهل الجنة، فهي هي حياة ومواقف ومشاهد السيرة العطرة التي تمتلئ بالدروس لفتيات ونساء المسلمين اذا أردن الجنة، واذا فضلن النعيم

المقيم على زخرفة دنيوية زائلة.

حبيبتي الزهراء! أستميحك عذراً ايّها الطاهرة المطهرة في اقدمي على القاء الضوء على سيرتك العطرة، واطلب العفو عن تقصيري في استيفاء حقك كاملاً، فالنقص من سمات البشر، والكمال الله وحده»؛⁽¹⁾

ص: 125

1- فاطمة الزهراء عميدة اهل البيت حلمي، خولي، ص، 5 و 6 چاپ، سوريه، لبنان، دار الخير، 1427 هـ.-

هنگامی که از کتاب (عمیدة اهل البیت) فارغ شدم شروع به نوشتن مقدمه بر آن، کردم به ذهنم آمد که زهرا رضی الله عنها با صورت نورانی اش به من نظاره میکند حال من چگونه به او نظر کنم و چگونه نظرهای من می تواند پرده های از نور را پاره کند ولی نظر من به جهت نور او خجالت زده شده و متواری، گشت و از اینکه شروع به نظر کردن بر بعضی از جوانب زندگی سراسر نور آن حضرت نموده ام عذر خواستم من چه کسی هستم که بخواهم درباره آن حضرت چیزی بنویسم؟ و چه بنویسم؟ همانا کلمات من در عذر آوردن به نزد آن حضرت به جهت حیا و خجالت متواری و پنهان می گردد. ولی بس است مرا از آنچه درباره آن شروع کردم که گمشده من بوده این که سیره زندگانی آن حضرت بهترین زاد و توشه ای است که می توان به زنان و دختران ما در این عصر داد؛ زیرا سیره زندگی پاک آن حضرت قلب های مؤمن را پر از نور کرده و در سلک رگ شرایین یقین در حال جوشش است و با عطرهای بسیار عالی امتداد داشته و آن زنگارهایی را که در عصر فتنه های زیاد بر قلب ها نشسته را پاک خواهد کرد و به جای آن شمع ها و مشعل های روشن از ایمان را بر ارکان نفس انسانی ایجاد خواهد نمود.

زهرا از بازی های بچه گانه کناره گرفت و بازی های کودکانه ای که دختران هم سن و سالش انجام می دادند را ترک کرد و جایگاه و مقام نزدیکی را در قلب پدرش پیدا کرد به نحوی که همراه او در میدان دعوت و زحمات بلاهای بزرگ در راه دعوتش زندگی میکرد و تنها از میان خواهرانش او بود که هرگز از پدرش جدا نشد تا آن که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رحلت نمود و به رفیق اعلی [خداوند متعال] ملحق شد.

همانا قلم متحیرانه و عاجزانه در برابر شواهد آشکار از زندگانی فاطمه زهرا باز می ماند چه بسیار احتیاج است ما را که در حال ورق زدن صفحاتی از سیره معطر آن حضرت خود را از مادیات زمانه و از مادیات جسم بیرون کرده و از اشتغالات دنیا و هم و غم آن رهایی یابیم تا لحظاتی اندک، و زمانی بسیار، کم با پرداخت بهترین، مال در سرزمین پهناور خاندان نبوت و یکی از دخترانش زندگی کنیم و زندگی دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که بسیار ساده و متواضعانه

بوده را مشاهده نماییم زندگی، او مهرش ازدواجش اثاث خانه اش را، ببینیم و این که او کیست؟

آری او دسته گل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سرور زنان عالمیان، است، او سرور زنان اهل بهشت می باشد آری این است زندگانی و موافق و مشاهد سیره معطری که درس های آن میتواند زندگی دختران و زنان مسلمان را پر کند در صورتی که مشتاق بهشت بوده و نعمت های پایدار را بر زینت های دنیای زایل شونده برتری دهند.

ای محبوبه من زهرا از شما عذر میخوامم ای خانم پاک و پاکیزه از این که اقدام به پرتوافکنی نسبت به سیره معطرت، نموده ام و از شما عذرخواهی می کنم از کوتاهی در استیفای حق شما به صورت کامل؛ چرا که نقص از نشانه های بشر است و کمال مخصوص خداوند می باشد

7 - فاطمه زهرا علیها السلام الگوی زنان

احمد خلیل جمعه از نویسندگان اهل سنت در این باره می نویسد:

«لاشك انّ سيّدة النساء وقد وتهنّ سيّدتنا فاطمة الزهراء رضي الله عنها اعرف النساء بشؤون النساء، واعرف النساء بما للمرأة وما عليها، وكيف لا وقد نشأت اكرم نشأة واطهرها في احضان سيّدة الطاهرات، واطهر السيدات امناً خديجة رضوان الله عليها، ثم صّـنعت على عين رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لتغدو درّة في عقد فريد لن يتكرر في هذه الحياة الدنيا.

ولهذا نجد انّ فاطمة الزهراء رضي الله عنها حريصة كل الحرص على النصيحة لبنات جنسها ولبنات حواء بشكل عام، فهي مصدر كل تقديم فضيلة، و منبع الفوائد، و من ينابيع مودتها ترتوى كل امرأة تشد الفضيلة أينما وجدت، و تبحث عن الحقيقة أينما كانت...» (1)

ص: 127

«شکی نیست که سرور زنان و الگوی آنان سرور ما فاطمه زهرا -رضی الله عنها- آشناترین زنان به شؤون زنان و آشناترین زنان به وظایف آنان است. و چگونه چنین نباشد در حالی که بهترین تربیت را در دامن سرور زنان پاکدامن و پاکترین زنان به لحاظ امنیت خدیجه رضوان الله علیها - پیدا کرد. سپس در برابر چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ساخته شد تا دری یکتا در این زندگانی دنیا گردد که هرگز تکرار نمی شود.»

و لذا میبایم این که فاطمه زهرا رضی الله عنها حرص زیادی داشت تا

دختران هم جنس خود و دختران حوا را به صورت عمومی نصیحت کند. او مصدر هر فضیلت و منبع فواید بود و از چشمه های مودت او سیراب می شود هر زنی که به دنبال فضیلت است هر کجا که یافت شود و در جستجوی حقیقت است هر جا که باشد...».

ص: 128

اهل سنت نیز حضرت زهرا عليها لسلام را با کنیة ام ايها ستوده اند. اينک به عباراتی از آن ها اشاره می کنیم :

1 - دکتر محمد عبده يمانی

او در اين باره می نويسد :

«و من خصائصها - رضی الله عنها - أنَّها تکتبى بأُم أبيها ؛ لأنها قامت برعاية ايها و خدمته بعد وفاة امها خديجة وكان صلى الله عليه و آله و سلم يحبها حباً جماً ، يكثر من زيارتها و يجلس عندها و يلعب ، اولادها ، وكان اذا اراد غزواً لا يخرج من المدينة حتى يكون آخر عهده رؤيتها، فاذا عاد من سفره بدأ بالمسجد فصلى ركعتين ، ثم يذهب الى بيت فاطمة يزورها و يؤنسها ثم يخرج من عندها الى بيوت ازواجه » ؛

(1)

و از خصوصيات حضرت زهرا عليها السلام اين است كه كنيه اش ام ايها» است؛ زیرا متكفل امر پدرش و خدمت به او بعد از وفات مادرش خديجه بود. پیامبر صلى الله عليه و آله و سلم او را بسيار دوست می داشت و بسيار به زيارت او می رفت و نزد او

ص: 129

می نشست و با فرزندان او بازی میکرد و چون می خواست به جنگ رود آخرین کسی که او را میدید حضرت زهرا علیها السلام بود و چون از سفر باز می گشت به مسجد می رفت و دو رکعت نماز میخواند آنگاه به خانه فاطمه میرفت و او را زیارت می نمود و با او انس میگرفت، سپس از آنجا بیرون آمده و به اتاق های همسرانش میرفت».

2- استاد توفیق ابوعلم

او که وکیل اول دادگستری مصر، بوده در این باره می نویسد

« لقد بلغ من حبّ الرسول صلى الله عليه وآله وسلم لابنته فاطمة أنّه كان يكتنيتها بـ(ام ايها) ، أنّه اليتيم يجعل من الطفل يحنّ الى انثى تحنو عليه بدل امه ، فقد توفيت آمنة بنت وهب ام النبي صلى الله عليه وآله وسلم وهو طفل صغير ، فتعلق قلبه حينذاك بفاطمة بنت اسد ام علي عليه السلام ، لقد كان يناديها يا اماه وعندما توفيت حزن عليها حزناً شديداً وسمع يقول : ماتت امي ، ورزق صلى الله عليه وآله وسلم فاطمة ، وكلّما رآها ذكر فاطمة بنت اسد و تسلّى بابنته عنها ، وقد كنها بـ(ام ايها)، ولم يكن الرسول صلى الله عليه وآله وسلم بالذي تدفعه العاطفة الى اصدقاء سمات على اشخاص ليسوا جديرين بها او مدح افراداً بعبارات تكون اقرب الى الخيال من الواقع ؛ أنّه الرسول الصادق الأمين ، وكفى فيه فخراً قوله عزّ من قائل : « وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ». أحبّ الزهراء ايما حبّ وكانت جديرة بهذا الحبّ، قال عنها : «فاطمة بضعة منّي فمن اغضبها فقد اغضبني» ، وقال ايضاً : «فاطمة بضعة منّي يؤذيني من آذاها ويسرني من سرها»، وفي رواية اخرى : «انّما فاطمة بضعة منّي يؤذيني من آذاها وينصبي و انصبها» و حق لها ان تنفرد بهذا اللقب، فهي بضعة النبي حقاً ، اشبهته خُلُقاً و منطقاً ، وواكبت ، رسالته منذ البدء فوعت من ذلك كثيراً. ثم استمرت تسند الامتداد الطبيعي للرسالة في ظل الامامة

تسنده بكل ما أوتيت من حول و طول و حق لها ان تكون سيدة نساء

العالمين و البتول العذراء و الطاهرة الزكية ... » ؛ (1)

«آن قدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دخترش فاطمه را دوست می داشت که همیشه او را «ام اییها» کنیه داده بود طفلی که از مادر یتیم می شود و به زنی پناه میبرد تا به جای مادرش بر او مهربانی کند آمنه دختر و هب مادر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زمانی از دنیا رحلت نمود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم طفل صغیر، بود، بعد از آن حضرت دلش به

فاطمه دختر، اسد مادر امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله و سلم خوش بود و او را مادر صدا می کرد و چون فاطمه دختر اسد از دنیا رحلت نمود بر او بسیار محزون شد و شنیده شد که حضرت می فرمود مادرم از دنیا رحلت کرد. آنجا بود که خداوند، فاطمه علیها السلام را به او روزی فرمود و چون او را می دید یاد فاطمه بنت اسد می افتاد و دیدن دخترش او را تسلی میداد و لذا حضرت دخترش را به «ام اییها» کنیه داد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این گونه نبود که به جهات عاطفی اسم هایی را برای اشخاص قرار دهد که استحقاق آن را نداشتند یا افرادی را به عباراتی مدح کند که به خیال نزدیک تر باشد تا واقع؛ زیرا او رسول راستگو و امین بود. و در افتخار او همین بس که خداوند عزیز فرمود «و تو بر اخلاق بزرگ هستی». او زهرا را بسیار دوست میداشت و او به حق سزاوار این محبت بود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حق او فرمود فاطمه پاره تن من است پس هر کس او را به خشم درآورد به طور حتم مرا به خشم در آورده است. و نیز فرمود: فاطمه پاره تن من است هر کس او را اذیت کند مرا اذیت کرده است و هر کس او را خشنود سازد مرا خشنود ساخته است و در روایتی دیگر فرمود: همانا فاطمه پاره تن من است؛ هر کس او را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر کس او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است و او سزاوار این لقب اختصاصی است؛ زیرا او به

حق پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و از ابتدا رسالت او را دنبال کرده و از آن بسیار در برگرفته است و او تکیه گاه امتداد طبیعی رسالت در سایه امامت است که

ص: 131

1- فاطمة الزهراء علیها السلام، ص 9 و 10.

تمام آنچه را به حضرت داده شده داراست و به حق او سرور زنان عالمیان

و بتول عذراء و طاهره و پاکیزه است...».

او نیز می گوید :

«و ممّا لا شك فيه ان السيدة فاطمة الزهراء حاولت ان تشارك ابها فتسعى مخلصه لسد الفراغ العاطفى الذى كان يعيشه الرسول بعد ان فقد ابويه في اول حياته ، وفقد زوجه الكريمة ام المؤمنين السيدة خديجة ، وهذا الفراغ كان يزعج النبي الله و ينعكس على قلبه الرهيف المشتاق الى الحبّ. لقد كان بحاجة الى عطف الأم و رعايتها في حياته و في عمله الشاق المضمنى و فى مواجهته بيئته القاسية بالنسبة اليه ، وقد وجد كل هذا العطف في فاطمة.

ان التاريخ لا يحدثنا الا نتفأً من هذه المواقف الأمومية التي كانت تصدر عن السيدة فاطمة الزهرا بالنسبة للرسول ، ولكنّه يؤكد نجاحها في هذه المحاولة التي اعادت الى محمّد الاكتفاء العاطفى الذي ساعده في تحمّل اعباء الرسالة.

ان التاريخ يؤكد هذا حينما ينقل - تکراراً - عن لسان النبي صلى الله عليه و آله و سلم : (فاطمة ام ابیها) ، وحينما نرى انه كان يعاملها معاملة الأم فيقبل يدها ويخصها بالزيارة عند كل عودة منه الى مدينة ، و يودعها منطلقاً من عندها الى كل اسفاره ورحلاته ، وكأنّه يتزوّد من هذا النبع الصافي عاطفة لسفره. ان فاطمة الزهراء هي اجل من ان تشير اليها الأسانيد ، واکرم من ان تدلّ عليها السرود ، يكفيها إطاراً كونها ابنة محمّد صلى الله عليه و آله و سلم ، و زوجة على و ام الحسن والحسين و سيدة نساء العالمين « (1)

«از جمله اموری که شک در آن نیست این که خانم فاطمه زهرا قصد کرد تا با

ص: 132

پدرش مشارکت داشته باشد و لذا با اخلاص سعی نمود تا خلا عاطفی را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از وفات پدر و مادرش در اول زندگانش و نیز همسر کریمه اش ام المؤمنین خدیجه پیدا کرده بود پر کند و این خلا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تحت فشار قرار داده و بر قلب نازک مشتاق به محبت او اثر میگذاشت. او احتیاج به مهربانی مادر و مراعات او در زندگی و کارهای مشقت آور و سنگین و در مواجهه با محیطش داشت که نسبت به او قساوت قلب داشته اند و تمام این عطوفت ها در فاطمه بود.

تاریخ تنها گویای بخشی از این کارهای مادرانه است که از فاطمه زهرا نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفته ولی بر این تأکید دارد که آن حضرت در این کارش موفق بوده است، کاری که به محمد صلی الله علیه و آله و سلم جنبه عاطفی را بازگرداند و او را در تحمل زحمات رسالت کمک نمود تاریخ بر این مطلب تأکید دارد هنگامی که به صورت تکرار از زبان پیامبر الله نقل میکند (فاطمه مادر پدرش می باشد) و هنگامی که مشاهده می کنیم که آن حضرت با او معامله مادری میکند و دستش را می بوسد و هر بار که به مدینه باز میگردد به زیارت او می رود و به هر سفر و با هر قافله ای که میرود خدمت او رفته و با او وداع می کند و گویا که از آن چشمه صاف عطوفتی برای سفرش بر می گیرد.

همانا فاطمه زهرا بزرگتر از آن است که اسانید به آن اشاره کند و کریم تر از آن است که مطالب چیش شده بر آن دلالت نماید، کافی است او را در بزرگی که او دختر محمد و همسر علی و مادر حسن و حسین و سرور زنان

عالمیان است».

3 - محمود شبلی

او نیز می گوید

«قالوا : کانت اکرم اهله علیه وکانت اشبه الناس به کلاماً وحديثاً... وکانت اذا مشت کانت مشيتها مشية رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ، و لذلك کانت تکنی ام ابیها. وجاء فی « اسد الغابة » ؛ وکانت فاطمة تکنی ام ابیها، وکانت

ص: 133

احب الناس الى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم...»؛ (1)

«كفته اند كه فاطمه از همه بيشر پدرش را تكريم مى نمود و شبيه ترين مردم به حضرت در گفتار و حديث بود... و چون راه ميرفت راه رفتش به مانند رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم بود و لذا او را ام ايها . ناميدند در كتاب «اسد الغابة» آمده كه فاطمه را ام ايها كنيه دادهاند؛ زيرا او محبوب ترين مردم نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم بود...».

او نيز مى نويسد:

«تتابع على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم المصائب بموت خديجة، وكانت له وزير صدق على الاسلام وبموت عمه ابو طالب، وكان له عضداً ومنعةً وناصرًا على قومه، وذلك قبل مهاجره الى المدينة بثلاث سنين. فلما هلك ابو طالب نالت قريش من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من الأذى ما لم تكن تطمع به فى حياة ابي طالب حتى اعترضه سفيه من سفهاء قريش فنثر على رأسه تراباً. فلما نثر ذلك السفيه على رأس رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ذلك التراب دخل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بيته و التراب على رأسه... بكت الزهراء و هي تغسل عن رأس ايها صلى الله عليه وآله وسلم التراب. مشهد جميل ليس كمثله جماله جمال، مشهد من مشاهد « الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ » ، مشهد من مشاهد « وَأَوْذُوا فِي سَبِيلِي . و من هو هذا الذى ينثرون التراب على رأسه ؟ ! انه اشرف خلق الله فاطمة ، و من هي هذه التي تغسل عن رأسه التراب ؟ ! انها سيده

نساء العالمين. وتلك مقاماتهم العلى التي لا يدانيهم فيها أحد من العالمين، و من تلك المقامات العلى و من تلك المشاهد الحسنى كانت الزهراء ترتفع ، ثم ترتفع ، ثم ترتفع فوق النساء جميعاً، حتى بلغت مقام (سيده نساء العالمين) فاستوت عليه « ؛ (2)

ص: 134

1- حياة فاطمة ، ص 363

2- حياة فاطمة عليها السلام، محمود شلبى ، ص 105_107

با مرگ خدیجه مصیبت‌ها یکی پس از دیگری بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد؛ چرا که خدیجه وزیر راستینی برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در راه اسلام بود و نیز به مرگ عمویش ابوطالب که بازوی رسول خدا و نگه دار و ناصر بر قومش بود. و این قبل سه سال از هجرتش به مدینه بود چون ابوطالب وفات یافت قریش اذیت و آزاری را که در زمان حیات او نمی توانستند نسبت به حضرت داشته باشند را شروع کردند به حدی که سفیهی از سفیهان قریش جلو راه حضرت را گرفته و خاک بر سرش پاشید چون آن سفیه چنین کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که خاک بر سرش ریخته بود وارد خانه شد... زهرا گریست و شروع به شستن سر پدرش از خاک نمود. موقعیت زیبایی بود که همانند آن زیبایی یافت نمیشود موقعیتی از موقعیتهای کسانی که رسالتهای خداوند را ابلاغ میکنند و موقعیتی از موقعیت (و در راه من آزار و اذیت میبینند). کیست آن کسی که خاک را از سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پاک میکند؟! او که اشرف تمام خلق خداست؟ و کیست آن کسی که سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از خاک می شوید؟! آری او سرور زنان عالم است و این است مقامات بلند آنان که هیچ کس از عالمیان به مقامشان نمیرسند و از این مقامات بلند و از این موقعیت های نیک است که فاطمه زهرا بلند مرتبه می شود و به حدی مقامش بالا می رود که از همه زنان برتر میگردد تا به مقام سرور زنان عالمیان رسیده و بر آن کرسی تکیه می زند).

4 - عبد الفتاح عبد المقصود

او می گوید: «شاید فاطمه علیها السلام پیش از این هیچ روزی همانند آن روز نگریسته بود از کفار حرم خدا گذشت، ناگهان پچ پچ گروهی از مهتران قریش را شنید که برای کشتن پدرش مشورت می کردند و میگفتند: هنگامی که محمد از اینجا گذشت باید هر یک از ما ضربه ای به او بزنند.

پیکر خوفناکشان درندگان دشت و و جانوران بیشه را می مانست همانند یک دسته چنگال و نیش و ناخن و منقار گرد هم آمده بودند پچ پچ میان تهی آنان بسان نجوای

شیطان بود بگونه فش فش افعیها فاطمه علیها السلام درنگ نکرد تا آن ماران ته مانده زهر خود را بیفشانند، و آیا نیازی به درنگ کردن بود در حالی که آنان شمشیرهای تیز خود را در دست آماده کرده بودند، شمشیرهایی که از بسیاری برنده گی و جلا همانند پرتو خورشید می درخشید؟ فاطمه با شتاب از آن جایگاه بیرون رفت اشکهایش برگامهایش پیشی گرفت. پدر را از آن خبر آگاهی داد و گفت: اکنون من از نزد گروهی از قریشیان گذشتم که در کنار حجر اسود هم پیمان شدند و به لات و عزّی و منات و اساف و نائله سوگند یاد کردند چون تو را ببینند برخیزند و با شمشیرهایشان تو را بزنند و بکشند. فاطمه علیها السلام درست کار همان مردی را انجام داد که به سوی موسی صلی الله علیه و آله و سلم دوید تا او را از ماندن در شهر خود بیم دهد (گفت: ای موسی گروه درباره تو مشورت می کنند که بکشندت بیرون رو براستی که من برای تو خیر خواهم.) (1)

لکن پدر فاطمه همانند موسای کلیم از سرزمین خود بیرون نرفت سر فراگوش دختر آورد و به نرمی: گفت دخترکم! گریه مکن دل فاطمه علیها السلام با سخن پدر که از هر حرفش مهر می بارید آرامش گرفت اشکهایش خشک شد لبخندی بر چهره تابناکش نمایان گشت...» (2)

5 - محمود مهدی استانبولی و مصطفی ابوالنصر شبلی

این دو مشترکاً در کتاب «نساء حول الرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» درباره حضرت زهرا علیها السلام می نویسند:

«و استبشر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بمولدها و توسم فیها البركة و الیمن ، فسمها فاطمة و لقبها ب- (الزهراء). و كانت تکئی ام ابیها. و كانت رضی الله عنها شديدة الشبه لأبیها صلی الله علیه و آله و سلم». (3)

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ولادت آن حضرت شاد شد و او را مایه برکت و خوش یمن

ص: 136

1- سوره قصص، آیه 20

2- فاطمه زهرا، عبد الفتاح عبد المقصود، ج 1، ص 195 و 196.

3- نساء حول الرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، ص 143

دانست و او را فاطمه نامید و لقبش را (زهرا) و کنیه اش را (ام اییها) گذاشت. او رضی الله عنها شباهت بسیاری به پدرش داشت».

6- حافظ ابن حجر

او در کتاب «الاصابة» درباره القاب و کنیه های حضرت زهرا علیها السلام می گوید:

«أَنَّهَا تَلَقَّبَ بِالزَّهْرَاءِ ، وَكَانَتْ تَكْنِي أُمَّ إِيَّيْهَا »؛ (1)

«فاطمه ملقب به زهرا بود و او را ام اییها کنیه می دادند»

7- احمد خلیل جمعه

او که از علمای اهل سنت سوریه می باشد می نویسد :

«إذا احببنا ان نجمل صفات فاطمة الزهراء رضوان الله عليها بكلمة واحدة تغني عن كلماتٍ وكلماتٍ، نستطيع ان نقول: أَنَّهَا ام ایيها، حيث درجت في بيت ابويها، و من ابواها؟»

سیدنا و حبیبنا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، اکرم خلق الله علی الإطلاق المبعوث رحمة للعالمین. وسیدتنا و امنا خدیجة الطاهرة سيدة نساء العالمین و اکرم امرأة علی الرسول صلی الله علیه و آله و سلم و صاحبه الی قلبه الشریف ...

في ربّي رياض قلبين كبيرين؛ قلب ابیها و قلب امها، نَعَمَت فاطمة الزهراء بحنانهما، وقطفت من زهر رياضهما الحب والعطف والرحمة فحظيت بالحنان منهما....

في مهد الايمان نشأت الزهراء نشأة جد و اعتكاف، نشأة وقار و حياء، فكانت ساكنة النفس، قويّة القلب، صافية السريرة، لا تعرف الا الايمان ولا يعرفها الا الايمان....

ص: 137

بعد وفاة خديجة ام الزهراء ، كانت الزهراء تنهض بأعباء البيت النبوي ، وترعى ابها الكريم وتقيض عليه من عطفها وحبها ، حتى دعاها اصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يام النبي او ام ايها «؛ (1)

«هرگاه بخواهيم صفات فاطمه زهرا رضوان الله عليها را در يك كلمه خلاصه كنيم كه از كلمات بسيار ما را بي نياز كند مي توانيم بگويم كه او مادر پدرش مي باشد و در خانه پدر و مادرش به مقامات عالي رسيد

پدر او كيست؟ سرور و حبيب ما رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، كريم ترين خلق خدا به طور ، مطلق كسي كه به عنوان رحمت عالميان مبعوث شده است و سرور ما و مادرمان خديجه ، پاك سرور زنان ، عالميان و كريم ترين زن نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم و محبوب ترين آنان به قلب شريفش در تربيتگاه باغ دو قلب بزرگ ؛ قلب پدرش و قلب مادرش با مهرباني آن دو فاطمه زهرا رشد يافت و از دسته گل هاي باغ آن دو محبت و عطوفت و رحمت ، چيد و از مهرباني آن دو بهره ها گرفت...

در گهواره ايمان زهرا رشد يافت رشدی همراه با جدیت و توجه، رشدی همراه با وقار و حیا. لذا فاطمه نفسی، آرام قلبی قوی، باطنی صاف داشت و جز ايمان را نمی شناخت و جز ايمان نیز او را نمی شناخت

بعد از وفات خديجه مادر ، زهرا هميشه زهرا قيام به شؤون خانه نبوت می نمود و پدر کریمش را مراعات می کرد و از عطوفت و محبتش او را سیراب می نمود تا به حدی كه اصحاب رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم او را به مادر پیامبر یا مادر پدرش لقب دادند.

8 - وداد سكاكینی

او كه از نویسندگان مصري می باشد درباره حضرت زهرا می نویسد :

«ناداها محمّد : يا فاطمة يا ام ايبيك ! وكان في صوته غنة ملائكة، فياضة بالحنان ممزوجة بالحزن والإشفاق سعدت من فمه، لكتّها

ص: 138

كانت من سويداء قلبه.

فاقبلت الزهراء نحو ابيها تمشى مشيته المحببة اليها ؛ وكانت خفيفة الخطى باسمه الوجه، متألقة العينين، تتلقى من رسول الله نفحة ايمانه و رضاه ، وبركة ابوته و نبوته.

سعت فاطمة الى ابيها تقرأ على وجهه المهيب بذكاء النظرة و استشفاف الفطنة لمحة الوحي . فقبلت يده و قالت نعم يا رسول الله ! بروحي انت و ولدي... « (1) ؛

«محمد او را ندا داد ای مادر پدرت در صورتش آوای ملانک بود همراه با جوشش از مهربانی ممزوج به حزن و ،شفقت که از دهانش بیرون آمد ولی از اندرون قلبش زهرا به سوی پدرش آمد و همانند کسی که محبوب نزد پدرش است راه می رفت او آرام آرام گام بر می داشت با صورتی بشاش، چشم هایی برافروخته، و از رسول خدا له دم ایمان و رضا و برکت پدرانه و نبوتش را تلقی می نمود. فاطمه متوجه پدر شد و در صورت باهیبتش ذکاوت نظر و شفافیت زیرکی را هنگام نزول وحی میدید فاطمه دستان پدر را بوسید و عرض کرد: آری ای رسول خدا روح و فرزندانم به فدای تو باد...».

نمونه هایی از مادری فاطمه زهرا نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

الف) مادری برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مکه

مسلم به سندش از ابو حازم نقل کرده :

«انه سمع سهل بن سعد یسأل عن جرح رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أحد ؟ فقال : جرح وجه رسول الله له و كسرت رباعيته و هشمت البيضة على رأسه. فكانت فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تغسل الدم و كان علی بن ابی طالب علیه السلام

ص: 139

1- امهات المؤمنین و بنات الرسول و داد سکاکنی ، ص ، 134 ، دار الفكر العربي قاهره.

يسكب عليها بالمجن. فلما رأَت فاطمة أنّ الماء لا يزيد الدم الأَكْثَرَةَ اخذت قطعة حصير فاحرقته حتى صار رماداً ثم الصقته بالجرح فاستمسك الدم»؛ (1)

«او شنید که سهل بن سعد از جراحی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز احد سؤال می کند؟ او گفت صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مجروح و دندان او شکسته و کلاه خود بر سر او شکسته شد فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خون را از حضرت می شست و علی بن ابی طالب علیه السلام کلاه خود بر او آب می ریخت. چون فاطمه دید که آب خون را زیاده تر می کند قطعه حصیری برداشت و آن را آتش

رازد تا خاکستر شود آنگاه خاکستر را به محل جراحی چسبانید و در آن

هنگام بود که توانست خون را قطع کند».

ابن ابی الحدید از واقعی نقل کرده:

«و خرجت فاطمة عليها السلام في نساء وقد رأَت الذي بوجه ايها عليها السلام فاعتنقته وجعلت تمسح الدم عن وجهه ورسول الله الله يقول: اشتد غضب الله على قوم دموا وجه رسوله ...»؛ (2)

«فاطمه عليها السلام با جماعتی از زنها بیرون آمد در حالی که مشاهده کرده بود چگونه صورت پدرش خون آلود است، پدر را در بغل گرفت و شروع به پاک کردن خون از صورت حضرت کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود غضب خدا شدید شد بر قومی که صورت رسولش را خون آلود کردند...».

(ب) مادری برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه

ابویوب انصاری میگوید

« انّ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مرض مرضة فأتته فاطمة عليها السلام تعودة و هو لا ناقة من

ص: 140

1- صحیح مسلم، ج 5، ص 178؛ صحیح البخاری، ج 3، ص 229؛ السنن الکبری، ج 9، ص 30.

2- شرح ابن ابی الحدید، ج 15، ص 35

مرضه، فلما رأته ما برسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من الجهد والضعف خنقتها العبرة حتى جرت دمعتها على خدّها، فقال النبي صلى الله عليه وآله وسلم لها: يا فاطمة! إنّ الله جل ذكره اطّلع على الأرض اطّلاعة فاختر منها أباك واطّلع ثانياً فاختر منها بعلك، فأوحى اليّ فأنكحتك، أما علمت يا فاطمة! إنّ لكرامة الله إياك زوجك أقدمهم سلماً وأعظمهم حلماً وأكثرهم علماً. قال: فسرت بذلك فاطمة عليها السلام واستبشرت بما قال لها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ...» (1)

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مریض شده بود، فاطمه به عیادت او آمد در حالی که حضرت تازه از مریضی بیرون آمده بود و بدنش ضعیف بود چون در چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آثار مریضی و ضعف مشاهده کرد گریه گلومیش را فشرده به حدی که اشکهایش بر گونه اش جاری گشت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود ای فاطمه! خداوند - جل ذکره نظری بر زمین کرد و از میان آن پدیرت را انتخاب نمود و سپس بار دوم نظر کرد و از میان آن شوهرت را برگزید و به من وحی نمود تا او را به ازدواج تو در آورم آیا ندانستی ای فاطمه همانا به جهت کرامت خدا به تو بود که تو را به ازدواج کسی در آورد که در اسلام بر همه پیشتر و در حلم از همه بزرگتر و در علم از همه بیشتر بود. ابو ایوب می گوید فاطمه علیها السلام به این مطلب و آن بشارتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او داد مسرور شد...».

ص: 141

شیعه و سنی در جلالت شأن حضرت خدیجه اتفاق نظر دارند اینک به سخنانی علمای اهل سنت درباره آن حضرت اشاره می کنیم:

1 - حضرت خدیجه علیها السلام، مجمع مکارم اخلاق

احمد خلیل جمعه از علمای اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد :

«انَّ الأخلاقَ العالیةَ ، والمکارمَ النبیلَةَ التي فُطرت علیها خدیجة جعلت منها معقد الفضل لأهل الفضل ، وینبوع الحیاة لكل من استظل تحت سقف بیتها المبارک الذی اکتفتته العنایة الإلهیة وسطعت فیہ شمس البشریة و نور الدنیا سیدنا و حبیبنا محمد صلی الله علیه و آله و سلم»⁽¹⁾

«همانا اخلاق عالی و مکارم ارزشمندی که خدیجه بر آن تربیت یافته بود از او شخصیتی ساخت که مجمع فضایل برای اهل فضیلت و چشمه جوشان زندگی برای هر کسی بود که به دنبال سایه بانی زیر سقف خانه مبارک خدیجه است سایه بانی که عنایت الهی آن را در بر گرفته و خورشید بشریت و نور دنیا سرور و حبیب ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم در آن پرتو افکنده است.

ص: 145

2 - حضرت خدیجه علیها السلام، یار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

دکتر موسی شاهین لاشین، نائب رئیس دانشگاه الأزهر مصر درباره حضره

خدیجه می نویسد:

«لا ینکر مسلم ولا مستشرق اثر خدیجة فی حیاة محمد صلی الله علیه و آله و سلم قبل البعثة و بعدها فقد ازلت عنه کل نصب و انسته من کل وحشة، و هونت علیه کل مکروه، و اراحته بما لها من کل کدّ و نصب، و مکنته من التحنت فی غار حراء الأیام واللیالی، فاذا جاء لیتزود هیأت له زاده و شدت ازره، و قوت من عزیمته ليعود الی محرابه فارغ البال من شواغل الحیاة مخلصاً نفسه لعبادة ربّه، کفته مؤنة التفکیر فی بناته و تربیتهن، و افسحت صدرها لابن عمّه علی بن ابی طالب لیتربی فی بیتها و لینال من البر و العطف اکثر ممّا تعطیه ابناؤها استجابت لرغبة محمد صلی الله علیه و آله و سلم و میوله و فتحت بیتها مثابة للمضطربین و اماناً، فقصدته الأیامی و شبعت منه الیتامی...» (1)

«هیچ مسلمان و مستشرقی تأثیر خدیجه در زندگانی محمد صلی الله علیه و آله و سلم قبل از بعثت و بعد از بعثت را فراموش نمیکنند او کسی بود که هر مشقتی را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دفع نمود و در هر وحشتی با او انس گرفت و هر مشکلی را بر او آسان نمود، و با آنچه داشت زندگی را برای حضرت از هر سختی و دشواری راحت کرد و زمینه را برای آن حضرت به جهت عبادت و مناجات در غار حرا فراهم ساخت، چون می آمد تا زاد و توشه بر دارد آن را برای او فراهم نمود و کمرش را محکم بست و قصدش را تقویت کرد تا به محرابش با خاطری آسوده از اشتغالات دنیایی، بازگردد و سینه اش را برای فرزند عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابی طالب علیه السلام گشاده نمود تا در خانه اش تربیت شود و از نیکی و عطوفت

ص: 146

1- أزواج النبی صلی الله علیه و آله و سلم، دکتر موسی ص 34 و 35 مکتبة المعارف، ریاض.

بیش از فرزندانش بهره ببرد میل و رغبت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را اجابت میکرد و خانه اش را بر روی مضطربین باز مینمود و برای آنان مأمنی قرار می داد و لذا مستمندان آنجا را قصد کرده و یتیمان در آن خانه سیر می شدند...».

3 - دفاع حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

دکتر موسی شاهین لاشین، نائب رئیس دانشگاه الأزهر در این باره می نویسد:

« و لما انذر عشيرته الأقربين ونادی فی قریش : ایها الناس ! انی رسول الله الیکم خاصة والی الناس عامة سخروا منه و آذوه، فكانت له سنداً و ظهیراً. تضمد جراحه و تکفکف دمه ، و تشد أزره و تثیر قوته و حماسه فی الداخل ، و تستنجد بقومها اخلاقهم لِحمايته و الدفاع عنه فی الخارج حتی قال الله صلی الله علیه و آله و سلم : (ما نالت قریش منی حتی ماتت خدیجة و ابوطالب). ولئن نسی التاريخ لذی الفضل فضله فلن ، و تستدر ینسی لخدیجة و قفتها الی جانب زوجها یوم قضی علیه و علی آله بحصار اجتماعی و اقتصادی ممیت لقد كانت اذ ذاك قد جاوزت الستین من ، عمرها، وقد علت بها السنّ، واثقلتها الشیخوخة ، و انهکها الوهن الذی اخذ یدبّ الی جسدها، ومع ذلك لم تتردد فی الخروج معه الی شعب ابی طالب لتذوق مع الرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هو من معه من اهله احوال الحصار... »؛⁽¹⁾

«چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قوم نزدیکش را انذار نمود و در میان قریش ندا داد ای مردم همانا من فرستاده خدا به سوی خصوص شما و عموم مردم هستم او را مسخره کرده و آزارش دادند. در آن هنگام خدیجه برای او تکیه گاه و کمک کار بود جراحتش را بهبودی داده و خوش را قطع مینمود و کمرش را محکم می بست و در داخل قوت و حماسه اش را بر می انگیخت و با

ص: 147

قومش او را کمک میکرد و اخلاقتشان را در حمایت و دفاع از او به کار می گرفت تا این که فرمود: (قریش متعرض من نشدند تا آنکه خدیجه و ابوطالب از دنیا رحلت کردند) اگر تاریخ فضیلت صاحب فضیلتی را فراموش کند هرگز فضیلت حمایت خدیجه نسبت به همسرش را فراموش نمی کند هنگامی که او و آلش را در محاصره اجتماعی و اقتصادی کشنده ای قرار دادند و این در حالی بود که خدیجه عمرش از شصت سالگی فراتر رفته و سستش بالا-، بود و پیری بر او سنگینی میکرد و سستی بدن بر جسم او تأثیر گذاشته بود، ولی در همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خروج با او به شعب ابوطالب یک لحظه درنگ نکرد تا با او و اهل بیت همراهش مشکلات محاصره را بچشد...».

4 - ایمان خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

ابراهیم محمد حسن الجمل درباره ایمان حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می نویسد:

«حینما قص الرسول صلی الله علیه و آله و سلم علی السیة خدیجة رضی الله عنها ما رأى وسمع فی غار حراء لم تنزعج لهذا الحدیث ، و لم تضطرب لغرابة ما یحدث به زوجها فلم تسمع من قبل بمثل ما تسمع به الآن و بالتالی لم یخالجها ادنی شك فی صدق ما یقوله محمّد ، ولم تظهر علی وجهها علامة استفهام تعبر بها عن حیرة فی النفس ، ولم یخامرها شك فی ان الذی جاءه ملك من عند الله سبحانه و تعالی

لقد سارعت الی التصدیق بایمان الواثق المؤمن المتبصر بنور الهدایة ، المطلع علی بواطن الأمور ، الموقن بنتیجة ما یقوم به محمّد من عمل و تفکیر و قیام و صلاة ، و كأنها درست هذا الأمر مسبقاً ، فقد بدت علیها السعادة والفرح العظیم ، فقالت ما قالت من منطق الواثق المتأكد.

و لَمَّا امره ربّه بالانذار فکر فیما یطلبه منه ربّه ، و لكن بمن سببتدیء ؟

و من سيطيعه فيما يدعو اليه؟ وهل سيستخلى الناس عن معتقداتهم و آلهتهم؟ وبينما هو يفكر وقد ألم به شيء من الهم والحزن، استمع الى صوت السيدة ام المؤمنين وهي تقول: اسمع يا بن عم! فالتفت النبي صلى الله عليه و آله و سلم اليها فقالت: اشهد ان لا اله الا الله وأن محمداً رسول الله. فما ان اتمتها حتى ابتسم صلى الله عليه و آله و سلم ونظر الى اعظم زوجة في هذه الدنيا فرحل عنه كل ما كان يساوره من هم وذهب ما به من حزن، و تفتح الأمل امامه، و اشرفت الدنيا في وجهه الشريف.

و هكذا كانت السيدة خديجة عظيمة في الجاهلية، وكانت أعظم في الاسلام وكان اسلامها من اهم الحوادث في تاريخ الدعوة الى الله «؛
(1)

«هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر خانم خدیجه رضی الله عنها - آنچه را در غار حرا دیده و شنیده بود نقل کرد هرگز انکار نکرده و به جهت غریب بودن آنچه از شوهرش میشنید هرگز اضطرابی به خود راه نداد او آنچه را که الآن میشنید هرگز از قبل نشنیده بود و در نتیجه کمترین شکی در صدق آنچه را محمد میگفت بر او وارد نشد و بر صورتش علامت سؤال پدید نیامد که حاکی از حیرت در نفس او باشد و هیچ شک نداشت در این که آنکه به سراغ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده کسی جز فرشته ای از جانب خداوند سبحانه و تعالی نبوده است.

خدیجه با سرعت هر چه تمام همانند ایمان مؤمن اهل بصیرت به نور هدایت و مطلع بر باطنهای امور و یقین کننده به نتیجه آنچه محمد صلی الله علیه و آله و سلم از عمل و فکر و قیام و نماز دارد، او را تصدیق کرد، گویا که این امر را سابقاً درس گرفته است لذا سعادت و شادی عظیمی در او پدید آمد و گفت آنچه را که از روی منطق محکم و با تأکید گفت .

و چون پروردگارش او را مأمور به انذار آنچه از او گرفته فرمود، فکر کرد که از چه کسی شروع کند؟ و چه کسی است که دعوتش را بپذیرد؟ آیا مردم دست

ص: 149

از عقاید و خدایان خود بر خواهند داشت؟ در آن حال که مشغول فکر کردن بود و مقدراری غم و حزن او را فراگرفته بود صدای خانم ام المؤمنین [خدیجه] را شنید که می گوید گوش فرادهای پسر عمو! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او التفات، نمود، خدیجه گفت گواهی می دهم که خدایی جز او نیست و این که محمد فرستاده خداست.

سخنان او تمام نشده بود که حضرت تبسمی کرد و به بزرگترین همسر در این دنیا نظر نمود، و هر غم و حزنی که در او پدید آمده بود از او دور شد و امید را در برابر خود مشاهده کرد و دنیا در چهره شریفش درخشش نمود.

این گونه خدیجه در عصر جاهلیت بزرگوار و در اسلام بزرگوارتر شد و اسلام آوردنش از مهمترین حوادث تاریخی دعوت به سوی خداست».

ابراهیم محمد حسن الجمل در ادامه می نویسد:

«حتی اذا اخبرها بالنبأ العظيم لم تقف صامته، و لم يذهب بها التفكير، مذاهبه، و لم تفكر لحظة تسترسل فيما قاله الرسول الأعظم، ولم ترجع قوله الى ما كان مشهوراً في زمانها من الحديث عن الجن والشياطين او الى مرضى نفسي، أو الى ضعف و تخاذل، وانما كانت قوية في اجابتها وفي تعبيرها و في استنتاجها مما يدل على أنها قوية النفس و الجنان، متفتحة العقل، واسعة الفكير، سليمة المنطق، فاهمة لقانون الإثابة و العقاب الإلهي...»؛ (1)

«چون خبر مهمی به او داد با سکوت توقف نمود و فکرش او را به مذاهب گوناگون، نبرد و یک لحظه در آنچه رسول اعظم الله صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بود با تردید فکر نکرد گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به آنچه در زمانش از سخن راجع به جنّ و شیاطین یا به مرض نفسی یا به ضعف و سستی نسبت می دادند ارجاع نداد، بلکه در اجابت دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در تعبیر و نتیجه گیری اش قوی بود همه این ها

ص: 150

دلالت دارد بر این که او نفس و قلبی قوی و عقلی باز و فکر واسع و منطقی

سلیم داشت و قانون ثواب و عقاب الهی را می فهمید...».

بودلی از مورخان غیر مسلمان درباره ایمان حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می گوید:

«انّ ثقة خدیجة بالرجل الذي تزوجته - لانها احبته - كانت تضفي جواً من

الثقة على المراحل الأولى للعقيدة التي يدين بها اليوم واحد من كلّ سبعة من سكان العالم»؛ (1)

«همانا اعتقاد خدیجه با مردی که با او ازدواج کرده بود از آن جهت که او را دوست می داشت - نشانگر جوی از اعتماد در مراحل اول به عقیده ای است که به آن امروز یک هفتم از ساکنان عالم امروز متدین اند».

5- عظمت حضرت خدیجه علیها السلام

ابراهیم محمد حسن الجمل درباره عظمت و جلالت حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد:

«لقد قدمت رضی الله عنها في حياتها كل خير و فضل، جبلت على حبّها لله، و فعلها الخير من اجله، و قدمت المساعدة والعون لكل من عرفت علمت حاجته و ضيقه، سواء في الجاهلية او في الاسلام.

لم يتسرب الشر اليها ولم تفكر فيه، و انما عاشت للخير و من اجل الخير، كانت ملكاً في ثوب انسان عالية الهامة شامخة في غير كبر او صلف، محل احترام من الجميع.

فما ان عرفت محمداً و توسمت فيه أنّه الطريق الى الله، حتى عضت عليه بالنواجذ و تفانت في خدمته و قدمت كل ما يحتاج اليه، و لم تدع وجهاً

ص: 151

1- ازواج النبی ص 35 و 36، به نقل از از بودلی در کتاب «نساء النبی»، ص 42

من وجوه العناية به والاخلاص له الا- قامت به على اكمل وجه لانه عبدالله ، ولانّ الله سيرعاه ، فكانت تشعر بما لا يخالجهما شك ، ان محمداً هذا ليس انساناً عادياً ، و انما خلق لمهمة عظيمة فما جبل عليه ، وما خلق له لابد ان يكون لأمر كبير .

كانت كلّما جلست اليه وتحديث معه شعرت بروحها تنساب الى العالم الصافي المملوء بالروحانية التي تطير بأجنحتها معه ، فتعيش في سعادة لا تعاد معها الى سماء المعرفة التي تشرق بالنور والسعادة « : (1)

«خديجه - رضی الله عنها در زمان حیاتش اقدام به هر گونه کار خیر و با فضیلتی نمود و محبت خدا در وجودش فطری شده بود و هر کاری را به خاطر خدا انجام می داد و هر کسی را که در ایام جاهلیت یا اسلام می دید که احتجاجی دارد یا در مضیقه است او را مساعدت و کمک می نمود.

هرگز شر به او رسوب نکرد و در آن فکر هم ننمود، و تنها زندگی اش برای خیر بود. او فرشته ای بود در لباس انسان با همتی عالی و مقامی شامخ بدون تکبر و خودستایی و محل احترام تمام مردم و چون محمد را شناخت و در او راه به حق را دید دل را بر او محکم کرد و زندگی را در خدمت به او فانی نمود و هر آنچه را که احتیاج داشت به او تقدیم کرد و هر عنایت و اخلاصی که به او لازم بود انجام گیرد به نحو احسن به آن قیام می نمود؛ چراکه او بنده خدا، و مورد توجه خدا بود و او می دانست چیزی را که در آن شک نبود و آن اینکه این محمد انسان عادی نیست بلکه به جهت کار مهم و بزرگی که فطرتاً بر آن آفریده شده، خلق گردیده است و آنچه به جهت آن خلق شده باید کار بزرگی باشد.

خدیجه که هر گاه با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می نشست و با او سخن میگفت، با روحش احساس یک عالم تصفیه شده و مملو از روحانیت را می نمود که با بال هایش با آن پرواز میکند و در سعادت زندگی می کند که سعادت همانند آن نیست لذا

ص: 152

1- امّ المؤمنین خدیجة بنت خویلد ابراهیم محمد حسن، ص 230 ، دار الفضیلة، قاهره.

در برابر او درهایی از نسیم های الهی باز شد که او را به آسمان معرفت بالا برد، معرفتی که به نور و سعادت درخشان بود.

6 - کمک خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل از بعثت

محمد فرید وجدی در مقاله «السيرة المحمدية» درباره حضرت خدیجه صلی الله علیه و آله و سلم می نویسد:

«شاطرته الحياة وهي في ريعان الشبيبة، فكفته بما لها الكد المضمني فسهلت له التجرد للتفكير والتأمل، وهما باباً الإهداء الى الحق، و طريقاً التهيوء للنبوة التي كتبها الله له، وسوّغت له الانقطاع عن العمل الدنيوي الأيام والليالي التي كان يقضيها في غار حراء...» (1).

«خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زندگی مشترک داشت در حالی که سنی از او گذشته، بود و با آنچه داشت زندگی دشوار و همراه با مشقت آن حضرت را کفایت نمود و برای او زندگی همراه با تفکر و تأمل را تسهیل کرد، این دو دریچه ای برای هدایت به حق و طریقی برای آماده شدن برای نبوت است، نبوتی که خداوند برای او نوشته و به او اجازه انقطاع از عمل دنیوی داده بود، و آن حضرت در غار حرا چند شبانه روزی به سر می برد».

7 - خدیجه علیها السلام، سرور زنان قریش

توفیق ابو علم درباره حضرت خدیجه می نویسد:

«و كانت السيدة خديجة تسمى في الجاهلية بالطاهرة، وسيدة نساء قریش» (2).

«خانم خدیجه در جاهلیت به طاهره و سرور زنان قریش نامیده می شد».

ص: 153

1- مجلة الازهر، 1359، ص 648

2- فاطمة الزهراء علیها السلام، ص 36.

محمد شلیبی می نویسد:

«و شهدت فاطمة شيئاً عجباً، شهدت أمها خديجة تؤمن بالله ورسوله و تصدق بما جاء منه، فكانت بذلك أول من آمن به صلى الله عليه و آله و سلم، ثم اشتد عجبها حين جاء أبوها رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم خديجة، فتوضأ لها ليرها كيف الطهور للصلاة كما اراه جبرئيل، فتوضأت كما توضأ لها رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، ثم صلى بها رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم كما صلى به جبرئيل، فصلت بصلاته.

ما هذا الذي يفعله ابوها وامها؟! جعلت الطفلة فاطمة تنظر اليهما في شغف و حنان و شوق ان تفعل كما يفعلان «؛ (1)

«فاطمه چیز عجیبی را دید مشاهده کرد مادرش خدیجه را که به خدا و رسولش ایمان آورده و آنچه را که شوهرش آورده تصدیق می کند و لذا از این طریق اولین مؤمن به او گردیده است. سپس تعجبش بیشتر می شود هنگامی که پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد خدیجه آمده و وضو می گیرد تا به او کیفیت وضو گرفتن برای نماز را نشان دهد آن گونه که

جبرئیل به او نشان داده است و لذا خدیجه وضو گرفت آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای او وضو ساخت سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد او نماز گزارد آن گونه که جبرئیل نزد او نماز گزارده بود و خدیجه نیز به نماز حضرت نماز خواند.

این آن کارهایی بود که پدر و مادر فاطمه انجام دادند و فاطمه به آن دو با مهربانی و عطوفت و شوق می نگریست و میخواست کاری را انجام دهد که آن دو انجام می دهند.»

ص: 154

9 - بلندی عظمت و مقام حضرت خدیجه علیها السلام

محمد علی قطب در مقدمه کتابش «خدیجة بنت خویلد» می نویسد:

«فای کلمه - یا سیده نساء العالمین - ترتفع من دنیانا الی علیانک فتقیک حقک؟ وایه عبارة مهما رقت و لطفت تبلغ مقامک الأسمى؟ وای قلم لا- ترتعش ، وایه ید لا تهتز و ترتجف ، و هی تخط سیرتک الطاهرة؟ بكلّ الاعزاز و الاکبار ، بكلّ القدسیة والرهبنة، بكلّ الخشوع والحجیة، نستأذنک کی نأتیک فی محرابک الأسنی، و ننتقل الی ابنائنا و احبائنا بعض الملامح عنک ، لتکون لهم ولنا نبراساً به، نهتدی و من دُؤایة شعاعه نستضيء...»

عزیزی القارئ!

لیس الحدیث عن السیده (خدیجة بنت خویلد) - ام المومنین رضی الله عنها - بالهین السهل؛ فانّ فی جوانب حیاتها وموقفها وعظمة شخصیتها ، معالم یعجز الذهن عن بلوغ اعماقها و سبر غورها، اللهم الا لمساً رقیقاً رقیقاً.

و لکننا نستعین الله تعالی ونسأله العون والمدد ، ان یوقفنا لجلال ما خفی

ودق ، و ابراز ما لطف ، و ورق ، و من مکنون هذا الكنز العظیم...»؛ (1)

«پس کدامین کلمه ای سرور زنان عالمیان از دنیای ما برخواست و به مقام بلند تو خواهد رسید تا بتواند حق تو را ادا کند؟ و کدامین عبارت هر چند رقیق و لطیف باشد می تواند حق مقام بلند تو را ادا کند؟ و کدامین قلم رعشه نگیرد و کدامین دست تکان نخورد و نلرزد در حالی که می خواهد سیره تو را به رشته تحریر در آورد؟ با تمام عزت بخشیدن و تعظیم کردن با تمام تقدیس و خوف با تمام خشوع و حجیت از شما درخواست اجازه و اذن

ص: 155

1- خدیجة بنت خویلد، محمد علی قطب، ص 6 و 7، دار القلم، بیروت.

می کنیم تا به محراب بلند و با عظمت تو وارد شویم و به فرزندان و دوستانمان برخی از مقامات تو را منتقل، سازیم تا برای آنان و ما الگویی سازنده باشد و به او هدایت پیدا کرده و از نور شعاعش بهره روشنایی ببریم.

خواننده عزیز من!

سخن درباره خانم خدیجه دختر خویلد امّ المؤمنین رضی الله عنها آسان و سهل نیست؛ زیرا اطراف زندگی و موقفها و عظمت شخصیت او حقایقی را در نهان دارد که ذهن از رسیدن به اعماق آن و بررسی ابعاد شخصیت او عاجز است بارخدا یا جز یک لمس رقیق با مدارا.

ولی ما از خداوند متعال استعانت می جویم و از او کمک و یاری می طلبیم که ما را در جلا دادن آنچه که مخفی و دقیق است و ابراز آنچه لطیف و رقیق

میباشد، از درون این گنج بزرگ موفق دارد...».

10 - حضرت خدیجه علیها السلام، یار غمخوار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

او نیز درباره خدیجه علیها السلام می نویسد

«كانت امّ المؤمنین خدیجة تهوّن علیه کل عسیر ، و تخفّف عن قلبه و بدنه و طأه الأذى الكثير. كانت كلماتها كالبلسم لجراحات نفسه، و بسّمّتها الهادئة الحنون اشعاعاً ینعکس علی صفحة قلبه ، فاذا بالعنا یزول ، واذا بالعزيمة تشد و تقوی...» ؛ (1)

«ام المؤمنین خدیجه همیشه سعی میکرد تا هر دشواری را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آسان کرده و از قلب و بدن او فشارهای اذیت دهنده بسیار را تخفیف دهد. کلمات او همانند مرهمی برای جراحات نفس آن حضرت بود، و تبسم آرام همراه با مهربانیاش شعاع هایی بود که بر صفحه قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منعکس می شد، و ناگهان غصه زایل و عزم او شدت و قوت میگرفت...».

ص: 156

محمد على قطب مى نويسد:

«... وجد المسلمون أنفسهم - ومعهم بنو هاشم - امام حرب مدينة قاسية مريرة، وحوصروا اثناءها فى شعب من شعاب مكة، هو شعب ابى طالب. وقد سلط المشركون عليهم اشدّ الأسلحة فتكاً واقواها اثراً، كالجوع والعطش، والوحدة الرهيبة ولم يستطع أحد من المسلمين المحاصرين ان يجد مخرجاً من ذلك الحصار، فصمدوا حتى يأتيهم الله تعالى بالفرج والنصر. وكان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بين اصحابه هادئاً يُلقنهم الدين ويفقههم فيه ويدعوهم الى الثبات والصبر.

و كانت خديجة بين من حوصروا، لم تترك زوجها، رغم أن الشيوخة ادركتها بثقلها القاسي ووطأة السنين واقامت - رضى الله عنها - مع الزوج الحبيب في الشعب.

يا للسيدة البارة الحنون تستبدل حياة العزّ والرفاهية، والمجد والسؤدد والغنى والسعة، بهذه الحياة الخشنة القاسية، وتشرب الماء، مرة لتذوق العطش والغلة مرات، كما أنّها لا تجد من الطعام الا القوت الخش القليل ماذا كان يفيدها لو بقيت في بيتها الرفيع العماد، وفي رعاية اسرتها العريقة، فلا تُعرض نفسها للهلاك وجسدها المنهوك للضنى والارهاق؟! ألم يكن لها من كبر سنّها عذر تتذرع به به فتتخلف عن متابعة الجماعة وتنجو بنفسها من ويلات هذا الحصار؟

انّ التاريخ ليحني رأسه امام عظمة ام المؤمنين خديجة بنت خويلد رضى الله عنها - ويقف امامها خاشعاً مكتوف اليدين، لا يدري أين يضعها في سجل العظماء.

بالأمس وقفت الى جانب الرسول الأعظم صلى الله عليه وآله وسلم تغذيه بالحب وتطعمه

العطف والحنان واليوم - وهي في سن الشيوخة التي لا ترحم - تسمح لها بالجهد والشهر والرعاية، تنفخ فيه من روحها روح العزم والإقدام ، و تضرب اعظم مثل بالصمود ، فتزیده قوّة على قوّة، في وقت تنكرت له فيه العشيرة ، و تهجمت له قريش وهو ابن ساداتها الأكرمين .

و ان قلبها الفتى ، المشبوب العاطفة ، والعامر بالايمان والحب الطامع في مثوبة الله يوم حسابه ، لن يتخلّى ابداً عن محمد في وقت الضرورة والحاجة...» ؛ (1)

«... مسلمانان همراه با بنی هاشم خود را در برابر جنگی شهری همراه با قساوت و تلخ مشاهده کردند که در اثناء آن در دره ای از دره های مکه به نام شعب ابی طالب محاصره شده بودند مشرکان بر آنان با سخت ترین و قوی ترین اسلحه به لحاظ تأثیر و آزاردهندگی همچون گرسنگی و عطش و تنهایی وحشت آور مسلط شده بودند و هیچ یک از مسلمانان محاصره شده نمی توانستند از آن حصار راهی را برای خروج بیابند. در آن محل ماندند تا آن که خداوند متعال آنان را با فرج و نصرت یاری نمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در بین اصحابش آرام آرام دین را تلقین کرده و آنان را فقیه در دین می نمود و به ثبات قدم و صبر دعوت می کرد.

خدیجه بین افراد محاصره شده بود و هرگز شوهرش را رها نکرد، به رغم آن سنگینی شکننده و سن بالای که او را فرا گرفته بود ولی او رضی الله عنها همراه شوهر محبوبش در شعب اقامت کرد ای سرور نیکوکاران مهربان تو زندگانی همراه با عزت و رفاه طلبی و مجد و بزرگواری و بی نیازی و وسعت را با این زندگانی خشن و با قساوت معاوضه کردی و یک بار آب می نوشیدی تا عطش و گرسنگی را چندین بار بجوشی؟ همانگونه که نچشیدی از غذا مگر به اندازه، قوت آن هم از غذای خشن و کم چه میشد اگر در خانه مرتفع و بلندش باقی میماند و در سرپرستی قوم ریشه دارش قرار میگرفت، و کسی

ص: 158

متعرض هلاکت جان و جسم نهیف او نمیشد؟ آیا سن بالای او برایش عذری نبود که نزد دیگران آورده و با آن از دنبال کردن جماعت تخلف و خودش را از مصیبت های این محاصره نجات بخشد؟ به طور قطع، تاریخ سر تعظیم در برابر عظمت ام المؤمنین خدیجه دختر خویلد - رضی الله عنها - فرود می آورد و در برابر او خاشع و دست بسته می ایستد و نمیداند که او را در کجای کتاب بزرگان قرار دهد.

دیروز در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و او را از محبت سیراب کرده و با عطوفت و مهربانی با او رفتار مینمود و امروز که در سن پیری است که به کسی رحم نمیکند با کوشش و بیداری و رعایت حال به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لطف عنایت مینماید و از روحش روح عزم و اقدام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می دهد تا قوتی به قوت او بیفزاید در وقتی که عشیره اش از او کناره گرفته و به او بی توجهی نموده

و مورد تعرض قریش واقع شده و او از بزرگان کریم به حساب می آمد.

و همانا قلب جوان او همراه با عاطفه آباد به ایمان و محبت، طمع کننده در ثواب خدا در روز قیامت بود هرگز از محمد در وقت ضرورت و احتیاج جدا نشد...».

12 - پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تکریم خدیجه علیها السلام

سید احمد سایح از علمای اهل سنت در کتاب «الاضواء فی مناقب الزهراء» می نویسد:

« لقد اکرم الله عز وجلّ ام المؤمنین السیدة خدیجة سیدة نساء العالمین رضی الله عنها - بأکرم خصوصية، وهي ان الله تعالى جعل ذریة المصطفى - صلی الله علیه و آله و سلم - منها. و لقد كانت رضی الله عنها نعم الزوجة الصالحة التي اعانت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بنفسها و مالها... و قد ظل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یحبّها و یذکرها و یثنی علیها حتی بعد انتقالها الى الرفیق الاعلی... و كان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اذا اهدى الیه تقول: اذهبوا به الى بیت فلانة فانّها كانت صديقة لخدیجة. او يقول: اذهبوا به الى بیت

فلانة ؛ : فانها كانت تحب خديجة. فقد كانت رضي الله عنها مليء حياة

المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم في حياتها ... « (1)؛

« خداوند عزوجل ام المؤمنين خديجه سرور زنان عالميان - رضی الله عنها - را به کریم ترین خصوصیت تکریم کرده است و آن اینکه خداوند متعال ذریه مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را از ذریه او تعیین نموده است و او -رضی الله عنها - بهترین همسر صالحی بود که با جان و مالش به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کمک نمود...»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همیشه او را دوست داشته و یاد می نمود و بر او درود می فرستاد حتی بعد از انتقال او به رفیق اعلی... و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون برایش هدیه آورده می شد می فرمود آن را به خانه فلان زن ببرید، چراکه او دوست خدیجه بود یا می فرمود آن را به خانه فلان زن ببرید؛ زیرا که او خدیجه را دوست می داشت. او رضی الله عنها - زندگی مصطفی [رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم] را در خود پیاده کرده بود...».

13 - همراهی حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

احمد خلیل جمعه درباره حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد:

«كانت امّ المؤمنین خدیجة رضوان الله علیها اعرف الناس و أقدرهم علی وزن ما حُمِّلَ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من امانة رسالته، فقد آمنت به و صدقته رسولاً أميناً لله تعالی، يتلقى و حیه و يبلغ رسالته، فيلقى من البلاء ما تنوء تحت ثقله ثوابت الرواسي، فتتنفس عنه و تشجعه و تعينه الصبر ، و تسمح عن صدره ضائقات الصدور و تهمس له بلواطف العواطف النبيلة ، كيما يتم تبليغ ما أمره الله.

قضت السيدة الطاهرة خدیجة رضی الله عنها في كنف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اشق مراحل الدعوة ، فكانت حياتها معه أو في حياة زوجة لزوجها وابراً

ص: 160

1- الاضواء في مناقب الزهراء، ص 21 و 22 .

شريكة لشريكها كانت تشاركه مباحجه و مسرّاته ، و تهيبىء له اسباب تفرّغه لعبادة ربه، تخدمه فى بيتها و عقلها و روحها و وجدانها...

و عند ما حدثها عن الوحى ، و عن المفاجآت التي لقيها ، عرفت بفراسرتها الواحية ، و حسّها المرهف، و شعورها المستشرف ان امر هذا الزوج الأكرم لم يعد أمر حياة زوجية يملؤها دفء الحنان و همس الوفاء، ولكنّها ارتقت الى حياة جديدة فى معالمها الى حياة رسالة و رسول الى حياة خالدة حياة دعوة تهدم و تبني ؛ تهدم الشرك و الوثينة و تبني التوحيد و العبادة، تهدم التقليد الأبله و تبني المعارف و الهداية.

و بهذا ، فلترفع خديجة الصديقة الأولى، بحياة الزوجية الوفية الى حياة الصديقة العظمى، حياة الايمان بالرسالة و الرسول ، و لتكن الطاهرة معه و زيرةً صدق و رفيق اخلاص و فداء ؛ فالرسول الله هو الصادق الامين ، و مجمع مكارم الأخلاق و موئل الفضائل و منتج الشمائل ، و منبع المحامد و مصدر الخير. و قد اجتباها الله تعالى اميناً للرسالة. و قد عرفت خديجة الطاهرة رضوان الله عليها هذه المحامد كلّها و قدرت شخص الرسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و ومرت الحياة فى ظل وفاء الزوجية و صديقة الايمان ، بين محمد صلى الله عليه و آله و سلم الزوج الكريم الحبيب، و بين خديجة الزوجة

الوفية، الصديقة المؤمنة...» ، (1)

ام المؤمنين خديجة كه خشنودى خداوند بر او باد از همه بيشر به پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم معرفت داشته و قدر و اندازة امانت رسالت او كه بر دوش حضرت گذاشته شده بود را از همه بيشر مى دانست او به پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم به عنوان رسول امين خداوند متعال ايمان آورده و او را تصديق كرد پيامبرى كه وحى را تلقى کرده و رسالتش را ابلاغ مى كند و از اين رهگذر به مصيبت هاى مبتلا مى شود كه زير سنگينى آن كوه هاى سر به فلک كشيده خم مى شوند و در اين هنگام

ص: 161

است که او را یاری داده و بر ادامه کارش تشویق نموده و بر صبر کمکش می نماید و از سینه اش گرفته گیری ها را می زداید و با لطایف لطیف و ارزشمند را برایش می گوید تا تبلیغ آنچه را خداوند به آن دستور داده تمام کند.

سرور طاهره خدیجه رضی الله عنها در دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پر مشقت ترین مراحل دعوت را گذراند و در زندگی همراه او بود یا در زندگی زنی برای همسرش و بهترین شریک برای شریکش او در شادی ها و سرورها با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشارکت مینمود و برای او اسباب فراغت برای عبادت پروردگارش را فراهم مینمود و در خانه اش و عقل و روح و وجدانش او را یاری می داد...

و هنگامی که از وحی برایش سخن گفت و از اتفاقی که برایش افتاده او با زیرکی وحی گونه اش و حس دقیقش و شعور بلندش فهمید که امر این همسر از همه کریمتر تنها مربوط به زندگی همسرانی نیست که تنها مهربانی و وفاداری آن را پر کرده باشد بلکه از این بالاتر رفته و به زندگی جدیدی با خصوصیاتش بلکه به زندگی رسالت و رسول ارتقا داده شده و به زندگی دائمی زندگی دعوت که خراب میکند و می سازد؛ شرک و بت پرستی را خراب کرده و توحید و عبادت را از نو می سازد، تقلید ابلهانه را خراب می کند و معارف و هدایت را میسازد تبدیل می کند.

و بدین جهات است که خدیجه اولین صدیقه باید از زندگی همراه با وفاداری ارتقا یافته و به زندگی صدیقیت بزرگ زندگی ایمان به رسالت و رسول، ارتقا یابد زندگی که خدیجه طاهره با او وزیر راستین و رفیق با اخلاص و فداکار است. پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همان راستگوی امین و مجمع مکارم اخلاق و مجمع فضایل و محل رویش و منبع صفات پسندیده و مصدر خیر است که خداوند متعال او را امین رسالت قرار داده است و خدیجه که خشنودی خداوند بر او باد تمام این صفات پسندیده را در پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، شناخته و به بهترین وجه از شخصیت او تقدیر نموده است و زندگانی او در سایه وفاداری به همسری و تصدیق ایمان سپری شده با بین محمدی که همسری کریم و دوست داشتنی داشت و بین خدیجه که زنی با وفا و تصدیق کننده مؤمن می باشد...».

ذهبی درباره حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد:

«خدیجة امّ المؤمنین و سیده نساء العالمین فی زمانها...»

و مناقبها جمّة و هی ممّن کمل من النساء، کانت عاقلة جلیلة دینة مصونة کریمة من اهل الجنّة، وکان یثنی علیها، و یفضّلها علی سائر امهات المؤمنین، و یبالغ فی تعظیمها، بحیث ان عائشة کانت تقول: ما غرّت من امرأة ما غرّت من خدیجة من کثرة ذکر النبی صلی الله علیه و آله و سلم لها.

و من کرامتها أنّه لم یتزوج امرأة قبلها، و جاءه عدة، اولاد، ولم یتزوج علیها قط، و لا تسری الی ان قضت نحبها، فوجد لفقدها، فانا کانت نعم القرین. و کانت تتق علیه من مالها و یتجر هو صلی الله علیه و آله و سلم لها. و قد امره الله ان یشرها ببیت فی الجنّة من قصب، لا صخب فیها و لا نصب»؛ (1)

«خدیجه مادر، مؤمنان و سرور زنان عالمیان زمان خود... و مناقبش بسیار است او از جمله کسانی است که به کمال رسیده و عاقل، جلیل القدر، خود نگه دار و کریم و از اهل بهشت میباشد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را ستایش نموده و بر دیگر زنانش برتری داده و در تعظیمش مبالغه نموده است به حیثی که عایشه می گفت: من بر زنی همچون خدیجه رشک نبردم به جهت آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسیار او را یاد می نمود و از جمله کراماتش این که قبل از او با زنی دیگر ازدواج نکرده بود و تنها او بود که برایش تعدادی فرزندان آورد و تا او زنده بود با کس دیگری ازدواج نکرد و کنیز را برای خود نگرفت تا خدیجه از دنیا رحلت، نمود و با نبود خدیجه خودش را تنها دید و چه خوب همنشینی برای پیامبر بود. او از مالش بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انفاق می نمود و حضرت نیز برای او تجارت می نمود و خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور داده بود که خدیجه را

ص: 163

به خانه ای در بهشت که از نی درست شده و دشواری در آن نیست بشارت دهد.

15 - زنده بودن خدیجه علیها السلام در طول تاریخ

احمد خلیل جمعه از علمای اهل سنت در این باره می نویسد :

«هل توقفت حياة ام المؤمنين خديجة بانتقالها الى رفيق الأعلى؟! ان ذكرى الطاهرة خديجة رضى الله عنها وصورتها لم تكن تبرح خيال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ابداً، وكيف تبرح صورتها ذهنه وهو اوفى الأوفياء وسيد الاصفياء؟! اعتقد ان الحياة الحقيقية للسيدة خديجة رضى الله عنها ما زالت مستمرة الى ما شاء الله، لقد رافقت ذكرياتها مسيرة حياة بناتها و احفادها، ثم فى حياة كل امرأة تؤمن بالله ورسوله، وفي ضمير كل الله ورسوله. ان الثناء لا يكتسب بالمال، وانما بما يترك مؤمن يحب الانسان في دنياه من فضائل يبقى أريجها مدى الدهر، ينتعش بذكره الأحياء، وتصفو بذكرياته النفوس، وتتغذى بسيرته العقول؛ قل لى ربك: اليست هذه قمة السيادة فى الحياة وفي الممات؟!»

ان صديقة المؤمنات الأولى خديجة رضى الله عنها لم تكن ام المؤمنين فحسب، وانما كانت ام كل فضيلة ولها فى عنق كل موحد فضل وحق الى يوم يبعثون، فهل نستطيع ان نفى امنا جزءاً من حقها؟!...» (1)

«آيا زندگانی ام المؤمنین خدیجه با رفتش به عالم اعلى متوقف می شود؟ همانا یاد خدیجه طاهره که خشنودی خدا بر او باد و صورتش هرگز این گونه نبوده که از خیال رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم پاک شود و چگونه صورت او پاک و محو شود که او با وفاترین وفاداران و سرور خالص شدگان است؟!»

ص: 164

من معتقدم که زندگانی حقیقی خانم خدیجه که خشنودی خدا بر او باد تا جایی که خدا بخواهد همیشه استمرار خواهد یافت چرا که یاد او در مسیر زندگی دختران و نسل او همراه بوده و ادامه دارد و نیز با زندگی هر زنی که به خدا و رسولش ایمان آورده و در ضمیر هر مؤمنی که خدا و رسولش را دوست دارد قرین است.

همانا سپاس و ستایش چیزی نیست که با مال خریده شود، بلکه با فضیلتی به دست می آید که انسان در دنیای خود به جای گذاشته و ارزش آن تا پایان روزگار باقی میماند فضیلتی که زنده ها از آن بهره برده و به یادش نفس ها صفا یافته و به سیره اش عقل ها ارتزاق. یابند از جانب من به پروردگارت بگو آیا این اوج بزرگواری در زندگانی و در مرگ نیست؟!

همانا صدیقه زنان مؤمنه صدر اسلام خدیجه رضی الله عنها، تنها ام المؤمنین، نبوده بلکه مادر تمام فضیلت هاست و بر گردن هر موحدی تا روزی که همگی برانگیخته شوند فضیلت و حق دارد و آیا می توانیم قسمتی از حق مادر خود را نفی کنیم؟!...».

16 - برکت زندگی حضرت خدیجه علیها السلام

احمد خلیل جمعه از علمای اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام در مقدمه کتابش مینویسد:

«البداية العطرة من أين نبدا أيتها السيدة الكريمة؟ من أين أيتها الأم التي لا يداني فضلك فضل؟ ان سيرتك كلها فضيلة في فضيلة في فضيلة. ان حياتك من اول يوم عرفت فيه سيدنا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كلها بركات تترى.

فالحديث عنك سيدتي - بل امي - واسع الآفاق، عميق المدى، ندى العطاء، فيه سُبحات مبارك في بحار انوار صفائك وكرمك الذي كان قبلة النساء في هذا المجال.

ان تاريخ النساء في دنيا التاريخ لم يحفظ في اوراقه ان امرأة من فضيليات النساء في دنيا النساء قد فاحت سيرتها بالعطاء كما كنتِ أنتِ لقد تناول التاريخ سيدير نساء كثيرات، اشتهرت بجانب او اكثر، ولكنه لم يحدثنا كما حدثنا عنك - أنهنّ بلغن قمم المكارم في كل الفضائل كما بلغتِ انت. وقد حفظ التاريخ كثيراً من فضائلك ولكنه - على رغم ذاكرته الواسعة - لم يستطع ان يحصر تلك الفضائل بين دفتيه.

لقد كنتِ واسعة العقد في نساء اهل البيت الذي اذهب الله عنه الرجس و طهره تطهيراً.

لقد كنت عنوان كل فضيلة في نساء ذلك البيت الحميد الذي بارك الله فيه

وعليه.

فهل تسمحين ايتها الأم الرؤوم ان نتفياً بظلام سيرتك بعض الوقت كيما تكون سيرتك زاداً لنا في هذه الحياة التي نحياها، و لتكون سيرتك جواز مرور الى مرتبة الفضل و سدة العطاء؟

فما أحلى تلكم الاوقات التي نحياها مع امنا، ام المؤمنين، خديجة بنت خويلد، زوج رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، و ام الذرية الطاهرة، وسيدة نساء العالمين، و قدوة نساء المسلمين

اذن، فلتكن الرحلة سعيدة - ان شاء الله - مع سيرتك المعطار، و مع وقفات نبيلة كريمة من حياتك، من عطائك المُستمد من شخصية النبي الرؤف الرحيم و حبيبنا محمد صلى الله عليه وآله وسلم»؛(1)

«شروعی عطر آگین از کجا شروع کنیم ای سرور کریم؟ از کجا شروع کنیم ای مادری که هیچ فضیلتی با فضیلت تو هم پا نمی گردد؟ همانا سیره تو تماماً فضیلتی است در فضیلت در همانا زندگی تو از روزی که سرور ما

ص: 166

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را شناختی تماماً برکاتی بوده که پیایی میرسیده.

پس سخن درباره تو ای سرور- من بلکه‌های مادر من افقی گسترده و وادی عمیق و عطایی تازه دارد که در آن تسییحات مبارکی است در دریا‌های انوار

صفا و کرم تو که قبله زنان در این جهت میباشی. همانا تاریخ زنان در دنیای تاریخ در اوراقش حفظ نکرده زنی را در فضیلت های زنانه در دنیای زنان که در خوب زندگی کردن به پای تو برسد. تاریخ سیره های زندگی زنان بسیاری را مشاهده کرده که از یک جهت یا جهاتی مشهورند ولی آن گونه که از تو سخن گفته از دیگر زنان سخن نگفته است نگفته که آنان به بالاترین قله های کرامت ها در تمام فضیلت ها رسیده اند آن گونه که تو رسیده ای تاریخ بسیاری از فضایل تو را حفظ کرده ولی به رغم حافظه گسترده ای که دارد - نتوانسته فضایل تو را در یک کتاب جمع آوری کند....

تو عنوان هر فضل و فضیلتی در بین زنان آن بیت پسندیده و مورد ستایش بودی که خداوند در آن ها و بر آنان برکت قرار داده است.

آیا اجازه میدهی ای مادر نوازشگر تا از سایه سیره شما در برخی از اوقات استفاده کنیم تا سیره شما زاد و توشه ای برای ما در این حیاتی باشد که ما در آن زندگی می کنیم و سیره شما موجب گذر به مرتبه فضل و عطا باشد؟

چقدر زیباست آن اوقاتی که با مادرمان زندگی میکنیم، مادری که مادر مؤمنان خدیجه دختر خویلد همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مادر ذریه پاک و سرور زنان عالمیان و الگوی زنان مسلمین است.

در این حالت پس باید کوچی با سعادت باشد اگر خدا بخواهد - همراه با سیره معطر تو و همراه با توقعهایی با ارزش و کریم از زندگانی تو، از عطا تو که برگرفته از شخصیت پیامبر رأفت و مهربانی و محبوب ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم است».

17- خدیجه علیها السلام، نعمت الهی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

عبدالعزیز شناوی از علمای اهل سنت مصر درباره ام المؤمنین حضرت

خديجه عليها السلام مى نويسد:

«كانت الطاهرة من نعم الله عزوجل الجليلة على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، بقيت معه خمساً وعشرين سنة تحن عليه ساعة قلقه و توازره في اخرج اوقاته و تعينه على ابلاغ رسالته و تشاركه في مغارم الجهاد المر

و تواسيه بنفسها و مالها ... » (1)

«خديجه طاهره از نعمتهاى با ارزش خداوند متعال بر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم بود كه با آن حضرت بيست و پنج سال زندگى كرد و به او در ساعات گرفتارى مهربانى نمود و در سخت ترين اوقاتش او را كمك کرده و در ابلاغ رسالتش او را يارى مينمود و در جنگ هاى تلخ خسارت دارش با او شركت کرده و با جان و مالش او را پشتيبانى مى نمود...».

18 - برترى حضرت خديجه عليها السلام بر عايشه

سيد محمود آلوسى حنفى مى گويد:

«و بعد ذلك كله الذى يدور في خلدى ان افضل النساء فاطمة ، ثم امها ، ثم عائشة ، بل لوقال قائل : ان سائر بنات النبي صلى الله عليه وآله وسلم افضل من عائشة لا ارى عليه بأساً. وعندى بين مريم وفاطمة توقف ؛ نظراً للأفضلية المطلقة، و اما بالنظر الى الحيثية فقد علمت ما أميل اليه وقد سئل الامام السبكي عن هذه المسألة فقال : الذى نختاره و ندين الله تعالى به ان فاطمة بنت محمد صلى الله عليه وآله وسلم افضل ثم امها ثم عائشة. و وافقه في ذلك البلقيني. وقد صحح ابن العماد ان خديجة ايضاً افضل من عائشة لما ثبت انه عليه الصلاة والسلام قال لعائشة حين قالت : قد رزقك الله تعالى خيراً منها ، فقال لها : لا والله ما رزقني الله تعالى خيراً منها ، آمنت

ص: 168

1- سيّدات نساء اهل الجنة عبد العزيز شناوى، ص 95 مكتبة التراث الاسلامى، قاهره

بی حین کذب‌نی الناس، و أعطتی مالها حین حرمني الناس واید هذا بانّ عائشة اقرأها السلام النبوی صلی الله علیه و آله و سلم من جبریل، و خدیجة اقرأها السلام جبریل من ربّها»؛ (1)

«و بعد از این همه که گفتیم آنچه که در خاطر می‌گردد این که برتر زنان فاطمه صلی الله علیه و آله و سلم است و سپس مادرش و بعد از او عایشه، بلکه اگر کسی بگوید: همانا دیگر دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از عایشه برترند باکی بر آن نیست و نزد من بین مریم و فاطمه توقف است؛ نظر به برتری مطلق، و اما از نظر حیثیت دانستی آنچه را که من به آن میل میکنم از امام سبکی در این مسأله سؤال شد؟ او گفت: آنچه را که ما اختیار کرده و به آن از جانب خداوند متعال متدین می‌شویم این است که فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم برتر است، سپس مادرش و بعد از او عایشه و با او در این مسأله بلقینی موافقت کرده است. و ابن عماد دانسته که خدیجه نیز از عایشه برتر باشد به جهت آن که ثابت شده که پیامبر علیه الصلاة و السلام هنگامی که عایشه به او گفت: خداوند متعال بهتر از او را به تو داده است فرمود نه به خدا سوگند خداوند متعال کسی را بهتر از او به من نداده است، او به من هنگامی ایمان آورد که مردم مرا تکذیب کردند و به من اموالش را داد هنگامی که مردم مرا محروم ساختند. و مؤید این مطلب این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جانب جبرئیل سلام عایشه را رساند ولی جبرئیل از جانب پروردگارش سلام خدیجه را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسانید».

ص: 169

1- روح المعانی، آلوسی، ج 2، ص 150، چاپ دارالکتب العلمیة، بیروت.

- 1 - روح المعانى ، آلوسى ، دار الكتب الاسلاميه ، بيروت.
- 2 - سيدات نساء اهل الجنة ، عبدالعزيز شناوى مكتبة التراث الاسلامي ، قاهره.
- 3 - خديجة بنت خويلد ، محمد على قطب دار القلم ، بيروت.
- 4 - ام المؤمنين خديجة بنت خويلد ، ابراهيم محمد حسن دار ، الفضيلة قاهره
- 5 - ازواج النبی صلی الله عليه و آله و سلم دکتر ، موسى ، مكتبة المعارف رياض .
- 6 - امهات المؤمنین و بنات الرسول صلی الله عليه و آله و سلم ، وداد سكاكيني ، دار الفكر العربي ، قاهره .
- 7 - فاطمة الزهراء عميدة أهل البيت ، حلمى ، خولى دار الخير سوريه - لبنان ، 1427 هـ .
- 8 - نساء حول الرسول صلی الله عليه و آله و سلم ، محمود طعمه حلبي ، دار الحياة حلب .
- 9 - الزهراء ، قدوة ومثل ، احمد تيسير كعيد چاپ دار ابن حزم .
- 10 - اتحاف السائل ، محمد عبدالرؤف مناوى ، چاپ رياض .
- 11 - فاطمة الزهراء وترقى غمد سليمان ، كتانى ، دار الكتاب العربي ، بيروت ، 1399 هـ .
- 12 - تقريب التهذيب ، ابن حجر عسقلانى ، چاپ دهلى .
- 13 - اتمام الدراية لقراء النقاية ، دار الكتب العلمية ، بيروت .
- 14 - ائها فاطمة الزهراء عليها السلام ، دکتر محمد عبده ، يمانى چاپ المنار للنشر والتوزيع ، دمشق ودار القبلة للثقافة الاسلامية ، جده ، 1416 هـ .
- 15 - نساء النبی صلی الله عليه و آله و سلم ، دکتر سيد جميلی ، دار المكتبة الهلال لبنان .

16 - نساء فاضلات ، عبد البديع صقر، چاپ دار الاعتصام.

17 - فاطمة الزهراء ، نبراس الرسالة الاسلامية زينب حكيم شحادة چاپ دمشق

18 - نساء أهل البيت في ضوء القرآن والحديث، احمد خليل جمعه، چاپ اليمامة للطباعة والنشر والتوزيع، دمشق، بيروت.

ص: 172

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

